



فصل نامه علمی - ترویجی

روش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

هیئت تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جواد جعفری استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده حج قم	حجت الاسلام والمسلمین سید مسعود پورسیدآقایی استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصابر جعفری عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر نصرت الله آیتی عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین الهی نژاد استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی هادی زاده استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی ربانی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر صادق سهرابی استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم

دکتر سیدرضی موسوی گیلانی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم

مدیر مسئول: سید مسعود پورسیدآقایی	مترجم چکیده های عربی: گروه ترجمه
سر دبیر: نصرت الله آیتی	صفحه آرا: علی قنبری
مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه: مجتبی خانی	حروف نگار: ناصر احمد پور
ویراستار: م. خ	طراح جلد: ابوالفضل بیگدلی نسب

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۳۳۴۸ - ۰۲۵ دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۸۲۴۰

صندوق پستی: ۴۷۱-۳۷۱۸۵ کد پستی: ۴۵۶۵۱-۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفاییه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavy@gmail.com - pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

سایت های دسترسی به نشریه: noormags.ir - magiran.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود

جامعه‌ای که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می‌کند. این قوت قلب برای ملت‌ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعماربر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت‌ها را خالی کردند؛ آنها احساس ضعف کردند؛ احساس عدم توانایی کردند، بعد اینها آمدند و با قدرت بر آنها مسلط شدند.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

- نقد و بررسی ادعاهای آخرالزمانی داعش (با تاکید بر نقد تطبیق روایت دابق)..... ۵
محمدحسن زارع
- نجات بخش زرتشتی: بررسی مفهوم سوشیانت در کتاب مقدس گاهان..... ۲۹
موبد پدرام سروش پور
- نقش عامل خوف در مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام..... ۳۹
محمد مهدی حائری پور
- ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور با تکیه بر مبانی دینی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری..... ۵۵
جواد منزوی بزرگی، سجاد حبیبیان
- ویژگی‌های منجی و دوران ظهور از منظر زائران جمکران..... ۸۷
سکینه خاتون تشت زربین
- ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی جدیدالتألیف دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به مفاهیم مهدوی..... ۱۱۱
رضا جعفری هرنندی، حسن نجفی، ابوالفضل رحیمی
- کرامت انسانی زمینه‌ساز عدل جهانی..... ۱۴۱
مرتضی آقامحمدی
- چکیده مقالات به عربی..... ۱۵۷

فصل نامه «پژوهش های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی کردهای تخصصی استقبال می کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به طور هم زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل وپرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یکصد و حداکثر دوست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا براساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه‌ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می‌آید:
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانودگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشرکننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان‌گر دیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی‌شوند و نویسنده محترم می‌تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می‌شود.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

نقد و بررسی ادعاهای آخرالزمانی داعش (با تاکید بر نقد تطبیق روایت دابق)

محمدحسن زارع^۱

چکیده

واژه «داعش» تعبیری اختصاری از «دولت اسلامی عراق و شام» است. این واژه در حال حاضر بر گروهی از پیکارجویان تندروی سنی مذهب اطلاق می‌شود. گروهی برخاسته از تفکر سلفی‌گری، با گرایش شدید به تکفیر سایر گروه‌های اسلامی، و جهاد که پرچم دار فتنه عظیمی در عالم اسلام شده است. داعش به جهت جلب حمایت توده‌های مردمی، به تدریج رنگ و بوی گروه‌های آخرالزمانی به خود گرفته و خود را از زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود^ع نشان داده است. نشانه‌هایی از بروز چنین ادعاهایی در آثار و جرایدشان هویدا است. داعش با تطبیق روایتی نبوی که به «حدیث دابق» مشهور است، سعی در اثبات حقانیت خود و لزوم کرنش همه مسلمانان در برابر خویش دارد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، این ادعای داعش را مورد نقد و کنکاش قرار خواهد داد. با توجه به مبانی فقه الحدیثی و سایر قرائین و با نظر داشت به ترفند فرقه‌های انحرافی در تطبیق نصوص دینی، تطبیق ادعایی داعش از جهات متعددی باطل و مایه گمراهی است.

واژگان کلیدی

تطبیق، روایات آخرالزمانی، مهدویت، مدعیان، داعش، دابق.

۱. کارشناس ارشد مهدویت مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم (m_h_zare@hotmail.com).

مقدمه

آموزه مهدویت یا اعتقاد به ظهور منجی موعود، از مشترکات اعتقادی شیعه و سنی، بلکه اصلی است که در همه ادیان آسمانی با وجود اشکال مختلفی از موعود باوری، جاری است (محمدی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۰). در بسیاری از منابع روایی فریقین، آثار و اخبار متواتری در حوزه مهدویت وارد شده است. به رغم اشتراک در اصل این آموزه، در جزئیات تحقق آن، اختلافات شدیدی وجود دارد. از سویی دیگر به جهت توجه دائمی فرقه‌های انحرافی به این اصل مهم دینی، مجامع روایی همواره از وجود روایات ضعیف و ایراد روایات جعلی آسیب دیده است. علاوه بر این که تطبیق روایات آخرالزمانی بر اندیشه‌های نوپدید، به عنوان چالش بزرگ اسلام در هر عصر و زمانه بوده است و اسلام در طول چهارده قرن از حیات خود، گرداب‌هایی از آن را به خود دیده است که متأسفانه بخش عظیمی از ثروت انسانی و فکری جهان اسلام در پی آن به نابودی کشیده است.

فرقه‌ها در طول تاریخ اسلام همواره از نصوص دینی به جهت پیش برد اهداف فرقه‌ای خویش بهره برده‌اند. آن‌ها به خوبی این واقعیت را درک کرده‌اند که نصوص دینی و روایات اسلامی، جایگاهی بس عظیم در قاموس فکری مسلمانان دارد و چنانچه بتوانند مفاهیم دینی را بر اهداف و راهبردهای گروهی خویش پیاده کنند به فوز عظیمی در جهت جذب قلوب مشتاق نایل شده‌اند. از این رو تطبیق روایات آخرالزمانی از مهم‌ترین لغزشگاه‌های این گروه‌ها به شمار می‌رود. آن‌ها با سوء استفاده از جهل مردم و عدم رجوع به منابع معتبر و متقن دینی و ارائه برداشت‌های ناصحیح از نصوص دینی، خصوصاً با محروم بودن عموم مسلمانان از انوار هدایت اهل بیت پیامبر اسلام علیهم‌السلام، نحله خود را به عنوان عقیده حق به عوام مردم خوانده‌اند. داعش که گروهی از پیکارجویان تندروی سنی مذهب هستند و از لحاظ چارچوبه‌های فکری، اعتقادی متعلق به مدرسه ابن تیمیه و برخاسته از دامان آلوده تفکر سلفی‌گری به شمار می‌آیند؛ به جهت جلب حمایت توده‌های مردمی و اقتناع اندیشه پیروان، به تدریج رنگ و بوی گروه‌های آخرالزمانی به خود گرفته و خود را از زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود علیه‌السلام نشان داده است. نشانه‌هایی از بروز چنین ادعاهایی در تطبیق روایات آخرالزمانی در آثار و جرایدشان نظیر مجله «دابق» هویدا است. یکی از اولین و مهم‌ترین تطبیقات داعش، پیرامون روایتی نبوی به وقوع پیوسته است که به «حدیث دابق» شهرت دارد. رهبران ایدئولوژیک داعش، راهبرد نظام‌مند خویش را سعی در اثبات حقانیت خود و لزوم کرنش همه مسلمانان در برابر این گروه،

می‌دانند. از این رو اتفاقات جاری در عراق و سوریه را از علائم اشراط الساعه دانسته و مبنای عمل خویش را در جهت تشکیل حکومتی جهانی با ادعای بازگشت خلافت، قرار داده‌اند و در تازه‌ترین ادعا با شعار مهدویت، جریان‌های مخالف خویش را بر خروج سفیانی تطبیق کرده و خود را زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه معرفی کرده‌اند (مجله دابق، ش ۴، ۱۴۳۵: ۳۵).

توجه عمومی مردم به مباحث آخرالزمانی، انگیزه برای فراهم‌سازی زمینه‌های پیدایش موعود در عالم، تصور پایان ظلم و بی‌عدالتی و برپایی عدل و داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله وعده قعطی پیدایش آن را در آخرالزمان داده است، می‌تواند نیرویی قوی در توده مردم عوام ایجاد کند که در صورت هدایت نشدن این پتانسیل، خود می‌تواند به یک بحران لاینحل و مصیبتی خانمان برانداز تبدیل شود؛ چنان‌چه نشانه‌هایی از آن حادثه ناگوار را می‌توان در حوادث و ناآرامی‌های منطقه خاورمیانه بالاخص سوریه و عراق مشاهده نمود. از این رو پژوهش در چنین حوزه‌هایی، آگاه‌سازی عموم مردم از نوع انحراف ایجاد شده و تبیین کیفیت سوء استفاده این گروه‌ها از میراث روایی اسلام، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

این نوشتار سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی به بررسی ادعای داعش در تطبیق روایت دابق بپردازد. در این مقاله علاوه بر بررسی سندی و محتوایی این روایت، با توجه به تبیینات فقه‌الحدیثی و با نظر داشت به سایر قرائن و ملاحظات و ترفند فرقه‌ها در تطبیقات ناصحیح، مدعای فرقه داعش، مورد واکاوی و نقد قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری پژوهش

الف) نظری اجمالی بر مدعیان دروغین تطبیق‌گرا

نخستین کاربرد نام مهدی در تاریخ اسلام توسط مختار ثقفی اتفاق افتاد که در برخی از نامه‌های خود از محمد بن حنفیه با لقب مهدی یاد کرده است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۱). این تطبیق و نسبت دادن‌ها، همواره در جهت اهداف منفی و دنیاگرایانه و اهداف به ظاهر مثبت و ارزش‌گرایانه وجود داشته است.

۷

یکی از گروه‌هایی که با استفاده از این مسئله، سعی در جلب و جذب مردم و همراهی آنان داشته‌اند، عباسیان بودند. این اقدامات از طرف آنان حساب شده و همراه با زمینه‌سازی بود. مثلاً منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی با همین هدف نام فرزند خود را مهدی گذاشت و روایت پیامبر اسلام [را تحریف کرد تا فرزندش بتواند ادعای مهدویت کند و با استفاده از اعتقاد

مردم به مهدی موعود، خود را منجی و موعود الهی معرفی کرده و حکومتش را استحکام بخشید. (صادقی، ۱۳۸۹: ۷۰)

در زمان حضور معصومین علیهم‌السلام گروه‌هایی مانند اسماعیلیه (قائلین به مهدویت اسماعیل بن جعفر الصادق علیه‌السلام) واقفیه (قائلین به مهدویت حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام) محمدیه (قائلین به مهدویت محمد بن علی الهادی علیه‌السلام) جعفریه (قائلین به مهدویت جعفر عموی امام زمان علیه‌السلام) عسکریه (قائلین به مهدویت امام عسکری علیه‌السلام) ظهور کردند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۴). همچنین در دوران غیبت صغری افرادی مانند عبیدالله بن محمد فاطمی (پایه‌گذار حکومت فاطمیان در شمال آفریقا) و قرامطه (قائلین به مهدویت زکریای اصفهانی) مدعی مهدویت شدند (نصوری، ۱۳۸۲: ۱۸۱) و در دوران غیبت کبری نیز این امر با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. در این دوران نیز افراد و گروه‌هایی مانند: محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی، الناصر لدین الله، فضل الله حروفی، ملاعرشی کاشانی، بایزید انصاری، شاه اسماعیل دوم، مهدی سودانی، سید محمد جونپوری، بابا یزید ترکمانی، مهدی چچنی، سید احمد بریلوی، ضیاء الکرعاوی، سید محمود حسنی صرخی، بابیه و بهائیه و... ظهور کردند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۶۲-۷۴)

ب) بازتبیین مفاهیم کلیدی

تطبیق

تطبیق در لغت به معنای با هم مطابقت کردن، برابر کردن دو چیز با یکدیگر و برابر ساختن است (عمید حسن، ۱۳۸۶: ۴۳۹) و در اصطلاح، مراد از تطبیق در مباحث مهدویت و آخرالزمانی این است که با استفاده از روایات وارد شده از پیشوایان دین، فرد، جریان یا گروهی را با (مصادیق) روایات برابر دانسته و مطابقت بدهیم.

آخرالزمان

دوره پایانی دنیا و زمان شکل‌گیری ظهور و حکومت حضرت مهدی موعود علیه‌السلام (سلیمیان، ۱۳۸۷: ۱۵)

در فرهنگ اسلامی، آخرالزمان، هم دوران نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا وقوع قیامت را شامل می‌شود و هم دوران غیبت و ظهور حضرت مهدی موعود علیه‌السلام را. (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۵)

اشراف الساعه

به معنای نشانه‌های برپایی قیامت است. در منابع روایی، از برخی نشانه‌های ظهور،

به‌عنوان نشانه‌های برپایی قیامت یاد شده است. مانند: خروج دجال، آشکارشدن خورشید در ناحیه مغرب، نزول عیسی از آسمان، و... (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

داعش

تاریخچه پیدایش داعش

به دنبال پیدایش گروه‌های سلفی در بین اهل سنت، در طول تاریخ تفکر سلفی‌گری با گرایش‌ها و برداشت‌های گوناگون از این مکتب، مانند گروه‌های سلفی جهادی مصر با هدف مبارزه با حاکمان ظالم، افغان‌العرب‌ها در افغانستان با هدف مبارزه با ارتش سرخ شوروی و حکومت کمونیستی افغانستان، القاعده با هدف مبارزه با آمریکا و سلفی‌های عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی با هدف مبارزه با شیعیان، از بین زیرشاخه‌های القاعده عراق، گروهی فرقه‌ای موسوم به داعش ظهور کرد که از جهت ایدئولوژی و رفتارگرایی با دیگر هم‌مسلمانان خود، دارای کارکردها شباهت‌ها و تفاوت‌های زیادی بود.

دولت اسلامی عراق و شام که به اختصار داعش (ISIS)^۱ خوانده می‌شود، گروهی مسلح است که با تفکرات سلفی افراطی و تروریستی، در عراق و سوریه حضور فعال دارد و بخش‌هایی از سوریه و عراق را به تصرف خود درآورده است. این گروه به دنبال اختلاف با جبهه النصره در سوریه و حکم ایمن الظواهری^۲ به نفع جبهه النصره، از شبکه القاعده جدا شده و همراه با برخی دیگر گروه‌های شورشی با دولت‌های عراق و سوریه وارد جنگ شده است. پس از کشته شدن «ابوعمر البغدادی» در ۱۹/۴/۲۰۱۰، ابوبکر البغدادی^۳ به‌عنوان جانشین وی معرفی شد.

1. Islamic state of Iraq and Syria (ISIS)

۲. رهبر القاعده پس از بن لادن

۳. ابراهیم عواد ابراهیم علی البدر (ابوبکر البغدادی) در سال ۱۹۷۱ در سامرا به دنیا آمد. در دانشگاه اسلامی بغداد تحصیل کرده و دارای مدرک دکترا است. وی که سابقاً با اسامی دکتر ابراهیم و ابودعاء شناخته می‌شد، یک بار در تلاش برای اینکه خودش را از نسل پیامبر اسلام ﷺ معرفی کند، خود را ابوبکر البغدادی الحسینی الهاشمی القرشی معرفی کرد و هم‌اکنون هم با نام امیرالمؤمنین الخلیفه ابراهیم شناخته می‌شود. بغدادی، در یک پیام صوتی ۱۹ دقیقه‌ای که برای اولین بار از طرف او منتشر می‌شد، خود را «خلیفه» خواند و از مسلمانان جهان خواست تا به مناطق تسخیر شده توسط داعش مهاجرت کنند و در تشکیل یک «دولت اسلامی» او را یاری کنند. ویدیویی منتسب به ابوبکر بغدادی، رهبر دولت اسلامی عراق و شام، در اینترنت منتشر شد که هنوز صحت آن تأیید نشده. ابوبکر البغدادی در این ویدیو، طی خطبه‌ای به مسلمانان حکم کرد که از وی اطاعت کنند: «من ولی امر شما هستم؛ هر چند بهترین شما نیستم اما اگر مرا برحق می‌دانید به من یاری دهید» و در بخش دیگری از این خطبه هم می‌گوید: اگر مرا برحق نمی‌دانید به راه حق برگردانید و تا زمانی که من تابع پرودگار هستم، از من پیروی

با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند.
(<http://www.daesh.ir>)

داعش با استفاده از پرچم سیاه که در روایات اهل سنت، یادآور خلافت اسلامی است ذهن اهل سنت را به خود جلب کرده است؛ به ویژه این که داعشیان بیشتر، لباس سیاه و لباس افغانی و پاکستانی می پوشند؛ زیرا این امر نیز تداعی گروایتی از اهل سنت می باشد که می گوید:
زمینه سازان ظهور با درفش سیاه از سمت خراسان قیام می کنند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ۵۱۱)

شاهد این مطلب تصریح ابوحمزه مهاجر و ابوبکر البغدادی در شماره چهارم مجله دابق است که خود را یاران و یاوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه نامیده اند. (مجله دابق، ش ۴، ۱۴۳۵: ۳۵)^۱
به لحاظ اعتقادی این گروه، معتقد به سلفیسم است. این باور جزء اعتقادات سنی مذهب به شمار می رود اما در قالب هیچ یک از چهار فرقه سنی قرار نمی گیرد. در حوزه معرفت شناسی، عقاید داعش بر نقل توجه دارد و عقل را فاقد قدرت شناخت می دانند و در عوض بایستی به قرآن، احادیث و اجماع صحابه بدون اجتهاد توجه کرد. در باب معناشناسی، داعش به ظاهرگرایی توجه دارد و هرگونه تأویل را باطل می داند. این گروه از یک ساختار تشکیلاتی هرم گونه برخوردار است به طوری که سرکرده آن ها در رأس هرم قرار دارد و بقیه فرماندهان و نیروها در قاعده آن قرار می گیرند. تمامی فرماندهان و اعضای مناصب کلیدی توسط شخص خلیفه انتخاب می شود. (حاتمی: ۱۳۹۴: ۶-۹)

داعشیان در جهاد و قرار دادن دابق به عنوان پایگاه جنگی خود، به روایتی از پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استناد کرده اند که در صحیح مسلم ذکر شده است. (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۱: ج ۲۸۹۷)

دابق

معجم البلدان، اثر مؤرخ و جغرافی دان بزرگ و شهیر قرن هفتم قمری ابو عبدالله یاقوت

کنید. از کنیه او می توان نتیجه گرفت که رهبر داعش، خود را به ابوبکر، خلیفه پس از پیامبر و به بغداد پایتخت عراق منتسب می کند. (<https://fa.wikipedia.org/wiki>)

1. I do not doubt for a moment – and Allah knows such – that we are the army that will pass on the banner to the slave of Allah the Mahdī.

حموی است. وی می نویسد:

دابق، آبادی نزدیک حلب از توابع عزاز بوده و فاصله آن و حلب چهار فرسنگ است. بنومروان هنگام جنگ در سرحد مصیصه، آن جا فرود آمده بودند و قبر سلیمان بن عبدالملک نیز آن جاست (حموی، ۱۹۹۵: ۲۷۱)

دابق و الاعماق

دابق نام شهری کوچک در ۳۵ کیلومتری شمال استان حلب در شمال سوریه است که از مرزهای ترکیه ۴۵ کیلومتر فاصله دارد. این ناحیه، شاهد نبرد مرج دابق در سال ۱۵۱۶ میلادی در همین منطقه به پیروزی امپراطوری عثمانی بر مملوکان مصر بوده است. به اعتقاد برخی از مسلمانان (اهل سنت) بر اساس روایتی که در صحیح مسلم (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۱: ح ۲۸۹۷) آمده است یکی از مهم ترین جنگ های آخرالزمان در این سرزمین اتفاق می افتد که نتیجه آن پیروزی نهایی مسلمانان بر رومیان (غرب) است.^۱

اما «الاعماق» که در حدیث معروف به دابق آمده، به منطقه ای تابع انطاکیه ترکیه اشاره دارد که به دابق نزدیک است.

اعضای گروه «خلافت اسلامی» در حساب های کاربری خود در سایت های مختلف اینترنت، به حدیث دیگری نیز اشاره می کنند که می گوید، جنگ «بسیار بزرگ» خواهد بود و صدها هزار جنگجو در آن شرکت خواهند کرد. «رومی ها» زیر ۸۰ پرچم که از هر کدام ۱۲ هزار نیرو پیروی می کند، گرد هم خواهند آمد و شمار ارتشی که علیه «مسلمانان» خواهد جنگید، به حدود ۹۶۰ هزار نفر خواهد رسید (baharnews.ir)

پیروان داعش معتقدند که نشانه های این پیشگویی که در حدیث آمده با پیوستن مبارزان غربی به داعش و نیز ائتلاف بین المللی به وجود آمده برای مبارزه با داعش، در حال تحقق است؛ ائتلافی که به سرعت در حال گسترش بوده و با احتمال مداخله ترکیه با مرکزیت

۱. حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا مَعْلَى بْنُ مَنصُورٍ، حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ، حَدَّثَنَا شَهْبِيلٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: "لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزَلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَابِقٍ، فَيَخْرُجَ إِلَيْهِمْ جَيْشٌ مِنَ الْمَدِينَةِ، مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ، فَإِذَا تَصَافَوْا، قَالَتِ الرُّومُ: خَلَوْا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الَّذِينَ سَبَّوْنَا مِنَّا نَقَاتِلْهُمْ، فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ: لَا، وَاللَّهِ لَا نَخْلِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِنَا، فَيَقَاتِلُونَهُمْ، فَيَنْهَزُهُمْ ثَلَاثٌ لَا يَثُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَبَدًا، وَيُقْتَلُ ثُلُثُهُمْ، أَفْضَلُ الشَّهْدَاءِ عِنْدَ اللَّهِ، وَيُفْتَحُ الثُّلُثُ، لَا يُفْتَنُونَ أَبَدًا فَيَفْتَحُونَ قُسْطَنْطِينَيَّةَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يَفْتَسِمُونَ الْعَنَائِمَ، قَدْ عَلَقُوا سُيُوفَهُمْ بِالرَّيْثُونَ، إِذْ صَاحَ فِيهِمُ الشَّيْطَانُ: إِنَّ الْمَسِيحَ قَدْ خَلَقَكُمْ فِي أَهْلِيكُمْ، فَيَخْرُجُونَ، وَذَلِكَ بَاطِلٌ، فَإِذَا جَاءُوا الشَّامَ خَرَجَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يُعَدُّونَ لِلْقِتَالِ، يَسُوءُونَ الصُّفُوفَ، إِذْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَيَنْزِلُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ ﷺ، فَأَمَّهُمْ، فَإِذَا رَأَهُ عَدُوُّ اللَّهِ، ذَابَ مَا يَذُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ، فَلَوْ تَرَكَهَ لَأَنْذَابَ حَتَّى يَهْلِكَ، وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ اللَّهُ بِيَدِهِ، فَيُرِيهِمْ دَمَهُ فِي حَزْبَتِهِ.

قسطنطنیه (استانبول فعلی) علیه داعش، تقویت می‌شود.

مجله دابق

به علت اهمیت نام دابق نزد داعشیان و هم‌چنین اهمیت تبلیغات و اطلاع‌رسانی و توجیه اقدامات و بیان دیدگاه‌ها، داعش مجله‌ای بین‌المللی را با زبان انگلیسی و با طراحی و گرافیک بالا منتشر می‌کند. اولین شماره این مجله در رمضان ۱۴۳۵ و پانزدهمین (آخرین) شماره آن در شوال ۱۴۳۷ منتشر شده است. نسخه الکترونیکی آن از طریق ایمیل برای هواداران ارسال شده و نسخه چاپی آن در مناطق تحت اشغال توزیع می‌شود.

برخی از نکاتی که با تحلیل این مجله به دست می‌آید از این قرار است:

۱. وجه نام‌گذاری مجله به نام دابق، برگرفته از حدیث معروف نبوی است و اشاره به اهمیت استراتژیکی - اعتقادی این نام و منطقه در دیدگاه داعش دارد؛
۲. دعوت به اعلام وفاداری به داعش از کسانی که امکان هجرت ندارند؛
۳. اشاره به احادیث هجرت و لزوم هجرت (سفر مذهبی) از سراسر دنیا، جهت پیوستن به داعش با تخصص‌های گوناگون؛
۴. استفاده از عکس کشتی نوح عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان سمبلی برای اشاره به این که تنها راه نجات، در دریای متلاطم دنیای امروز، خلافت اسلامی داعش است؛
۵. اشاره به ممهّد بودن داعش برای مهدی موعود ع؛
۶. معرفی داعش به عنوان یک حکومت با ایدئولوژی و پشتوانه فکری، جهت القای غیر تروریستی بودن خود و از میدان به در کردن رقبای خود؛
۷. به تصویر کشیدن فعالیت‌های عمرانی در رقه در کنار فعالیت‌های مذهبی، در جهت کارآمد نشان دادن فراگیر داعش؛
۸. با نوشتن مقاله «مفهوم امامت به معنای روش ابراهیمی است» به این نکته اشاره می‌کنند که زعامت دینی و سیاسی، هر دو بایستی در یک نفر جلوه‌گر باشد؛ و آن فرد امام امت است؛
۹. اشاره با نام قبائل طرفدار و حامی داعش با هدف تحریص و ترغیب دیگر قبائل با وعده تأمین امنیت و غذا و مایحتاج آن‌ها و اجرای قوانین؛
۱۰. بیان مسئله خلافت، پیشینه و فلسفه آن؛
۱۱. معرفی رهبران فکری - عملیاتی داعش؛

۱۲. منحرف دانستن دیگر رهبران حرکت‌های اسلامی مانند اسماعیل هنیه؛
۱۳. بیان صحبت‌های دشمنان خلافت اسلامی و تفسیر آن به رعب و وحشت دشمنان از قدرت داعش؛
۱۴. توجیه نمودن غارت‌ها، کشتارها و خونریزی‌ها با نام دین و مذهب؛
۱۵. ادعاهای تکراری بر علیه ایران، حزب‌الله و روسیه؛
۱۶. استفاده بیشتر از نمادها و روایات مهدویت (<http://www.tabnak.ir>).

دابق در تاریخ اسلام

با بررسی تاریخ دابق مشخص می‌شود که برخی از حاکمان اسلامی در سده‌های اول اسلام، لشکرکشی‌هایی از این منطقه به قصد جنگ با روم و تصرف آن داشته‌اند. بهترین و معتبرترین منبع تاریخی اهل سنت در این زمینه، کتاب تاریخ ابن جریر طبری می‌باشد. طبری ذیل حوادث سال ۹۸ می‌نویسد:

زمانی که سلیمان (بن عبدالملک) به حکومت رسید، قصد جنگ با روم را کرد و در دابق فرود آمد... تصمیم قطعی سلیمان، فتح قسطنطنیه و روم بود (طبری، ۱۴۱۸: ج ۸، ۷۳). خلیفه، تحت فرماندهی برادرش «مسلمه»، نیروی ۱۸۰ هزار نفری را از مردم شام، جزیره و موصل علاوه بر ۱۸۰۰ قایق (طقوش، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ به نقل از العیون و الحدایق فی اخبار الحقائق: ۳۵) فراهم کرد و از او پیمان گرفت تا زمانی که سپاهیانش وارد قسطنطنیه نشده، باز نگردد. با نیرنگ رومیان، لشکر اسلام به فرماندهی مسلمه، برادر سلیمان پس از محاصره قسطنطنیه و روم، دچار قحطی و گرسنگی شد به گونه‌ای که همه چیز غیر از خاک را می‌خوردند و سلیمان که در دابق بود و گرفتار سرمای شدید زمستان شده بود، از کمک به لشکرش عاجز ماند و لشکرش شکست خورد. سلیمان هم در دابق مرد و همانجا دفن شد. (طبری، ۱۴۱۸: ج ۸، ۷۳-۷۲)

نام یکی دیگر از خلفایی که در شمار جنگ‌آوران با روم آمده است، مهدی عباسی سومین خلیفه عباسی است. مهدی به رغم روحیه صلح جویانه‌ای که داشت، وقتی متوجه سرکشی و حمله رومی‌ها به سرحدات اسلامی شد، لشکری مهیا ساخت و یکبار به فرماندهی غلامش «صغیر» و یکبار به فرماندهی عمویش «عباس بن محمد» به روم حمله کرد.

در سال ۱۶۵ خود خلیفه برای حمله به روم، عازم حلب شد و فرماندهی لشکرش را به فرزندش هارون داد، هارون با پیروزی و غنائم فراوان و اسیران زیاد بازگشت؛ به همین خاطر مهدی لقب الرشید را به او داد. مامون عباسی نیز در سال ۲۱۵ بعد از عبور از دابق، وارد روم شد

و در سال ۲۱۶ بار دیگر به روم حمله کرد. (طبری، ۱۴۱۸: ج ۱۱، ۳۱)
 تهاجم به روم یا تدافع در برابر آن در دوران حکومت عباسی، امری مستمر بوده ولی آن چه
 که در تاریخ نقل شده شکست‌های جبران‌ناپذیر روم در برابر خلفای مقتدری همچون
 هارون الرشید و معتصم بوده است.

این مقاله حوصله و گنجایش بیشتر بررسی تاریخی رفتار و رابطه متقابل خلفای اسلامی و
 روم را ندارد. لذا به همین مقدار بسنده می‌کنیم که همواره حمله به روم و تصرف آن از طریق
 دابق یا غیر آن مورد نظر و عمل خلفای اسلامی بوده است.

یکی از نکات جالب درباره تاریخ دابق، به خلافت رسیدن و بیعت کردن برخی از خلفا در این
 منطقه است. یکی از کسانی که در دابق به خلافت رسید، عمر بن عبدالعزیز است. این خلافت
 بنا به وصیت سلیمان بود که در نامه‌ای در بسته بود و قبل از مرگش از بنی‌امیه برای او بیعت
 گرفته بود. با مرگ سلیمان، رجاء بن حیوة، بار دیگر برای خلیفه نامعلوم از بزرگان بنی‌امیه
 بیعت گرفت و نامه سلیمان را باز کرد و نام خلیفه جدید را آشکار کرد. خلافت عمر چندان طول
 نکشید و عمر بن عبدالعزیز نیز دستور داد مکان قبرش را در دیر سمعان خریداری کردند و
 همان جا او را به خاک سپردند. (طبری، ۱۴۱۸: ج ۶، ۵۷۲)

تلویزیون دابق

از آن جایی که نام دابق نزد داعش از اهمیت بالایی برخوردار است، داعش در تبلیغات خود
 بیشترین بهره‌برداری را از این نام کرده و شبکه‌ای تلویزیونی - ماهواره‌ای به کمک کارشناسان
 عربستانی در موصل به همین نام تاسیس کرده است.^۱
 با همکاری رسانه‌های دولتی سعودی و قطر، شبکه عرب‌زبان دولت اسلامی خلیفه‌گری
 سنی عراق و شام افتتاح شد. این شبکه از موصل پخش می‌شود و یک شبکه استانی
 محسوب می‌شود.^۲

بازشناسی روایت دابق در منابع روایی

این روایت در منابع روایی شیعه وجود نداشته و فقط در منابعی از اهل سنت مانند صحیح
 مسلم آمده است. این روایت در برخی دیگر از منابع حدیثی سنی نیز با همین عبارت و یا با

۱. <http://www.seratnews.ir/fa/news/187024/> شبکه تلویزیونی داعش روی آنتن می‌رود

۲. <http://atro.rozblog.com/news/105>

مضامین آن آمده است که در بخش روایات مرتبط، به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. روایت را مسلم این‌گونه نقل می‌کند:

حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا مُعَلَّى بْنُ مُنْصُورٍ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ، حَدَّثَنَا سُهَيْلٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: "لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَابِقٍ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ جَيْشٌ مِنَ الْمَدِينَةِ، مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ، فَإِذَا تَصَافَوْا، قَالَتِ الرُّومُ: خَلَوْا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الَّذِينَ سَبَّوْنَا نَفَاتِلَهُمْ، فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ: لَا، وَاللَّهِ لَا نُخَلِّي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِنَا، فَيَقَاتِلُونَهُمْ، فَيَمُتُّهُمْ ثَلَاثٌ لَا يُثُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَبَدًا، وَيَقْتُلُ ثُلُثَهُمْ، أَفْضَلَ الشُّهَدَاءِ عِنْدَ اللَّهِ، وَيَفْتَتِحُ الثُّلُثُ، لَا يَفْتَتِحُونَ أَبَدًا فَيَفْتَتِحُونَ قُسْطَنْطِينَيَّةَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يَقْتَسِمُونَ الْعَنَائِمَ، قَدْ عَلَقُوا سُيُوفَهُمْ بِالزَّبِيثُونَ، إِذْ صَاحَ فِيهِمُ الشَّيْطَانُ: إِنَّ الْمَسِيحَ قَدْ خَلَفَكُمْ فِي أَهْلِيكُمْ، فَيَخْرُجُونَ، وَذَلِكَ بَاطِلٌ، فَإِذَا جَاءَ وَالشَّامُ خَرَجَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يَبْعُدُونَ لِقَاتِلِ، يَسُورُونَ الصُّفُوفَ، إِذْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ﷺ، فَأَمَّهُمْ، فَإِذَا رَأَهُ عَدُوُّ اللَّهِ، ذَابَ مَا يَذُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ، فَلَوْ تَرَكَهُ لَأَنْدَابَ حَتَّى يَهْلِكَ، وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ اللَّهُ بِيَدِهِ، فَيَرِيهِمْ دَمَهُ فِي حَرْبَتَيْهِ. (مسلم نیشابوری، ۱۴۲: ح ۲۸۹۷)

تحلیل و بررسی روایت دابق

این روایت را از دو منظر یعنی منبع و سند مورد واکاوی قرار می‌دهیم:

منبع

از جهت بررسی منبع روایت باید گفت که منبع اصلی روایت که کتاب صحیح مسلم باشد در بین اهل سنت از جایگاه و اعتبار بالایی برخوردار است به گونه‌ای که برخی از عامه آن را اولین و برخی دیگر دومین منبع معتبر حدیثی اهل سنت می‌دانند؛ ولی همواره این نظریه مخالفین خاص خود را هم داشته است.

نووی در مقدمه کتاب شرح مسلم می‌نویسد:

ادعای مسلم مبنی بر جمع‌آوری روایاتی که جمهور اهل سنت بر صحت آن اتفاق نظر دارند، سخن گزافی است، زیرا وی در کتاب خود روایاتی را که راویان آن‌ها افراد موثق و مورد اطمینان نبوده و در صحت روایات آن‌ها بین علما اختلاف است، گردآوری کرده است. (نووی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۲۵)

ابن حجر عسقلانی از علمای مطرح و سرشناس عامه می‌نویسد:

بخاری در کتاب خود صد و ده حدیث معلل (یعنی مشکل‌دار) و ضعیف و مخدوش را نقل

کرده است، سی و دو حدیث از همین احادیث ضعیف در کتاب مسلم نیز نقل شده است.
(عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۴۶)

سند

ذهبی رجال شناس مطرح اهل سنت درباره راویان این حدیث، ذیل نام هر کدام درباره مقام و موقعیت و اعتبار و... آن‌ها بحث و آن‌ها را تایید کرده است:

أَبُو خَيْثِمَةَ زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ بْنِ شَدَادٍ الْحَرَشِيُّ: الْحَافِظُ، الْحَجَّةُ، أَحَدُ أَعْلَامِ الْحَدِيثِ. (ذهبی،
۱۴۰۵: ج ۱، ۴۸۹)^۱

مُعَلَّى بْنُ مَنْصُورٍ الرَّازِيُّ أَبُو يَعْلَى الْحَنْفِيُّ: الْعَلَامَةُ، الْحَافِظُ، الْفَقِيهُ. (همو: ج ۱۰، ۳۶۵)^۲
سَلِيمَانُ بْنُ بِلَالٍ الْقُرَشِيُّ التَّمِيمِيُّ مَوْلَاهُمْ: الْإِمَامُ، الْمُفْتَى، الْحَافِظُ، أَبُو مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيُّ. (همو:
ج ۷، ۴۲۵)^۳

سَهِيلُ بْنُ أَبِي صَالِحٍ الْمَدَنِيُّ: الْإِمَامُ، الْمُحَدِّثُ الْكَبِيرُ، الصَّادِقُ، أَبُو يَزِيدَ الْمَدَنِيُّ. (همو: ج
۵، ۴۵۸)^۴

أَبُو صَالِحٍ السَّمَانِيُّ ذُكْوَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: الْقُدْوَةُ، الْحَافِظُ، الْحَجَّةُ، ذُكْوَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى أُمِّ
الْمُؤْمِنِينَ جُوَيْرِيَةَ الْغَطَفَانِيَّةِ. كَانَ مِنْ كِبَارِ الْعُلَمَاءِ بِالْمَدِينَةِ. (همو: ج ۵، ۳۶)^۵

أَبُو هُرَيْرَةَ الدَّوْسِيُّ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ صَخْرٍ: الْإِمَامُ، الْفَقِيهُ، الْمُجْتَهِدُ، الْحَافِظُ، صَاحِبُ رِسْوَلِ
اللَّهِ ﷺ، سَيِّدُ الْحَفَاطِ الْأَثْبَاتِ. اخْتَلَفَ فِي اسْمِهِ عَلَى أَقْوَالٍ جَمَّةٍ، أَرْجَحُهَا: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ
صَخْرٍ. (همو: ج ۲، ۵۷۸)^۶

محدث: کسی که روایتی را نقل کرده و به درایت آن توجه داشته است.

حافظ: کسی که صد هزار حدیث را همراه با متن و سند با طرق متعدد حفظ باشد.

حجت: کسی که سیصد هزار حدیث را همراه با متن و سند حفظ باشد.

۱. ابوخیثمه زهیر بن حرب بن شداد حرشی: حافظ، حجت و یکی از بزرگان حدیث است.

۲. معلی بن منصور رازی ابو یعلی حنفی: علامه، حافظ و فقیه است.

۳. سلیمان بن بلال قرشی تیمی مولای آنها: امام، صاحب فتوا، حافظ، ابو محمد تیمی است.

۴. سهیل بن ابی صالح مدنی: امام، محدث بزرگ، صادق، ابویزید مدنی است.

۵. ابوصالح سمان ذکوان بن عبدالله، الگو، حافظ، حجت، مولی ام المومنین جویریة غطفانیة و از بزرگان دانشمندان مدینه است.

۶. ابوهریره دوسی عبدالرحمن بن صخر: امام، فقیه، مجتهد، حافظ، صحابی پیامبر خداوند سرور حافظان ثابت است. درباره نام او اختلاف شده است، بهترین آنها عبدالرحمن بن صخر است.

حاکم: کسی که اشراف به تمام روایات داشته باشد. (عبدالرؤوف، ۱۹۹۹ق: ج ۲، ۴۲۱)

هرچند، رجال و روایات مسلم به صورت عام نزد برخی از علمای اهل سنت معتبرند ولی با مراجعه به برخی از رجالیون سنی، مشخص می‌شود که درباره وثاقت و اعتبار برخی از راویان سکوت کرده و نکته‌ای را له یا علیه آنان متذکر نشده‌اند و درباره عدم اعتبار برخی از راویان سخن گفته‌اند.

در بین راویان این روایت، درباره اعتبار یا عدم اعتبار معلى بن منصور بحث شده و نظر برخی از مخالفین مانند احمد بن حنبل، پیشوای حنبلیان، بر عدم اعتبار وی ذکر شده است:

ابوطالب گفت: از احمد بن حنبل درباره معلى بن منصور سوال کردم، جواب داد: او طبق رای (خودش) حدیث می‌کرد و هر روز در دو سه حدیث اشتباه می‌کرد. (ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۳۶۶)

عبدالحق در الاحکام از احمد (بن حنبل) نقل کرده که او (معلى بن منصور) را متهم به کذب می‌کرد. (محمدخلیل، ۱۴۱۷: ج ۳، ۳۷۸)

ابوهریره هم مورد مناقشه رجالیون سنی در صحت نقل حدیث و جعل آن است. نقل روایات فراوان علیرغم حضور کوتاه مدت ابوهریره نزد پیامبر خدا ﷺ دور از واقعیت به نظر می‌رسد؛ شخصیت ابوهریره به عنوان یک دروغگو و هذیان گو و والی معزول و تهدید شده به خاطر روایاتش و... مطرح است.^۱

سهیل بن ابی صالح نیز از طرف یحیی بن معین و ابن عدی مورد ضعف و طعن قرار گرفته است. (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۴۷۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق: ج ۲، ۲۴۳)

این روایت را ابوعمر و الدانی از طریق مسلم و از طریق عبیدالله بن محمد العمری در السنن الواردة فی الفتن نقل کرده است. (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۶، ۱۱۱۴) حاکم در مستدرک به صورت مرفوع از طریق حسن بن علی بن زیاد الشَّری الطاحونی الرازی نقل کرده است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ۵۲۹) و ابن حجر در اتحاف المهره چند طریق دیگر را نقل می‌کند (عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ۵۷۶)

۱. رک: تذکره الحفاظ ج ۱ ص ۳۶ و تاریخ الإسلام ذهبی ج ۴ ص ۳۵۶ و سیر أعلام النبلاء ج ۲ ص ۶۱۳؛ الکامل، لابن الأثیر، حوادث سال ۲۳ و الطبقات الطکبری، ابن سعد، ج ۴، ص ۳۳۵ و صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۶۶۰ ش ۲۰۹۸ و الجمع بین الصحیحین ج ۳ ص ۱۲۳ و فیض القدیر ج ۱ ص ۳۰۸؛ جامع بیان العلم وفضله (ابن عبد البر) ج ۲ ص ۱۵۴؛ تاریخ مدینة دمشق ج ۶۷ ص ۳۵۲ - التمهید لابن عبد البر ج ۹ ص ۲۸۹ - طرح التثریب فی شرح التقریب ج ۸ ص ۱۱۴

این روایت و برخی روایات دیگر را فقط سهیل از ابوهریره نقل کرده و شاید به خاطر همین مسئله بوده که بخاری به او اعتماد نکرده و فقط روایات متابع^۱ و شواهد را از او نقل می‌کند برخلاف مسلم که هم در اصول و هم در شواهد از سهیل روایت نقل می‌کند. از جمله احادیثی که فقط سهیل از ابوهریره نقل کرده حدیث:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَائِقِ، وَحَدِيثُ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا وَحَدِيثُ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْظُرَ النَّاسُ مَطَرًا، وَحَدِيثُ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، فَتَكُونَ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ...!»!

که همه آن‌ها درباره یک موضوع است؛ می‌باشد. نقل این روایات با وجود این که ابوهریره همراه و یاران زیادی داشته و شخص دیگری از او نقل نکرده است، مشکوک به نظر می‌رسد.

از جمله طعن‌هایی که بر سهیل وارد می‌شود این است که در آخر عمرش دچار بیماری شده و بخشی از احادیثش را فراموش کرد. (طرابلسی، ۱۹۸۸: ج ۱، ۱۶۴) بخاری حدیثش را در صحیحش نقل نکرده و فقط روایاتش را در شواهد آورده است.

در مجموع با توجه به ضعف‌های مذکور، به نظر می‌رسد سند حدیث ضعیف و غیرقابل اعتنا می‌باشد.

شرح حدیث

شرح حدیث دابق در شرح مسلم

شرح نووی بر صحیح مسلم که مشهورترین شرح بر صحیح مسلم است. وی ذیل این حدیث این‌گونه می‌نویسد:

... اعماق و دابق دو موضع در شام نزدیک حلب هستند. کلمه سیوا به دو صورت، با فتحه و ضمه سین و باء روایت شده است؛ به نظر من هر دو صحیح است زیرا مسلمانان در مرتبه اول اسیر شدند سپس کفار را اسیر کردند. و این در زمان ما هم وجود دارد، بلکه بخش اعظم لشکرهای اسلام در سرزمین شام و مصر اسیر شدند سپس آن‌ها بحمدالله بارها در زمان ما کفار را اسیر کردند؛ قول پیامبر ﷺ که فرمود: یک سوم شکست می‌خورند و خدا توبه آنان را نمی‌پذیرد یعنی خدا توبه را به دل آنان نمی‌اندازد (توفیق توبه به آنان

۱. حدیث متابع و شاهد بیشتر از آن جهت که مؤید مضمون حدیث دیگری است، مورد توجه قرار می‌گیرد، لذا صحت حدیث زیاد ملحوظ نیست و اگر مضمون حدیث مفرد به سلسله سند دیگری نقل شود، آن را «شاهد» نامند.

نمی‌دهد). (نووی، ۱۴۰۷: ج ۱۸، ۲۱)

قول پیامبر ﷺ که فرمود: «قسطنطیه را فتح می‌کنند»، آن شهر مشهوری از بزرگ‌ترین شهرهای روم است.
شیخ دکتر خالد الحایک^۱ می‌گوید:

علی القاری در مرقاه المفاتیح می‌نویسد: ابن‌الملک می‌گوید: مراد از مدینه، حلب است و اعماق و دابق دو موضع نزدیک به آن هستند. و گفته شده مراد از آن، دمشق است. در الازهار گفته: اما آن چه گفته شده که منظور از آن، مدینه‌النبی باشد ضعیف است زیرا مراد از لشکری که به سوی روم حرکت می‌کند (به دلیل آخر حدیث) لشکر مهدی است و مدینه منوره در آن زمان خراب شده است.

توربشتی می‌گوید:

ظاهراً این قول که رومیان می‌گویند «کسانی را که از ما اسیر شده‌اند به ما بدهید»، بعد از کشتار بزرگی است که بین دو گروه بعد از پیمان صلح و عمل به آن در جنگ مشترک با دشمنی که متوجه مسلمانان شده است؛ می‌باشد و این قبل از فتح قسطنطنیه می‌باشد. بعد از آن رومیان وارد سرزمین عرب شده تا این که به اعماق یا دابق می‌رسد و از مسلمانان می‌خواهند که کسانی را که از نسل آنان اسیر شده‌اند به آنان بدهند اما جواب مسلمانان این است که نه به خدا قسم آن‌ها را واگذار نمی‌کنیم؛ پس مسلمانان با کفار می‌جنگند. «یک سوم از آن‌ها شکست می‌خورند» کنایه از مرگشان همراه با کفر و عذاب ابدی آن‌هاست. قسطنطنیه، شهری مشهور از بزرگ‌ترین شهرهای روم است. ترمذی گفته: قسطنطنیه در زمان برخی از یاران پیامبر ﷺ فتح شده و هنگام خروج دجال نیز فتح خواهد شد.

حدیث درباره آمدن روم به دابق یا اعماق، غریب و از منفردات سهیل بن ابی صالح از پدرش از ابوهریره است. اصل این است که زمانی که لفظ «مدینه» در حدیث به صورت مطلق آورده شود مراد از آن مدینه نبوی است. نظر علی القاری این بود که منظور از مدینه، حلب بوده و در آن زمان مدینه‌النبی خراب شده است؛ اما این صحیح نیست زیرا حدیثی که درباره خراب شدن مدینه وارد شده است، صحیح نیست و از منکرات عبدالرحمن بن ثابت بن ثویان است. (<http://www.addyaiya.com>)

۱. متولد اردن در سال ۱۳۸۹ق از نسل جعفر برادر امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. از مدافعین منهج سلف بوده و با اینکه مسلم و بخاری را بسیار تعظیم می‌کند ولی در مباحث علمی آنچه را که حق تشخیص می‌دهد می‌پذیرد. وی صاحب مقالات و آثاری متعدد در زمینه حدیث و... می‌باشد. <http://www.addyaiya.com>

روایات مرتبط (هم‌خانواده) با دابق

هدف از آوردن روایات هم‌خانواده، فهم بهتر، دقیق‌تر و کامل‌تر روایت اصلی است. در مواردی که فهم یک روایت به خاطر دور بودن از ذهن یا واقعیت، مشکل باشد یکی از راه‌های درک درست منظور آن روایت، قرار دادن آن روایت در کنار روایات هم‌خانواده آن است. ذیل این عنوان، برخی از روایاتی را که درباره اشراف الساعه و آخرالزمان در منابع اهل سنت آمده ذکر می‌کنیم:

روایت اول

وعن أبي هريرة أيضا رضى الله عنه؛ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: يجيش الروم على وال من عترقي، اسمه يواطئ اسمي، فيلقتون بمكان يقال له: الاعماق، فيقتلون، فيقتل من المسلمين الثلث أو نحو ذلك، ثم يقتلون يوماً آخر، فيقتل من المسلمين نحو ذلك، ثم يقتلون اليوم الثالث، فيكون على الروم، فلا يزالون حتى يفتحو القسطنطينية، فبينما هم يقتسمون فيها بالأترسة؛ إذ أتاهم صارخ أن الدجال قد خلفكم في ذرايركم؛ (تويرجى، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۹۷)

ابوهریره گفت: رسول خدا فرمود: روم بر فرمانداری از خاندان من لشکرکشی می‌کند؛ اسم او همانند اسم من است؛ در مکانی که به آن اعماق می‌گویند با هم برخورد می‌کنند و می‌جنگند؛ یک سوم یا مانند آن از مسلمان‌ها کشته می‌شوند. روزی دیگر با هم می‌جنگند و همان تعداد از مسلمانان کشته می‌شوند، روز سوم با هم می‌جنگند پس بر روم پیروز می‌شوند تا این که قسطنطنیه را فتح می‌کنند. زمانی که در اترسه غنائم را تقسیم می‌کنند نداده‌ای اعلام می‌کند (فریاد می‌زند) دجال جانشین شما در خاندان تان شده است.

روایت دوم

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ، عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، عَنْ نَافِعِ بْنِ عُثْبَةَ، قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي غَزْوَةٍ، قَالَ: فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمُعَرَّبِ، عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ، فَوَافَقُوهُ عِنْدَ أَكْمَةِ، فَأَتَاهُمْ لِقِيَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَاعِدٌ، قَالَ: فَقَالَتْ لِي نَفْسِي: ائْتِهِمْ فَكُنْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ لَا يَغْتَالُونَ، قَالَ: ثُمَّ قُلْتُ: لَعَلَّهُ نَجَى مَعَهُمْ، فَأَتَيْتُهُمْ فَكُنْتُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ، قَالَ: فَحَفِظْتُ مِنْهُ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ، أَعُدُّهُنَّ فِي يَدِي، قَالَ: «تَغْزُونَ جَزِيرَةَ الْعَرَبِ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ، ثُمَّ فَارِسَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ، ثُمَّ تَغْزُونَ الرُّومَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ، ثُمَّ تَغْزُونَ الدَّجَالَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ» قَالَ: فَقَالَ نَافِعٌ: يَا جَابِرُ، لَا تَرَى الدَّجَالَ يُخْرُجُ، حَتَّى تَفْتَحَ الرُّومَ؛ (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۱: ۱۱۱)

(۱۱۱)

جابر بن سمره از نافع بن عتبه نقل کرده: در جنگی همراه رسول گرامی اسلام ﷺ بودیم؛ قومی از سمت مغرب که لباسی از صوف برتن داشتند بر نبی مکرم ﷺ وارد شدند. با آن‌ها کنار تپه‌ای موافقت کردند؛ آن‌ها ایستاده و پیامبر خدا ﷺ نشستند؛ نافع گفت: به خود گفتم برو بین آن‌ها و پیامبر بایست تا پیامبر را ترور نکنند. سپس گفتم شاید با آن‌ها نجات بخشی باشد. آدمم و بین آن‌ها و پیامبر ایستادم و از او چهار جمله حفظ کردم که آن‌ها را می‌شمارم فرمود: با جزیره العرب می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند، سپس با فارس می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند، سپس با روم می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند، بعد از آن با دجال می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند. نافع گفت: ای جابر! دجال خروج نمی‌کند تا روم فتح شود.

روایت سوم

قَالَ صَفْوَانُ: وَحَدَّثَنِي شُرَيْحُ بْنُ عَبْدِ، وَسَلِيمُ بْنُ عَامِرِ الْحَبَائِرِيِّ، أَنَّ كَعْبًا، كَانَ يَقُولُ: "إِذَا كَانَتِ الْمَلْحَمَةُ الْعُظْمَى مَلْحَمَةَ الرُّومِ هَرَبْتَ مِنْكُمْ ثَلَاثَةً فَلَحِقْتُ بِالْعَدُوِّ وَخَرَجْتُ ثَلَاثَةً أُخْرَى فَأَسْلَمْتُكُمْ، خَسَفَ اللَّهُ بِبَعْضِهِمْ، وَبَعَثَ عَلِيٌّ مِنْ بَقِيٍّ مِنْهُمْ طَيْرًا يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ، ثُمَّ تَبَقَى الثَّلَاثَةُ الْبَاقِيَّةُ، فَيَا عِبَادَ اللَّهِ، مَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَغَلَبَتْهُ نَفْسُهُ عَلَى الْجَبْرِ فَلْيَدْخُلْ تَحْتَ إِكْفَاهِ أَوْ يَمْسِكْ بِعَمُودِ فُسْطَاطِهِ، وَلْيَصْبِرْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَاصِرُ الثَّلَاثَةِ الْبَاقِيَّةِ، وَذَلِكَ حِينَ يَسْتَضِعُّكُمْ الرُّومُ، وَيَطْمَعُونَ فِيكُمْ، يَقُولُ صَاحِبُ الرُّومِ: إِذَا أَصْبَحْتُمْ فَارْكَبُوا ذَاتَ حَافِرٍ مِنَ الدَّوَابِّ، ثُمَّ أَوْطُواهُمْ وَطَنَةً وَاحِدَةً، لَا يَذْكُرُ هَذَا الدِّينَ فِي الْأَرْضِ أَبَدًا، يَعْنِي الْإِسْلَامَ؛ (ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۲، ۴۶۷)

کعب می‌گفت: وقتی کشتار عظیم، جنگ با روم باشد یک سوم از شما فرار کرده و به دشمن ملحق می‌شوند؛ یک سوم دیگر خروج می‌کنند و شما را تسلیم می‌کنند. خدا برخی از آنان را در زمین فرو می‌برد و بر بقیه آن‌ها پرنده‌ای را می‌فرستد تا چشمانشان را کور کند. یک سوم باقی می‌مانند. ای بندگان خدا کسی از شما که آن را درک کند و نفسش او را بر جبر پیروز کند، داخل در پناهگاهش شود یا به ستون خیمه‌اش متمسک شود و باید صبر کند. همانا خدا یک سوم باقیمانده را نصرت می‌بخشد. و این هنگامی است که روم شما را به ضعف کشانده و در شما طمع کرده است؛ حاکم روم می‌گوید: وقتی صبح شد سوار بر مرکب‌های سم‌دار شوید و همه آن‌ها را یک دفعه لگدمال کنید (از بین ببرید) تا نامی از این دین یعنی اسلام برده نشود.

روایت چهارم

حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ شُرَيْحِ بْنِ عَبْدِ، عَنْ كَعْبٍ، قَالَ: «تَكُونُ وَقْعَةٌ بِيَأْفَا، يَقَاتِلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَالْحَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ وَالسَّبْتِ وَالْأَحَدِ، ثُمَّ يَفْتَحُ اللَّهُ

لِلْمُسْلِمِينَ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ. قَالَ صَفْوَانُ: فَسَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ خَالِدَ بْنَ كَيْسَانَ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: "إِذَا هَزَمَ اللَّهُ الرُّومَ مِنْ يَافَا سَارُوا حَتَّى يَجْتَمِعُوا بِالْأَعْمَاقِ، فَتَكُونُ الْمَلْحَمَةُ مَلْحَمَةُ الْأَعْمَاقِ"؛ (همو: ج ۲، ۴۶۸)

صفوان از شریح بن عبید از کعب نقل کرده که گفت: واقعه‌ای در یافا به وقوع خواهد پیوست که در آن مسلمانان با آن‌ها روز چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه و شنبه و یک‌شنبه می‌جنگند؛ سپس خداوند روز دوشنبه برای مسلمین پیروزی می‌آورد. صفوان گفت: درباره آن از خالد بن کيسان پرسیدم؛ وی گفت: پدرم برای من حدیث نقل کرد که: هنگامی که خداوند روم را از یافا شکست دهد، حرکت می‌کنند تا این که به اعماق برسند؛ پس جنگ، جنگ اعماق خواهد بود.

روایت پنجم

حَدَّثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةِ، عَنِ ابْنِ عِيَّاشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ كَعْبٍ، قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الرُّومِ ثَلَاثَ ذَبَائِحَ، أَوَّلُهُنَّ الْيَرْمُوكُ، وَالثَّانِيَةُ فِينَقَسُ، يَعْنِي التَّمْرَةَ، وَهِيَ حِمصُ، وَالثَّلَاثَةُ الْأَعْمَاقُ؛ (همو: ج ۲، ۴۹۴)

کعب گفت: همانا برای خدا درباره روم سه کشتارست، اولین آن‌ها یرموک، دومین فینقس یعنی تمره که همان حمص است و سومین اعماق است.

روایات بالا درباره حوادث آخرالزمان و دربردارنده پیشگویی درباره روم و دابق و نقش آن در تحولات آخرالزمانی است.

همه این روایات مردود است و کعب الاحبار، اسرائیلیات و احادیث مردودی را نقل می‌کند که فقط در فتن و ملاحم آورده است. از آن جایی که این اخبار مستند نیستند در این باب به آن‌ها استناد نمی‌شود.

روایت ششم

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى بَنِي أُمِيَّةَ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ هِشَامِ الْمُعِطِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ الْوَلِيدِ الْمُعِطِيِّ: سَمِعَ ابْنَ عَبَّاسٍ، يَحَدِّثُ مَعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: «بَلِي رَجُلٌ مِمَّنَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، تَكُونُ الْمَلْحَمَةُ لِسَبْعِ سِنِينَ بَقِيْنَ مِنْ خِلَافَتِهِ، فَيَمُوتُ بِالْأَعْمَاقِ عَنَّا، ثُمَّ يَلِيهَا رَجُلٌ مِنْهُمْ دُوشَامَتَيْنِ، فَعَلَى يَدَيْهِ يَكُونُ الْفَتْحُ يَوْمَئِذٍ، يَعْنِي: فَتْحَ الرُّومِ بِالْأَعْمَاقِ»؛ (همو: ج ۲، ۴۴۳)

ابان بن ولید معیطی می‌گوید از ابن عباس در حالی که برای معاویه حدیث نقل می‌کرده شنیده که می‌گفت: مردی از ما در آخرالزمان چهل سال می‌آید و در حالیکه هفت سال از حکومت او باقیمانده است، کشتار بزرگی اتفاق خواهد افتاد و در اعماق خواهد مرد. بعد از

او مردی که صاحب دو شامه هست می‌آید و در آن روز پیروزی خواهد بود یعنی شکست روم در دابق.

روایت هفتم

حَدَّثَنَا رِشْدِيُّ، عَنِ ابْنِ هَيْعَةَ، عَنْ أَبِي قَبِيلٍ، وَيَسِيرِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: «الْإِسْكَندَرِيَّةُ وَمَلَاجِمُ الْأَعْمَاقِ عَلَى يَدِ طَبَارِسَ بْنِ أَشْطَبِيَانَ بْنِ الْأَخْرَمِ بْنِ قُسْطَنْطِينَ بْنِ هِرْقَلٍ». قَالَ: وَسَمِعْتُ أَنَّهُ «بِرُومِيَّةٍ»؛ (همو: ج ۲، ۴۷۲)

ابی قبیل و یسیر بن عمرو گفتند: اسکندریه و کشتار اعماق به دست طبارس فرزند اسطیبان فرزند اخرم فرزند قسطنطین فرزند هرقل است. گفت: و شنیدم که آن در رومیه است.

روایت هشتم

حَدَّثَنَا أَبُو وَهَبٍ، وَرِشْدِيُّ، جَمِيعًا عَنِ ابْنِ هَيْعَةَ، عَنْ أَبِي قَبِيلٍ، عَنْ حَبِيبِ بْنِ شَرَّاحِيلٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، يَقُولُ: "إِنَّ أَهْلَ الْأَنْدَلُسِ يَأْتُونَ فِي الْبَحْرِ، وَإِنَّ طُولَ سُفْنِهِمْ فِي الْبَحْرِ مِائَتُونَ مِيلًا، وَعَرْضُهَا ثَلَاثَةٌ عَشْرَ مِيلًا، حَتَّى يَنْزِلُوا فِي الْأَعْمَاقِ وَقَالَ ابْنُ وَهَبٍ: الْبَرِّ وَالْبَحْرِ"؛ (همو: ج ۲، ۴۷۲)

حبیب بن شراحیل گفت: از عمرو عاص شنیدم که می‌گفت: همانا اهل اندلس در دریا می‌آیند و طول کشتی‌های آنان پنجاه میل و عرض آن‌ها سیزده میل است؛ تا این که در اعماق پیاده شوند. ابن وهب گفت: خشکی و دریا.

روایت نهم

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنِ ابْنِ هَيْعَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: «الْمَلَاجِمُ حَمْسٌ، مَصَى مِنْهَا ثِنْتَانِ، وَبَقِيَ ثَلَاثٌ، فَأَوْلَهُنَّ مَلْحَمَةُ الشَّرِكِ بِالْجَزِيرَةِ، وَمَلْحَمَةُ الْأَعْمَاقِ، وَمَلْحَمَةُ الدَّجَالِ، لَيْسَ بَعْدَهَا مَلْحَمَةٌ»؛ (همو: ج ۲، ۴۷۶)

عبدالله بن عمرو گفت: جنگ‌های شدید پنج تاست؛ دو تا از آن‌ها گذشته و سه تا باقی مانده، اولین آن‌ها کشتار ترک در جزیره و کشتار اعماق و کشتار دجال است؛ بعد از آن کشتاری نیست.

روایت دهم

حَدَّثَنَا رِشْدِيُّ، عَنِ ابْنِ هَيْعَةَ، عَنْ عِيَّاشِ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ قَوْذَرٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ تَبِيْعٍ، قَالَ: «الَّذِي يَهْرُمُ الرُّومُ يَوْمَ الْأَعْمَاقِ هُوَ خَلِيفَةُ الْمُوَالِي»؛ (همو: ج ۲، ۴۸۶)

تبیع گفت: کسی که روم را در روز اعماق شکست می‌دهد جانشین موالی است.

همه این‌ها مردود است و فقط ابن لهیعه آن‌ها را نقل کرده و به آن‌ها استدلال نمی‌شود. هرچند وسعت روایت و تبحر ابن لهیعه مورد تحسین برخی از اهل حدیث اهل سنت قرار گرفته ولی ضبط و اتقان او در نقل حدیث مورد تردید رجالیان واقع شده است و ظاهراً سبب آن بوده است که منزل وی در سال ۱۷۰ق دچار حریق شد و بنا بر نقل برخی از مؤلفان، کتب وی نیز در آتش سوخت و از این رو پشتوانه لازم در ضبط حدیث را از دست داد. (ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۱۳-۲۶) خلاصه این که روایاتی که درباره دابق یا اعماق آمده است، صحیح نیست.

نقد ادعای داعش در تطبیق روایت دابق

در این که منظور از دابق در روایات همین منطقه معروف و شناخته شده در شمال حلب هست، شکی وجود ندارد ولی در باب تطبیق زمان موعود در روایت با زمان ما تردیدهای جدی وجود دارد.

طبق این روایت، پیامبر خدا ﷺ فرمود: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ، أَوْ بِدَائِقِ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ جَيْشٌ مِنَ الْمَدِينَةِ... حرف فاء در فَيَخْرُجُ دلالت بر ترتیب می‌کند. توضیح این که: حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: بعد از این که روم به اعماق یا دابق حمله کرد، لشکری از مدینه علیه آنان حرکت می‌کند. با توجه به این نکته، این سوال به ذهن خطور می‌کند که آیا داعش مدعی است که روم به دابق حمله کرده یا این که قرار است حمله کند؟ اگر جواب‌شان این باشد که روم به دابق حمله کرده؛ پر واضح است که چنین ادعایی باطل است زیرا اولاً: می‌دانیم که در زمان ما روم به دابق حمله نکرده و ثانیاً: این جواب با فراز بعدی روایت که می‌گوید رومیان از مسلمانان می‌خواهند که مبارزینی را که از رومیان اسیر گرفته‌اند به آنان تحویل دهند؛ مخالف است. زیرا می‌دانیم که رومیان در دست داعشیان اسیر نیستند. و اگر جواب‌شان این باشد که قرار است روم حمله کند (چنان که شواهد نشان می‌دهد مدعای آنان همین است) باز هم نمی‌توانند به این روایت استناد کنند. زیرا کلمه یخرج در روایت همراه با فاء تفریع است که دلالت بر تاخیر دارد و با این حساب قبل از حمله روم نیروهای داعش باید در مدینه باشند در حالی که داعشیان بر خلاف روایت، قبل از حمله روم، به دابق آمده‌اند.

نکته دیگر این که الف و لام در المدینه، الف و لام عهد ذهنی است و ظهور در مدینه الرسول دارد و تا زمانی که قرینه‌ای بر خلاف آن نباشد، باید بر آن حمل شود. در حالی که داعشیان نه تنها از مدینه بلکه از ملل مختلف در دابق جمع شده‌اند.

بر فرض بپذیریم که روم به دابق حمله کرده و داعش به مبارزه با آنان برخاسته است طبق این حدیث، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بعد از آن که روم به دابق حمله می‌کند یک سوم از مسلمانان شکست می‌خورند و یک سوم کشته می‌شوند و یک سوم پیروز می‌شوند؛ این سوال به ذهن خطور می‌کند که چه زمانی روم به دابق حمله کرده یا می‌کند؟ و ثانیاً داعش در حال تجربه کدام یک از یک سوم‌های فوق است؟ (شکست خوردن، کشته شدن یا پیروز شدن) طبیعتاً اثبات هر کدام از این‌ها نیاز به دلیل‌های متقن و محکم دارد و صرفاً با احتمال و ادعا نمی‌توان چیزی را اثبات کرد.

از نظر منبع و رجال نیز مشخص شد که همه راویان این روایت مورد تأیید همه رجالیون اهل سنت نبوده و برخی از آنان از طرف علمای سنی، مورد نقد جدی قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

تطبیق روایتی بر یک واقعه یا حادثه، نیازمند دلیل متقن و قرینه روشنی است تا بتوان به‌طور حتم به صحت تطبیق حکم کرد. در جایی که بتوان معانی مختلفی را بر روایتی بار کرد، تقدیم هر کدام از آن معانی، نیازمند دلیل محکم و مویدات روشنی است که احتمالات دیگر را تضعیف کند و یا از بین ببرد. در روایت دابق نیز همین قانون حاکم است.

از آن جایی که حملات روم و اسلام بارها علیه هم اتفاق افتاده و نتیجه آن شکست و پیروزی برای هر دو طرف بوده، نمی‌توان ادعا کرد که زمان ما همان زمان موعودی است که پیامبر اسلام ﷺ وعده آن را داده است. داعش با چه قرینه روشن و موید محکمی می‌تواند چنین ادعایی را داشته باشد؟

با مطالعه شرح نووی بر صحیح مسلم که مشهورترین شرح در بین اهل سنت است، این نکته به دست می‌آید که نووی فقط به شرح روایت پرداخته و از تطبیق روایت بر زمان یا افراد خاص پرهیز کرده است. ولی امروزه داعشیان بر خلاف علمای اهل سنت، با تطبیق روایت دابق در زمان حال و خودشان، عملاً زمینه انحراف خود و دیگران را فراهم کرده‌اند.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، (۱۴۱۵) *إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة*،، مدینه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن عدی، ابو احمد عبد الله بن عدی، (۱۴۰۹) *الکامل فی ضعف الرجال*، بیروت، دار المعرفة.
- تونه‌ای، مجتبی، (۱۳۸۴) *موعودنامه*، قم، میراث ماندگار.
- تویجری، حمود بن عبد الله بن حمود بن عبد الرحمن (۱۴۱۴)، *إتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن والملاحم وأشراف الساعة*، ریاض، دار الصمیعی للنشر والتوزیع.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، *مهدیان دروغین*، تهران، علم.
- حاتمی محمد رضا، (۱۳۹۴) شکل گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن، فصلنامه *مطالعات روابط بین الملل*، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۴.
- حموی یاقوت (۱۹۹۵)، *شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
- دانی، عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر (۱۴۱۶)، *السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشرافها*، ریاض، دار العاصمه.
- ذهبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (۱۴۰۵)، *سیر أعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- ذهبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر.
- سلیمیان، خدامراد، (۱۳۷۸)، *فرهنگنامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۵)، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طبری ابی جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۸)، *تاریخ الطبری*،، بیروت، دار الفکر.
- طرابلسی حلبی، برهان الدین أبو الوفا ابراهیم بن محمد بن خلیل، (۱۹۸۸م) *الاغتباط بمن رمی من الرواة بالاختلاط*،، قاهره، دارالحديث.
- طقوش، محمد سهیل، (۱۳۸۴)، *دولت امویان*، مترجم: حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- عبدالرؤوف، زين الدين محمد (۱۹۹۹م)، *اليواقيت والدرر في شرح نخبة الفكر*، الرياض، مكتبة الرشد.
- عسقلاني، أحمد بن علي بن حجر (۱۳۷۹)، *فتح الباري شرح صحيح البخاري*، بيروت، دار المعرفة.
- عميد، حسن (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسي عميد*، تهران، اميركبير.
- محمدي، محمد حسين (۱۳۸۹)، *آخر الزمان در اديان ابراهيمي*، تهران، بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود.
- محمود، محمد خليل (۱۴۱۷)، *موسوعة اقوال الامام احمد بن حنبل في رجال الحديث وعلله*، بي جا، دارالنشر: عالم الكتب.
- نووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (۱۳۹۲)، *المنهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج*، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- _____ (۱۴۰۷)، *شرح صحيح مسلم*، دارالكتاب العربي، بيروت.
- نيشابوري، حاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه، (۱۴۱۱)، *المستدرک على الصحيحين*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- نيشابوري، مسلم بن حجاج (۱۴۲۱)، *صحيح مسلم*، بيروت، دار الكتب العلمية.

- _ <http://www.baharnews.ir>
- _ <http://www.tabnak.ir>
- _ <http://www.valiasr-aj.com>
- _ <https://fa.wikipedia.org>
- _ <http://www.daesh.ir>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

نجات بخش زرتشتی:

بررسی مفهوم سوشیانت در کتاب مقدس گاهان

موبد پدram سروش پور^۱

چکیده

این مقاله در صدد معرفی نجات بخش زرتشتی و بررسی مفهوم سوشیانت در کتاب مقدس گاهان است. گاهان، سرودهای اشوزرتشت را باید قدیمی‌ترین نوشته‌ای دانست که در آن از منجی آینده جهان یا سوشیانت نام برده است. بر اساس تعالیم اشوزرتشت در گاهان، مهم‌ترین ویژگی سوشیانت‌ها آن است که ایشان با ارتقای معنوی خود و رسیدن به کمال روحانی و هفت امشاسپندان به مرتبه‌ای دست می‌یابند که می‌توانند عالی‌ترین آرمان‌های دینی را که عدالت، راستی، اندیشه نیک و به طور کلی تمامی صفات اهورامزدا خداوند یکتاست، بر روی زمین محقق سازند و تمامی شرور را از هستی ریشه کن کنند.

واژگان کلیدی

نجات بخش زرتشتی، سوشیانت، کتاب مقدس گاهان.

۱. عضو انجمن موبدان تهران.

مقدمه

مانند همهٔ ادیان الهی، اندیشه دست یافتن به پیروزی کامل راستی بر دروغ و رسیدن به جهانی پراز نیکی، آرمان نهایی دین زرتشت می‌باشد. منجی یا آن کسی که وعدهٔ آمدنش در آینده داده شده است تا این آرمان را محقق سازد، همان وظیفه‌ای را بر عهده خواهد داشت که پیامبران نیز برای آن برانگیخته شدند؛ به همین سبب می‌توان شرایط ظهور منجی را با شرایطی که پیامبران در آن قرار دارند، قیاس کرد.

در هات بیست و نهم گاهان به تفصیل با شرایطی که اشوزرتشت با آن روبرو بود و آموزه‌های دین خود را به مردم ارائه کرد، آشنا می‌شویم. در این فصل از گاهان بیان شده است که پس از آن که روان آفرینش از خشم و ستیز و غارت و تجاوزی که جهان هستی را فرا گرفته است، به درگاه اهورامزدا گله می‌کند، خداوند اشوزرتشت را به پیامبری برمی‌گزیند تا نیکی‌ها را در جهان گسترش دهد و مانع گسترش ظلم و خشم و تجاوز گردد. در ادامه همین هات (= فصل)، اشوزرتشت نه به عنوان یک سردار نیرومند بلکه با نام یک آموزگار، به کمک وهومن (اندیشه نیک) و اشه (راستی و عدالت) پیامبری خود را آغاز می‌کند. آموزش و آگاه کردن انسان‌ها برای دستیابی به جهانی نیک، راه و روش اشوزرتشت است. بر این اساس پیامبر آغازگر راهی بود بس طولانی و به درازنای تاریخ و بر این اساس است که آرمان و آرزوی سوشیانت‌هایی که بتوانند همانند پیامبر، با درک پیام مزدا راه او را ادامه دهند، همواره در گاهان حضور دارد.

از آن جایی که هر انسان دینداری نیز چنین آرمانی را در اندیشه می‌پروراند، روشن است که سوشیانت در فرهنگ چند هزار ساله زرتشتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. در این نوشتار تلاش می‌شود ویژگی‌های سوشیانت یا منجی در آموزه‌های زرتشتی بر اساس آموزه‌های گاهانی و سرودهای خود حضرت زرتشت، تبیین و روشن شود.

سوشیانت در گاهان

واژهٔ سوشیانت (اوستایی: saošyant، فارسی میانه: sōšāns) در لغت به معنای «سودرساننده» یا «نجات‌بخش» صفت فاعلی از ریشهٔ فعلی sav است که در زبان‌های ایرانی باستان هم به معنای «سود بخشیدن» و هم «نجات دادن» به کار رفته است. این واژه در گاهان شش بار دیده می‌شود که سه بار به صورت مفرد و سه بار به صورت جمع به کار رفته است. از گاهان این چنین برداشت می‌شود که در مواردی که این واژه به صورت مفرد به کار رفته

است، خود اشوزرتشت را در نظر داشته است، چرا که براساس تعالیم زرتشتی، آن پیامبر آغازگر راه سوشیانت‌ها و به درستی نخستین سوشیانت بوده است. ولی در مواردی که سوشیانت به صورت جمع به کار رفته است به سوشیانت‌هایی اشاره شده است که در آینده خواهند آمد و جهان را مانند اشوزرتشت با آموزش‌هایشان به سوی نیکی راه خواهند برد.

برای این واژه مهم، که در آخرت‌شناسی زرتشتی نقشی بنیادین و اساسی دارد، سابقه‌ای در متون ودایی و پیش‌زرتشتی نمی‌توان یافت، و به نظر می‌رسد که هم واژه و هم مفهوم آن، برای نخستین بار در سرودهای خود اشوزرتشت، گاهان، ظاهر شده است. در گاهان، نخستین بار در قطعه ۳۴ بند ۱۳، از سوشیانت نام برده شده است.

ای خداوند هستی بخش راهی را که به من نشان دادی راه نیک منشی است راهیست که بر مبنای آموزش سوشیانت‌ها (سودرسانندگان و نجات‌دهندگان بشر) قرار گرفته است. آموزشی که توصیه می‌کند هر کار نیکی که به منظور انجام کار و در پرتو راستی انجام شود شادمانی به بار خواهد آورد. آموزش که انسان را به خرد و دانش واقعی رهبری می‌کند پاداش آن رسیدن به تو است ای خداوند خرد.^۱

با بررسی بندهای آغازین فصل سی و چهارم گاهان، پرتو روشنی بر شناخت مفهوم سوشیانت تابیده می‌شود. به همین دلیل نخست این قطعات بررسی و تحلیل و سپس مفهوم گاهانی سوشیانت شرح داده می‌شود.

نخستین بندهات ۳۴، مانند بیشتر بندهای گاهان، با ستایش اهورامزدا آغاز می‌شود. در دومین بند از این هات، از اشته یا اردیبهشت و مردی سخن به میان آمده که روانش با اشته و راستی یکی شده است.

مرد نیک‌اندیش و پارسایی که روانش با راستی همگام است تنها به تو می‌اندیشد و کردار نیک خود را به تو نیاز می‌کند. (هات ۳۴ بند ۲)

در هات ۳۴ بند ۳، از وهومن و مرد دانا و نقش او برای جهانیان سخن آمده است. بشود که همه جهانیان در پرتو منش پاک و درکشور (جاودانی تو) به رسایی رسند. ای خداوند خرد! به راستی مرد دانا و روشن بین هماره از نیروی مینوی برخوردار می‌باشد. (هات ۳۴ بند ۳)

در پنجمین بند از این هات، از شهریور (اوستایی: xšaθra vairya) یا توانایی اهورایی آرزو

۱. ترجمه قطعات گاهان از ترجمه موبد آذرگشسب (نک کتاب‌نامه) اقتباس شده است.

شده سخن به میان آمده که در پرتو راستی و منش پاک نماد دستگیری وارستگان و بیچارگان می باشد.

پروردگار چه شگرف است نیروی تو چقدر آرزو دارم ای خداوند خرد که با کردار نیک و خدمت به بشر و در پرتو راستی و منش پاک و دستگیری از وارستگان و بیچارگان به تو بپیوندم. (هات ۳۴ بند ۵)

در نهمین و دهمین بند از این هات، از سپندارمذ یا سپنته آرمئیتی (اوستایی: *spənta ārmaiti*) نام برده شده است. در بند نهم کسانی که سپنته آرمئیتی را کوچک می شمردند، دروغکار به شمار آمده اند؛ و در بند دهم به سپنته آرمئیتی یا همان عشق و ایمان به اهورامزدا پس از بالیدن اشا، وهومن و شهریور در وجود انسان ها اشاره شده و این که آرمان نهایی، طی همین مسیر توسط ناآگاهان و زشت کرداران و درک حقیقت از سوی ایشان است.

ای مزدا کسانی که با زشت کرداری و بی خبری از منش پاک، فرورگان سپنتا آرمئیتی را که نزد بخردان گرامی است خوار شمردند از آنان، راستی دور خواهد ماند چنان که تبه کاران با تمایلات پلید شیطانی خویش از ما دوری جویند. (هات ۳۴ بند ۹)

مرد خردمند با آگاهی از این که عشق و ایمان به خدا سرچشمه واقعی راستی است گمراهان و زشتکاران را به پرورش منش پاک و انجام کار نیک و مهرورزی به دیگران اندرز خواهد داد و سرانجام ای خداوند جان و خرد همه زشت کرداران با آگاهی از حقیقت به سوی تو خواهند آمد. (هات ۳۴ بند ۱۰)

در یازدهمین بند از این هات، از دو امشاسپند دیگر یعنی خرداد یا رسایی (اوستایی: *haurvatāt*) و امرداد یا جاودانگی (اوستایی: *amərətāt*) سخن رفته که در پرتو چهار امشاسپند اشا، وهومن، شهریور و سپندارمذ انسان را به فروغ مینوی و روشنی درون رهنمون می گردند.

پروردگارا! دو بخشش رسایی و جاودانگی مردم را به فروغ مینوی و روشن درونی خواهد رسانید. در پرتو نیروی اراده و منش پاک و راستی و پاکی عشق و ایمان به خدا، زندگانی و نیروی مینوی افزایش خواهد یافت. ای خداوند خرد! در پرتو این فرورگان بر دشمنان پیروزی توان یافت. (هات ۳۴ بند ۱۱)

دوازدهمین بند از این موضوع سخن می گوید که چگونه به جهانی که همواره در حال پیشرفت در راه اراده اهورامزدا است، می توان دست یافت.

پروردگارا! کدام است آیین پیشرفت و چیست اراده تو؟ چه نیایش و پرستشی سزاوار تو است؟ ای خداوند خرد! آن را آشکار به ما بنمای تا با پیروی از دستورات تو از پاداشی که

نویید داده شده است بهره‌مند گردیم. پروردگارا! در پرتو راستی، راه پاک منشی و خودشناسی را به ما بیاموز. (هات ۳۴ بند ۱۲)

در بند سیزدهم، از سوشیانت‌ها به عنوان سودرسانان و نجات‌دهندگان نام برده شده است که با آموزش‌های خود راه نیک منشی در پرتو راستی و مراحل عرفان زرتشتی را جهت رسیدن به شادمانی و آرامش اهورایی که همانا بزرگ‌ترین پاداش اهورامزدا است، طی می‌کنند.

ای خداوند هستی‌بخش راهی را که به من نشان دادی راه نیک منشی است راهیست که برمبنای آموزش سوشیانت‌ها (سودرسانان و نجات‌دهندگان بشر) قرار گرفته است. آموزشی که توصیه می‌کند هر کار نیکی که به منظور انجام کار و در پرتو راستی انجام شود شادمانی به بار خواهد آورد. آموزش که انسان را به خرد و دانش واقعی رهبری می‌کند پاداش آن رسیدن به تو است ای خداوند خرد. (هات ۳۴ بند ۱۳)

به این ترتیب براساس گاهان، سوشیانت‌ها انسان‌هایی هستند که با رسیدن به امشاسپندان و ارتقای معنوی خویش به جایگاهی می‌رسند که تمام وجودشان سود و پیشرفت جهان در راستای اشته و درک حقیقت جهان می‌شود و در نهایت چنین انسان‌هایی هستند که تنها با تکیه بر آموزش و آگاه کردن انسان‌ها، امید نجات را در کالبد تمامی هستی می‌دمند و وعده رستگاری از صفات غیراهورایی را تحقق می‌بخشند. در بند هفتم از هات ۳۴، بر همین موضوع یعنی آموزش و آگاهی‌بخشی به عنوان مهم‌ترین وسیله برای نجات‌بخشی و هدایت انسان‌ها اشاره شده است.

ای مزدا کجایند ستایشگران باوفایی که در پرتو منش پاک و آگاهی از آموزش‌های پراچ آیین هنگام بدبختی و سختی از توروی برنتابند و با هوش و درایت، آن آموزش‌ها را به کار بندند و در گسترش پیک مقدس تو بکوشند. (هات ۳۴ بند ۶)

نیروهای غیراهورایی عبارت‌اند از دروغ (ضد اشویی و راستی)، خشم و دشمنی (ضد نیک‌اندیشی و وهومن)، ظلم و بی‌عدالتی (ضد شهریور)، کینه و بدخواهی (ضد سپندارمذ)، آزو طمع (ضد خرداد) و مرگ (ضد امرداد). سوشیانت پس از رسیدن به امشاسپندان با تکیه بر نور آگاهی خواهد توانست بر این نیروهای اهریمنی که مخرب و ویرانگر جهان‌اند، پیروز شود.

از آن جایی که رسیدن انسان به چنین مراتبی که در نهایت منجر به معرفت حق یا جایگاه سپنتا مینو می‌شود بسیار سخت و دشوار است، اکثر دانشمندان معتقدند که مراد اشوزرتشت از سوشیانت در بندهایی که این واژه به صورت مفرد به کار رفته است، خود پیامبر بوده است؛ کسی که به واسطه طی همین مراحل و شناخت اهورا مزدا از جانب او به پیامبری و راهنمایی

سایرانسان ها گمارده شد. و هنگامی که این واژه به صورت جمع بیان شده است، منجیان آینده جهان مدنظر بوده است، کسانی که با رشد و تعالی روحانی خود، هم چون اشوزرتشت، نجات دهندگان واقعی انسان ها خواهند بود.

در بندهای پایانی هات چهل و سوم، کوشش در جهت پیشرفت و آبادانی جهان آرمان شده است که این همانا خواست اهورامزدا می باشد.

ای خداوند خرد! کسانی که از پاداش گرانبها که نوید داده شده بهره مند خواهند گردید که کار را از روی خرد و منش پاک انجام دهند، برای پیشرفت و آبادی جهان کوشش نمایند، خواست خداوند هستی بخش را برآورده سازند و در پرتو راستی و پاکی در پیشرفت اراده الهی کوشا باشند. (هات ۳۴ بند ۱۴)

در بند پایانی این هات با ستایش اهورامزدا زندگی سرشار از راستی که همان زندگی نو یا نوشتن جهان هستی است را آرزو شده است. شاید به همین دلیل بزرگ ترین نتیجه جلوه سوشیانت ها در دین زرتشتی فرسکرد یا نو شدن جهان هستی بیان شده است.

ای خداوند خرد! مرا از بهترین گفتار و کردار آگاه کن تا در پرتو این آموزش با اندیشه ای روشن و قلبی پاک ستایشت را به جای آورم. ای هستی بخش با نیروی خویش چنان ساز که از یک زندگی نوین و سرشار از راستی بهره مند گردیم.

قطعه دیگری که از سوشیانت نام برده است بند ۱۱ از هات ۴۵ است، یعنی آخرین بند هات ۴۵، که می توان آن را سرآغاز هات مهم ۴۶ دانست.

کسانی که با بت پرستان و هواخواهان آن ها دشمنی ورزند و هم چنین کسانی که نام پروردگار را به نیکی یاد کرده و سوشیانت های دانا و یاور دین راستین را گرامی دارند، مزدا اهورا با آنان چون دوستی صمیمی و برادر و پدری مهربان خواهد بود و راهشان با کسانی که یکتا اهورا را خوار شمارند و از او به زشتی یاد کنند کاملاً جداست. (هات ۴۵ بند ۱۱)

آرمان اشوزرتشت همواره تکامل فردی در کنار تکامل جمعی بوده است، بر این اساس هدف سوشیانت ها محقق نخواهد شد مگر با یاری و همراهی آگاهان و دوستان راستین این آموزگاران راستی.

ای مزدا کی سپیده دم نیک بختی به در خواهد آمد و مردم جهان به سوی راستی و پاکی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهندگان بشر با دانش و خرد و آموزش های موثر خویش مردم را رهبری خواهند کرد؟ ای هستی بخش من تنها تو را به عنوان آموزگار و سرور خود برگزیده ام. (هات ۴۶ بند ۳)

هات ۴۶ گاهان از یک منظر خاص اهمیتی ویژه دارد. در این فصل از گاهان، اشوزرتشت که از ظلم و ستم جامعه و برخی آدمیان به ستوه آمده است، به درگاه اهورامزدا به دلیل کم بودن یاران و همراهانش گله می‌کند. نگاهی آرمان‌گرایانه و امیددهنده در این بند نمایانگر باور اشوزرتشت به تکامل تاریخی و شکل‌گیری جهانی نو در آینده می‌باشد، پرورش چنین باوری در طول تاریخ مهم‌ترین عامل برای پایداری دین‌داران و دین‌یاران واقعی بوده است.

چگونه بدانیم که تو ای مزدا بر همه، حتی بر آنان که قصد آزار مرا دارند شهریاری می‌کنی. ای اشا روش نیک‌اندیشی و بهروزی را بر من آشکار ساز. پروردگارا مرا از نحوه برخورداری از بخشایش خویش آگاه فرما، زیرا یک سوشیانت یا پیمبر باید از پاداشی که در انتظار اوست نیک آگاه گردد. (هات ۴۸ بند ۹)

در هات چهل و هشتم، هم‌چنین از پاداشی بارزش برای سوشیانت‌ها و تمامی کسانی که در زندگی خود نگاهی سوشیانت‌وار داشته‌اند و سعی می‌کنند در این مسیر گام بردارند، سخن به میان آمده است.

به راستی سوشیانت‌ها و ره‌اندگان گیتی از دانش و بینش برخوردار بوده، وظیفه خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد، آن‌ها کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته و رفتارشان با آموزش‌های تو ای مزدا هم‌آهنگی دارد. آنان به درستی از بین برندگان خشم و نفرت و پدیدآورندگان مهر و آشتی می‌باشند. (هات ۴۸ بند ۱۲)

بند دوم هات پنجاه و سوم گاهان را می‌توان یکی از کامل‌ترین و زیباترین بندهایی دانست که خصوصیات و آرمان‌های سوشیانت‌ها را بیان کرده است. در این قطعه مشخصاً اشوزرتشت خود را به‌عنوان یک سوشیانت معرفی کرده است.

ایدون همه با اندیشه و گفتار و کردار بکوشید تا مزدا را خشنود سازید و هر یک انجام کار نیک را برای نیایش او برگزینید. کی گشتاسب هواخواه زرتشت میدیوماه و فر شوستر راه راست و دینی را اختیار کردند که از سوی اهورا به سوشیانت (نجات‌دهنده بشر) الهام و آشکار گردیده بود؟ (هات ۵۳ بند ۲)

نتیجه‌گیری

گاهان، سرودهای اشوزرتشت را باید قدیمی‌ترین نوشته‌ای دانست که در آن از منجی آینده جهان یا سوشیانت نام برده است. براساس تعالیم اشوزرتشت در گاهان، مهم‌ترین ویژگی سوشیانت‌ها آن است که ایشان با ارتقای معنوی خود و رسیدن به کمال روحانی و هفت امشاسپندان به مرتبه‌ای دست می‌یابند که می‌توانند عالی‌ترین آرمان‌های دینی را که عدالت،

راستی، اندیشه نیک و به‌طور کلی تمامی صفات اهورامزدا خداوند یکتاست، بر روی زمین محقق سازند و تمامی شرور را از هستی ریشه کن کنند.

بستری که سوشیانت‌ها در آن ظهور می‌کنند، در سنت زرتشتی همانند اکثر ادیان، بستری است مملو از بدی‌ها و ناپاکی‌ها، مانند همان زمینه‌ای که خود اشوزرتشت نیز در آن برانگیخته شد. وظیفه سوشیانت‌ها این است که جهان را از این بدی‌ها پاک سازند، همان‌گونه که نخست و پیش از آن که انسان‌های گناهکار و ناراست آن را آلوده سازند، همان‌گونه پاک چنان‌که اهورامزدا در ازل آفرید. نکته‌ای که در آموزه‌های زرتشتی بر آن تأکید می‌شود آن است که سوشیانت که برای از بین بردن صفات انگره مینو همچون دروغ، آز، طمع، کینه، خشم و مرگ می‌آید خود نمی‌تواند و نباید به این صفات متصل باشد؛ به عبارت دیگر هیچ‌گاه نمی‌توان با تکیه بر دروغ، دروغ را از بین برد، با آز و طمع به مبارزه با این صفت ناشایست پرداخت، با کین‌خواهی برای از میان برداشتن کینه تلاش کرد و با تکیه بر خشم و جنگ و شمشیر صلح و دوستی را برقرار ساخت.

نکته دیگر درباره مفهوم سوشیانت در گاهان آن است در دین زرتشتی تأکید بر یک نجات‌بخش دیده نمی‌شود. در سنت پس از زرتشت، در اوستای متأخر و نوشته‌های فارسی میانه نیز سخن از چندین نجات‌بخش در میان است که با نام‌های اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانت در شرایط سخت و نابسامان روزگار ظهور خواهند کرد و عدالت و صلح و راستی را برقرار خواهند کرد. این آموزه از تعالیم خود اشوزرتشت نشأت گرفته است که از سوشیانت‌ها نام برده است؛ سوشیانت‌هایی که به مرور خواهند آمد و جهان را به سوی نیکی رهنمون خواهند بود. به همین معنا هر انسانی می‌تواند برای رسیدن به جایگاه والا و بلندمرتبه سوشیانت‌ها تلاش کند و برای ساختن جهانی پر از نیکی‌ها و راستی‌ها قدم بردارد تا زمانی که زمینه ظهور و تجلی راستی‌ها به‌طور کامل در جهان فراهم شود.

منابع

- آذرگشسب، فیروز. ۱۳۸۵. گات‌ها، سرودهای زرتشت. تهران: فروهر.
- پورداد، ابراهیم. ۱۳۵۴. گاتاها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ . ۱۳۵۶. یادداشت‌های گاتاها. به کوشش بهرام فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- _____ م. ۱۹۲۷. سوشیانت، موعود مزدیسنا. بمبئی.
- تفضلی، احمد. ۱۳۷۸. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: سخن.
- راشد محصل، محمد تقی. ۱۳۸۱. نجات بخشی در ادیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

نقش عامل خوف در مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام

محمد مهدی حائری پور^۱

چکیده

غیبت امام مهدی علیه السلام از مسلمات عقاید امامیه است که پس از اثبات ولادت و وجود آن حضرت، دلیلی بر انکار آن وجود ندارد به ویژه این که مسئله غیبت - به طور مستقل - در روایات فراوان بیان شده و به علل گوناگون و به طور خاص، به خوف امام بر جان مبارکش تعلیل شده است با این وجود، مخالفان، در مقام شبهه افکنی برآمده و تلاش کرده‌اند غیبت امام را امری غیر معقول و ناپسند و بر خلاف سیره حجت‌های الهی معرفی کنند و به ویژه دلیل خوف را با طرح شبهات مختلف، غیرموجه و غیرمقبول بشمارند؛ حال آن که شواهد فراوانی از روایات در این باره وجود دارد و مسئله خوف بر جان، به عنوان پدیده‌ای در زندگی پیامبران، در قرآن نیز بیان شده است و شواهد تاریخی دوران عسکریین علیهم السلام و نیز تحلیل عقلی شرایط حیات امام عصر علیه السلام، توجیه‌کننده غیبت به دلیل خوف است. در این مقاله تلاش شده است به شبهات گوناگون درباره تعلیل غیبت به خوف امام بر جان خویش، پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی

امام مهدی علیه السلام، غیبت، خوف قتل، موسی علیه السلام، حجت الهی، علل غیبت.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (mm.haeri313@gmail.com).

مقدمه

یکی از موضوعات مهم درباره امام مهدی علیه السلام، بحث درباره غیبت آن حضرت و علت و حکمت غیبت ایشان است؛ امری که مجال طرح شبهات متعددی را از سوی مخالفین فراهم آورده است که برخی از آن‌ها از این قرار است:

- آیا خداوند قدرت ندارد امام را در حالت ظهور به قدرت غالبه خود، حفظ کند؟ پس با وجود قدرت چرا او را غایب کرده است؟

- اگر دلیل غیبت خوف است، چرا از تقیه بهره نمی‌گیرد؟

- خوف بر جان، در مورد سایر امامان نیز بوده است، پس چرا هیچ یک غایب نشده‌اند؟

- اگر دلیل غیبت، خوف از دشمنان است پس چرا از اولیا و دوستانش غایب شده است؟

- امام که می‌داند تا زمان نزول حضرت عیسی علیه السلام (و ظهور) زنده بوده و مالک زمین خواهد شد، پس با این حال چرا می‌ترسد؟

- اساساً خوف بر جان در شأن امام و پیشوای امت نیست، بلکه از لوازم مقام امامت،

شجاعت و دلیری و عدم خوف است؛ پس چگونه از روی خوف غایب شده است؟

بنابراین باید بحث کرد که کدام عامل یا عوامل، سبب غیبت آن بزرگوار شد؟ و نیز آیا غیبت امام با امامت او سازگار است؟ این سوال به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که اصل اولی درباره امام و پیشوای جامعه، ظهور و حضور در جامعه است و غیبت او باید معلل به علتی معقول و منطقی باشد.

باتوجه به این مطلب در روایات مربوط به غیبت، بحث مفصلی با عنوان علل غیبت مطرح شده است و عواملی مانند «نبودن امام در تحت بیعت ستمگران» و «امتحان خلق و جداسازی و غربال نیکان و بدان» و «جریان سنت انبیا در امام مهدی علیه السلام» و... بیان شده است. در این میان، علت «خوف بر جان امام» در روایات متعدد و صحیح‌السند بیان شده و از سوی بزرگانی مانند شیخ طوسی، مقبول واقع شده و توضیح داده شده است. تحلیل و بررسی علل غیبت، از منظر روایات و نیز از نظر تاریخی و ادله عقلی، ضروری و بایسته است، و تاکنون در مقالات مختلف به اختصار و نیز به تفصیل انجام شده است؛ ولی با توجه به اهمیت مسئله خوف و نقش آن در غیبت و برجستگی و تعدد روایات این علت، و شبهات فراوانی که در اطراف آن مطرح شده است؛ بررسی و نقد دلیل خوف، اهمیت بیشتری دارد به خصوص که این مسئله با رویکرد پاسخ به شبهات پیرامون آن، کمتر بحث شده است.

طرح بحث

یکی از ادله مطروحه، درباره علت غیبت امام مهدی علیه السلام، مسئله «خوف برجان» حضرت است و اینکه امام به دلیل خطر جانی غایب گردیده است؛ ولی مخالفان امامیه در ردّ این علت، شبهات زیادی مطرح کرده‌اند که محور شبهات ایشان، این است که غیبت با امامت و پیشوایی امت منافات دارد و حجت الهی حتی در فرض خطر جانی باید آشکار باشد؛ چنان که بعضی از انبیا و اوصیا در مسیر انجام رسالت، به قتل رسیدند و شهادت موجب شرافت بیشتر ایشان گردید.

تدبیر عالم با حکمت الهی

قبل از بحث درباره تعلیل غیبت به خوف، دانستن این نکته بسیار مهم است که خداوند، مدبّر عالم وجود است و تدبیر عالم، بر اساس علم و حکمت بی‌پایان الهی است و البته این حکمت گاهی برای ما مکلفین معلوم است و در مواردی نامعلوم و مجهول؛ بنابراین در آنچه به تدبیر خداوند بر عالم مربوط می‌شود، انتظار دانستن همه چیز و رسیدن به همه اسرار و رموز، امری معقول و منطقی نیست. قرآن کریم می‌فرماید:

«... وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا». (اسراء: ۸۵)^۱

بنابراین ندانستن راز و رمز امور الهی و پدیده‌ها، ضروری به وجود و حقانیت آن‌ها نخواهد زد؛ و اگرچه تلاش برای فهم و درک بیشتر و کشف حکمت امور، با تکیه بر ادله نقلی و عقلی، می‌تواند به تقویت آگاهی و ایمان انسان‌ها منجر شود؛ ولی دست نیافتن به دلیل قاطع و قانع‌کننده در یک مسئله و به تعبیر دیگر عدم کشف حکمت الهی در مسئله، نباید در ایمان و عقیده انسان به یک حقیقت، که پشتوانه آن ده‌ها دلیل محکم و مسلم است؛ خدشه‌ای ایجاد کند.

آنچه بیان شد یک نکته کلی است که در همه موارد سوال از یک حقیقت، باید مورد توجه و عنایت پرسشگران باشد و در مورد بحث که موضوع آن علت غیبت امام است نیز ممکن است این علت، معلوم و یا نامعلوم باشد، ولی پس از آن که اصل غیبت با ادله قطعی به اثبات رسید، بدیهی است که دست نیافتن به علت و حکمت غیبت، به این واقعیت آسیبی نمی‌زند یعنی

۱. و جز اندکی از دانش به شما داده نشده است.

غیبت امام علیه السلام، حق و واقع است گرچه علت آن مجهول باشد؛ چنان که در بعضی از روایات از علت غیبت به «سرّ الهی» تعبیر شده است.
عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید:

از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم می‌فرمود: صاحب الأمر قهرا دارای غیبتی خواهد بود و هر باطل‌گرایی، در آن، به شک و تردید خواهد افتاد. عرض کردم: فدایت شوم! برای چه؟ فرمود: بدین جهت که به ما اجازه داده نشده آن را برای شما فاش سازیم. عرض کردم: چه حکمتی در غیبت او است؟ فرمود: راز غیبت او، همان حکمتی است که در غیبت حجّت‌های الهی قبل از او بوده است. راز غیبت او پس از ظهورش آشکار خواهد گشت هم‌چنان‌که راز کارهای حضرت خضر علیه السلام - در خصوص شکستن کشتی و کشتن پسر بیچه و مرمت دیوار - تا زمان جدایی آن دو، برای حضرت موسی علیه السلام فاش نگشت. ای پسر فضل! امر [ظهور حضرت مهدی علیه السلام] از امور الهی و رازی از اسرار خدا و غیبتی از غیبت‌های پروردگار است و از آن جا که می‌دانیم، خدای عزوجل، حکیم است، تصدیق می‌کنیم تمام کارهای او نیز بر اساس حکمت است، هر چند راز آن برای ما آشکار نباشد. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۱)^۱

خوف برجان، علت غیبت

یکی از مواردی که به عنوان علت غیبت در روایات مطرح شده است، موضوع خوف امام علیه السلام برجان خویش است که چندین روایت معتبر شاهد بر آن است؛ از جمله روایت زیر:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِلْقَائِمِ علیه السلام غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ. قُلْتُ وَ لِمَ؟ قَالَ إِنَّهُ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ. (كليني، کافی، ج ۱، ۳۳۵)^۲

البته تأمل در شرایط اجتماعی هنگام ولادت امام مهدی علیه السلام، از یک سو و رسالت بزرگ آن حضرت، در از بین بردن تمام مظاهر ظلم و ستم و برپایی حکومت عدل جهانی از سوی دیگر،

۱. ابْنُ عَبْدِ سَوْسٍ عَنْ أَبِي قَتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَدَائِنِيِّ بْنِ جَعْفَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَزْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ لِأَمْرٍ لَمْ يُؤَدَّنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ قُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ مِنْ حَزَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتَلَ الْغُلَامَ وَ إِقَامَةَ الْجِدَارِ لِمُوسَى ع إِلَّا وَقْتُ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنَ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنَ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنَّ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا.

۲. زراره می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: براستی که برای قائم علیه السلام غیبتی است قبل از آن که قیام کند. گفتم: به چه علت؟ فرمود: او بیم دارد؛ (ودراین هنگام) با دست خود به شکمش اشاره کرد یعنی (از کشته شدن) بیم دارد).

ضرورت حفظ جان امام را تا زمان حصول شرایط قیام و انقلاب، توجیه کرده و آن را امری بایسته و لازم می‌شمارد، و در این صورت، دیگر خوف امام بر جانش عیبی بر امامت و پیشوایی ایشان نخواهد بود.

ولی مخالفین، به مسئله خوف بر جان شبهاتی وارد کرده‌اند که مهم‌ترین آنها در مقدمه مقاله بیان گردید و البته بر اهل تحقیق روشن است که همه این شبهات و نظائر آن‌ها با مطالعه و دقت در متون دینی به ویژه قرآن و سنت و نیز با تامل عقلی و بررسی تاریخی قابل پاسخ‌گویی است. در این مجال به مهم‌ترین وجوه در پاسخ به این شبهات می‌پردازیم:

پاسخ به شبهات

اول: تفاوت موقعیت امام مهدی علیه السلام با سایر امامان

یکی از شبهات مطروحه، این است که چرا از میان امامان، تنها امام مهدی علیه السلام غایب گردید حال آن که خوف بر جان در سایر امامان نیز وجود داشته است؟

با کمی تأمل روشن است که نباید موقعیت امام عصر علیه السلام با پیامبران و نیز سایر امامان علیهم السلام قیاس گردد، زیرا نبوت و رسالت و امامت تداوم داشته است و با رفتن هر پیامبری (جز پیامبر خاتم) پیامبر دیگر و با رفتن هر امامی، امام دیگر، جانشین او گردیده است. به بیان دیگر باید گفت: موقعیت امام زمان علیه السلام که خاتم الاوصیاء است مانند موقعیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که خاتم الانبیاء است. مگر نه اینکه اگر خاتم الانبیاء پیش از ابلاغ رسالتش و اتمام دینش کشته می‌شد، غرض از بعثت او، نقض می‌شد بلکه بعثت آن بزرگوار، لغو و عبث می‌گردید؛ همین گونه است امامت خاتم الاوصیاء که غرض از آن اقامه عدل و اجراء شریعت اسلام، درهمه جهان و نابودی همه مظاهر شرک و کفر است. با این وصف، لازم است جان شریف ایشان تا زمان تحقق غرض از امامتش، حفظ گردد و گرنه امامت او عبث و لغو خواهد بود و این از خدای حکیم محال است؛ چنان که خداوند جان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را برای تحقق اهداف رسالتش حفظ کرد؛ آنگاه که به او دستور داد شبانه شهر مدینه را به سوی مکه ترک کند تا از سوء قصد دشمنان محفوظ بماند.^۱

۱. اشاره است به آیه «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ». (انفال: ۳۰)

(به خاطر بیایور) هنگامی راکه کافران نقشه می‌کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکه) خارج سازند، آنها چاره می‌اندیشیدند (و تدبیر می‌کردند) و خداوند هم تدبیر می‌کرد و خدا بهترین چاره جویان (و

دوم: بررسی عامل خوف در قرآن کریم

علاوه بر ضرورت عقلی حفظ جان در شرایط خطر و بدیهی بودن استفاده از پوشش غیبت برای این امر، غیبت حجت الهی به دلیل "خوف بر جان" در تاریخ حجت‌های الهی سابقه داشته و در قرآن کریم و نیز روایات معصومین علیهم‌السلام بیان گردیده است؛ با این حال جای شگفتی است که از سوی مخالفین مورد انکار قرار می‌گیرد و یا به عنوان نقص و عیب برای حجت خدا مطرح می‌شود.

قرآن کریم در بیان داستان حضرت موسی علیه‌السلام آورده که آن حضرت دو نفر را که یکی از فرعونیان و دیگری از بنی اسرائیل بود در حال جنگ و دعوا دید، به حمایت مظلوم، یعنی مرد بنی اسرائیلی برخاست و به ظالم حمله کرد، ضربه‌ای بر او فرود آورد که با همان ضربه از پا درآمد و در ادامه می‌فرماید:

﴿فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ...﴾. (قصص: ۱۸)^۱

و در ادامه بار دیگر بر خوف موسی علیه‌السلام تاکید می‌کند:

﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيُقْتَلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ؛ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾. (قصص: ۲۰-۲۱)^۲

و سومین بار از زبان موسی علیه‌السلام تصریح به خوف او برجانش کرده و می‌فرماید:

﴿فَقَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾. (شعراء: ۲۱)^۳

بنابراین آیات، موسی علیه‌السلام به دلیل ترسی که بر جان خود داشته است در مقطعی از زمان، از جامعه و مردم کناره می‌گیرد و مدتی را در غیبت از ایشان به سر می‌برد. از قرائن موجود در آیات می‌توان استفاده کرد که این جریان در زمان نبوت آن حضرت بوده است^۴ (گرچه هنوز زمان

مدبران) است.

۱. موسی از توقف در شهر مصر بیمناک شد و مراقب دشمن بود.

۲. (در این هنگام) مردی از دور دست شهر (از مرکز فرعونیان) با سرعت آمد و به موسی گفت ای موسی این جمعیت برای کشتنت به مشورت نشسته‌اند، فوراً (از شهر) خارج شو که من از خیرخواهان توام. موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود، و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای، عرض کرد پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش.

۳. و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگارم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

۴. مانند اینکه در آیه ۱۵ سوره قصص در جریان نزاع دو نفری که موسی علیه‌السلام در آن دخالت کرد آمده: ﴿هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ﴾

رسالت او درباره فرعون نرسیده بوده است).

و از آیات قرآن استفاده می‌شود که این فرار موسی علیه السلام از ترسِ خطر جانی، امری شایسته و به جا بوده است، زیرا که کشته شدن او در آن شرایط، مساوی با از دست رفتن رسالت او در نجات قوم بنی اسرائیل بوده است؛ بنابراین با حالت ترس از قتل، از شهر می‌گریزد و علت آن را نیز آشکارا بیان می‌کند زیرا این خوف در جای خود و کاملاً در جهت انجام تکلیف الهی اوست و به همین دلیل خداوند نیز در مورد این خوف، او را عتاب نمی‌کند.

توضیح این نکته لازم است که خوف بر دو گونه است: ممدوح و مذموم. خوف مذموم آن است که انسان بدون وجود حکمت و دلیل روشنی و یا تکلیفی که مکلف به انجام آن باشد، بلکه صرفاً به دلیل حُبِّ حیات و تمتعات مادی، بر جان خود بیمناک باشد که البته وجود این چنین خوفی نه تنها به انجام تکلیف الهی کمکی نمی‌کند بلکه مانع از انجام تکلیف خواهد بود؛ ولی گاهی خوف، ممدوح است و آن زمانی است که آدمی نه به دلیل حب حیات و یا سایر انگیزه‌های مادی، بلکه به دلیل ماموریتی الهی که باید در ظرف خودش انجام گیرد، مامور به حفظ جان خویش می‌شود و به همین دلیل است که در زمان مقتضی و حصول شرایط قیام به وظیفه، نه تنها خوفی بر جان خود ندارد بلکه با همه وجود، آماده جانبازی است و حال امام زمان ما، در زمان غیبت، همین‌گونه است.

سوم: مقایسه خوف امام مهدی علیه السلام با خوف موسی علیه السلام

در روایات فراوان و از جمله در بیان امام مهدی علیه السلام، مسئله خوف آن حضرت با خوف موسی علیه السلام، قیاس گشته و علت آن در همان مقیاس دانسته شده است:

عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً يَقُولُ فِيهَا فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَنَا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ. (نعمانی: ۱۳۹۷: ۱۷۴)
وَرَوَى السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ إِذَا ظَهَرَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ علیهم السلام قَالَ "فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَنَا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا" خِفْتُكُمْ عَلَي نَفْسِي وَجِئْتُكُمْ لَمَّا أَذِنَ لِي رَبِّي وَأَصْلَحَ لِي أَمْرِي. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۵)^۱

^۱ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ وَتَعْبِيرُ «شيعته» می‌تواند اشاره به نبوت موسی علیه السلام داشته باشد.

۱. امام باقر علیه السلام: وقتی قیام کننده ما اهل بیت علیهم السلام ظهور کند می‌گوید: پس از شما فرار کردم آنگاه که از شما (برجان خویش) ترسیدم پس خداوند به من حکم داد (سپس امام توضیح می‌دهد): از شما برجان خویش ترسیدم و چون خدایم اذن فرمود و امر مرا اصلاح کرد به سوی شما آمدم.

این تصریح به مسئله خوف، می‌رساند که تهدید بر جان حضرت بسیار جدی بوده که شرایط او را از این نظر با پدران بزرگوارش متفاوت می‌کند و راه‌گیزی برای او جز غیبت باقی نمی‌گذارد؛ و از «عبارت جئتکم لما اذن لی ربی» در پایان روایت روشن است که غیبت امام مهدی علیه السلام نه یک امر شخصی که تدبیری الهی و آسمانی است؛ چنان که ظهور آن بزرگوار نیز به اراده خداوند بستگی دارد.^۱

با این توضیح روشن شد که امام مهدی علیه السلام، درباره خوف بر جان‌شان معذور و ماجور هستند و هیچ نقصی بر ایشان نیست، چون این خوف در جای خود و در محل مناسب آن است.

چهارم: تفاوت امام مهدی علیه السلام با سایر امامان در رسالت الهی

الف) تفاوت در شرایط روزگار

مخالفین می‌گویند: این خوفی که سبب غیبت امام زمان علیه السلام گردیده، برای پدران بزرگوار او نیز بوده است پس چرا ایشان غایب نشدند؟ در پاسخ این سوال به دو نکته اساسی باید توجه شود تا تفاوت موقعیت امام مهدی علیه السلام با سایر امامان، معلوم گردد:

نکته اول: امامان گذشته که مامور به بیان معارف دین و تفصیل احکام بودند با وجود تقیه و عدم تظاهر به امامت، از ناحیه دشمنان خوفی این چنین، بر جان خویش نداشتند و اگر تهدیدی از جانب آنها برای امامان بود تهدیدی حتمی نبود؛ بنابراین ایشان در پوشش تقیه، به امر رهبری و هدایت امت و تفسیر و تبیین قرآن و سنت و اجرای حدود الهی در حد توان، اقدام کردند و بسیاری از معارف و احکام را در طول مدت امامت خویش، بیان فرمودند.^۲ بنابراین امامان با وجود تهدیدها - البته به نسبتی بسیار کمتر از زمان امام مهدی علیه السلام - به وظیفه امامت عمل کردند و هر حجتی پس از حجت قبل این مسیر روشنگرانه را ادامه داد؛ ولی امام زمان علیه السلام مامور به قیام علیه ستمگران و ظهور به سیف و جهاد است و بدیهی است که دشمنان به هیچ وجه وجود ایشان را تحمل نکرده از ابتدا در پی نابودی او بوده‌اند بنابراین تهدیدی که متوجه جان امام زمان علیه السلام است قابل مقایسه با این تهدید درباره

۱. در ادامه مقاله، روایات دیگر در این موضوع خواهد آمد.

۲. البته این نیز روشن است که امامان معصوم علیهم السلام تا پیش از دوران امام آخر، مکلف به بیان و تفسیر و توضیح تفصیل قرآن و سنت بودند و بدون بیان ایشان، امکان مدیریت دینی در زمان غیبت وجود نداشت زیرا بدون بیان معصومین علیهم السلام بسیاری از جزئیات احکام و معارف اسلامی مجهول می‌ماند و مجموعه کلمات ایشان، ذخیره ارزشمندی است که در دوران غیبت امام آخرین، راهنمای حق جویان است.

سایر امامان نیست.

برای اینکه مطلب فوق بهتر روشن شود باید نگاهی کوتاه به سیر زندگی امامان علیهم‌السلام داشته باشیم:

دوران امامت امامان شیعه فرازهای گوناگون داشته است که با وفات پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سال یازدهم هجرت، آغاز گردیده و با شروع غیبت صغری و قطع رابطه مستقیم امام با امت، وارد مرحله جدیدی شد. اگرچه حاکمان ستم پیشه اموی و عباسی همواره بیشترین سختگیری‌ها را نسبت به امامان روا می‌داشتند اما این فشارها درحجمی وسیع‌تر در دوران چهل ساله امامت امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام و پس از آن در دوران غیبت امام مهدی علیه‌السلام نسبت به وکلای امام زمان علیه‌السلام ادامه می‌یابد.

سیاست عباسیان در این دوره در برابر عسکریین علیه‌السلام همان سیاستی بود که مأمون در برابر امام رضا و امام جواد علیه‌السلام به کار برد، و به صورت یک سنت شوم، متوکل در برابر امام هادی علیه‌السلام اعمال کرد و آن عبارت بود از نزدیک ساختن امام به دربار و محدود کردن ایشان در حاشیه حکومت، تا بتوانند کاملاً مراقب امام باشند و بر تمام کارهای او اطلاع داشته و بین آن حضرت و شیعیان جدایی و فاصله بیندازند. همین سیاست در مورد امام عسکری علیه‌السلام هم اجرا شد. از این رو، آن حضرت مانند پدرگرامیش در سامرا، به عنوان مرکز حکومت، تحت نظر بود و مجبور بود هر هفته، روزهای دوشنبه و پنجشنبه خود را در کاخ خلیفه معرفی کند. (طوسی، ۱۴۰۳: ۱۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۰، ۲۵۱؛ طبری، ۱۴۱۳: ۲۲۶). علت احضار امام هادی علیه‌السلام به سامرا گزارش‌هایی بود که در مورد فعالیت‌های امام در مدینه، و توجه و علاقه مردم به آن حضرت به متوکل می‌رسید (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۰، ۲۰۰؛ مسعودی، ۱۴۲۴: ۲۲۵). به همین دلیل امام را به اجبار از مدینه به سامرا آورده^۱ و در آنجا تحت مراقبت و کنترل شدید قرار دادند و با اندک سعایتی به بهانه این که آن حضرت در خانه‌اش پول و سلاح مخفی کرده است نیمه شب به خانه‌اش هجوم برده و آنجا را بازرسی می‌کردند (مسعودی، ۱۴۰۲: ج ۴، ۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۰۳).

پس از امام هادی علیه‌السلام، امام حسن عسکری علیه‌السلام در سن ۲۲ سالگی عهده‌دار امامت شد و تا هنگام شهادتش در ۲۸ سالگی در سامرا زیر نظر مأموران خلیفه به سر می‌برد.

۱. امام خود فرمودند: مرا از مدینه به اجبار به سامرا آوردند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۱۲۹)

درباره شدت فشار و اختناق که در این زمان از طرف خلفای عباسی، نسبت به شیعیان و خاندان امام عسکری علیه السلام اعمال می‌گردید، وقایع عجیبی در تاریخ نقل کرده‌اند. از جمله مرحوم کلینی نقل کرده است که «عبد الله بن سلیمان» وزیر خلیفه، تصمیم گرفت که همه وکلا و نمایندگان امام حسن بن علی علیه السلام و فرزندش مهدی علیه السلام را دستگیر کند؛ خلیفه گفت: راه این کار بدین‌گونه می‌باشد که افراد ناشناسی را مأمور کنید تا به‌عنوان این‌که می‌خواهند وجوه اموال شرعی خود را به امام خود برسانند، به افراد مظنون نزدیک شوند و افرادی را که آن‌ها را دریافت کنند، فوراً دستگیر نمایند؛ ولی امام - برای حفظ ایشان - به عموم وکلا و نمایندگان خود دستور داد که تا اجازه بعدی از هیچ فردی وجوه شرعی دریافت نکنند و خود را در رابطه با ما معرفی نمایند و نمایندگان نیز از هیچ فردی وجوه شرعی نمی‌پذیرفتند. (کلینی، ج ۱، ۵۲۵).

و نیز نقل می‌کند که از طرف امام مهدی علیه السلام به تمام شیعیان دستوری صادر شد که از این پس، به زیارت قبرستان قریش^۱ نروند و بلافاصله فرمانی از طرف خلیفه صادر شد که هر فردی که به زیارت این مکان برود، فوراً دستگیرش کنند (همو).

امام صادق علیه السلام در تحلیل علل و انگیزه‌های برخورد شدید حاکمان ستم‌پیشه با ائمه اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

خدای تعالی در قائم ما سه خصلت جاری ساخته که آن خصلت‌ها در سه تن از پیامبران نیز جاری بوده است: مولدش چون مولد موسی علیه السلام است و... (سیس امام این‌گونه توضیح داد:) چون فرعون واقف شد که زوال پادشاهی او به دست موسی علیه السلام است، دستور داد که کاهنان را حاضر کنند و آن‌ها وی را از نسب موسی علیه السلام آگاه کردند و گفتند که وی از بنی اسرائیل است و فرعون به کارگزاران خود دستور می‌داد که شکم زنان باردار بنی اسرائیل را پاره کنند و حدود بیست و چند هزار نوزاد را کشت اما نتوانست به کشتن موسی علیه السلام نایل شود؛ زیرا او در حفظ و حمایت خدای تعالی بود و بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز چنین‌اند، وقتی واقف شدند که زوال پادشاهی آن‌ها و پادشاهی امیران و ستمگران آنها به دست قائم ماست، با ما به دشمنی برخاستند و برای قتل آل رسول صلی الله علیه و آله و نابودی نسل او شمشیر کشیدند، به طمع آن‌که بر قتل قائم دسترسی پیدا کنند، اما خدای تعالی امر خود را، مکشوف یکی از ظلمه نمی‌سازد و نور خود را کامل می‌کند، گر چه مشرکان را ناخوش آید.^۲

۱. قبرستان قریش جایی بود که اکثر شیعیان در آنجا دفن می‌شدند.

۲. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَارُ لِلْقَائِمِ مِمَّا ثَلَاثَةٌ أَدَارَهَا فِي ثَلَاثَةِ مِنَ الرُّسُلِ ع قَدَّرَ مَوْلِدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَمَّا وَقَفَ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مَلِكِهِ عَلَى يَدِهِ أَمَرَ بِإِخْصَارِ الْكَهَنَةِ فَدَلَّوهُ عَلَى نَسَبِهِ وَأَنَّهُ يَكُونُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ يَزَلْ يَأْمُرُ أَصْحَابَهُ بِسُقِّ بَطْطُونِ الْحَوَامِلِ مِنْ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى قَتَلَ فِي ظَلَمِهِ نِيفَاً وَعِشْرِينَ أَلْفَ مَوْلُودٍ وَتَعَدَّرَ عَلَيْهِ الْوُضُوءُ إِلَى قَتْلِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْفَظُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاهُ وَكَذَلِكَ بُنُو أُمَيَّةَ وَبَنُو الْعَبَّاسِ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى أَنَّ زَوَالَ

ب) امام مهدی علیه السلام آخرین حجت الهی

نکته دوم: که باید مورد توجه قرارگیرد این است که امامان گذشته، هر یک جانشینی پس از خود داشتند که با فرض وفات، امر امامت ایشان، تداوم می‌یافت حال آن‌که امام مهدی علیه السلام برابر تقدیر الهی، آخرین امام است و در صورت وفات او، امامی نیست که امر ایشان را به عهده بگیرد؛ بنابراین موقعیت ایشان از این جهت نیز با سایر امامان متفاوت است؛ بنابراین خوف برجان در مورد امام مهدی علیه السلام به غیبت او منجر می‌شود و در سایر امامان چنین پیامدی ندارد.

پنجم: غیبت امام و قدرت الهی

شبهه دیگر مخالفین این است که اگرچه مسئله خوف پذیرفته است ولی مگر خداوند با قدرت غالبه و مطلقه خود قادر به دفع بلا و شرور از جان امام نیست که غیبت او ضرورت داشته باشد؟

پاسخ این شبهه این است که قدرت خداوند برحفظ امام، گرچه امری قابل انکار نیست ولی روشن است که راه حفظ امام نه از طریق اعجاز و خرق عادات بلکه از مسیر اسباب و عوامل طبیعی است؛ چنان که فرموده‌اند:

ابی‌الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب. (کلینی، ج ۱، ۱۸۳)

ضمن این‌که حفظ امام نباید با اختیار مکلفین منافات داشته باشد و حفظ او اگر با منع جبری و قهری مردم از سوء قصد به جان امام باشد، نافی اختیار خواهد بود.^۱ بنابراین خداوند حجت خود را از مسیر طبیعی که همان غیبت از انظار است، حفظ کرده است.

تحلیلی جامع از شیخ طوسی

شیخ طوسی علیه السلام با بیانی دقیق، جوانب مختلف مسئله غیبت را در نظر گرفته و این‌گونه به تحلیل علت غیبت امام مهدی علیه السلام پرداخته است:

هیچ علتی مانع از ظهور آن حضرت جز این‌که می‌ترسد کشته شود، نیست. زیرا اگر جز این بود، جایز نبود که پنهان شود. بلکه ظاهر می‌گشت و هرگونه ناراحتی و آزاری را متحمل

مُلْكِهِمْ وَ مُلْكِ الْأُمَرَاءِ وَ الْجَبَابِرَةِ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا نَاصِبُونَ الْعَدَاوَةَ وَ وَصَّوْا سُيُوفَهُمْ فِي قَتْلِ آلِ الرَّسُولِ علیهم السلام وَ إِتَادَةَ نَسْلِهِ طَمَعاً مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى قَتْلِ الْقَائِمِ وَ بِأَبَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لَوَاحِدٍ مِنَ الظَّالِمَةِ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ... وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۵۴)

۱. چنان‌که شیخ طوسی علیه السلام بیان فرموده و بیانش کمی پیشتر گذشت.

می‌شد؛ زیرا مقام رفیع ائمه و همچنین انبیاء عظام و بزرگواری آن‌ها، به واسطه ناملایماتی بود که در راه دین خدا تحمل می‌کردند.

اگر گفته شود: چرا خداوند از کشته شدن آن حضرت جلوگیری نمی‌کند و میان او و کسی که می‌خواهد آن حضرت را به قتل رساند، مانعی ایجاد نمی‌نماید؛ جواب می‌گوییم: ممانعتی که با تکلیف داشتن بندگان خدا منافات ندارد، این است که خداوند مردم را از مخالفت فرمان او برحذر دارد و دستور دهد که از او پیروی کنند و او را یاری نمایند و در برابر او تسلیم گردند و این‌ها همه کارهایی است که خدا انجام داده است؛ اما ایجاد مانع میان او و مردم، منافی تکلیف داشتن بندگان و نقض غرض است. زیرا مقصود از مکلف داشتن مردم، این است که آن‌ها به ثواب برسند، و حال آن‌که ایجاد مانع و حائل میان آن حضرت و مردم، با این منظور منافات دارد. به علاوه بسا هست که ایجاد حائل و مانع برای جلوگیری از کشته شدن آن حضرت موجب بروز مفسده‌ای برای مردم شود که البته این کار از خداوند نیکو نیست.

اگر گفته شود: پدران امام زمان علیهم‌السلام همه آشکار بودند و از دشمن بیم نداشتند و این‌طور نبودند که کسی نتواند به آنها برسد؛ پاسخ می‌گوئیم:

وضع آن حضرت عکس وضع پدران بزرگوارش است زیرا وضع پدران آن حضرت در نظر خلفای وقت و دیگران طوری بود که ایشان عقیده نداشتند که آن ذوات مقدسه با شمشیر قیام کرده و دولت‌ها را نابود می‌کنند، بلکه همه می‌دانستند که ائمه اطهار علیهم‌السلام منتظر ظهور مهدی خودشان هستند و اعتقاد به امامت آن‌ها هم، برای خلفا که اطمینان به انتظام امور مملکت خود داشتند، زیان‌بخش نبود ولی حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام این‌طور نیست؛ زیرا همه می‌دانستند که او با شمشیر قیام نموده و کشورها را فتح می‌کند و هر پادشاهی را مقهور می‌گرداند و عدل را گسترش می‌دهد و ظلم را از میان برمی‌دارد. پس کسی که چنین باشد، قهراً دشمنان از قدرت و سلطه او خواهند ترسید و همه جا در تعقیب و کمین او خواهند بود و جاسوس‌ها برای یافتنش می‌گمارند و از ترس تسلط وی قصد کشتن او را خواهند کرد. در این صورت البته او هم از جان خود بیمناک می‌شود و ناچار پنهان می‌گردد و از نظر تمام کسانی که اطمینان به آن‌ها ندارد، خواه دوست و خواه دشمن، تا موقع ظهورش، غائب می‌شود و نیز علت این‌که پدران آن حضرت آشکار بودند این بود که آنها می‌دانستند اگر اتفاق سوئی برای آن‌ها روی دهد، امام دیگری هست که جای او را بگیرد و شکاف را پر کند، و حال آن‌که امام زمان علیه‌السلام چنین نیست. زیرا می‌دانیم که کسی بعد از او نیست که پیش از قیام آن حضرت با شمشیر، قیام کند و جای او را بگیرد. به همین جهت می‌گوئیم: واجب است که آن حضرت پنهان شود و از نظرها غایب گردد و

باید میان او و پدران بزرگوارش فرق گذاشت (طوسی، ۱۴۰۳: ۳۲۹).^۱

ششم: غیبت امام از اولیاء و دوستانش

این که گفته می‌شود اگر غیبت به دلیل خوف (از دشمنان) است، امام نباید از دوستانش غایب شود؛ سخن بی‌موردی است زیرا وقتی خوف بر امام و جان او جدی باشد تنها یک غیبت فراگیر و همه جانبه می‌تواند او را از خطر قتل برهاند و اگر - حتی برای دوستانش - ظاهر شود تهدید بر جان او منتفی نخواهد بود؛ زیرا مجرد اطلاع بعضی از افراد از او موجب خطر برای امام خواهد بود زیرا اولاً، همگان در رازداری و حفظ اسرار یکسان نیستند و ثانیاً، اولیا و دوستان حضرت نیز به واسطه اطلاع از مکان او تحت تعقیب و اذیت قرار خواهند گرفت و در نهایت ممکن است جان امام در خطر واقع شود.

بررسی روایات در مسئله خوف

در ابتدای این مقاله به روایتی درباره لزوم غیبت به دلیل خوف اشاره شد. این مسئله در روایات متعدد و به عنوان پدیده‌ای شاخص در حیات امام مهدی علیه السلام و نیز از موارد شباهت او به موسی علیه السلام بیان گردیده است که نشان‌دهنده نقش مهم عامل خوف در مسئله غیبت امام مهدی علیه السلام است. نکته جالب اینکه در تعدادی از این روایات، بدون این که راوی، سوالی درباره

۱. لا علة تمنع من ظهوره إلا خوفه على نفسه من القتل لأنه لو كان غير ذلك لما ساع له الاستتار وكان يتحمل المشاق والأذى فإن منازل الأئمة وكذلك الأنبياء ع إنما تعظم لتحملهم المشاق العظيمة في ذات الله تعالى. فإن قيل هلا منع الله من قتله بما يحول بينه وبين من يريد قتله قلنا المنع الذي لا ينافي التكليف هو النهي عن خلافه والأمر بوجوب اتباعه ونصرته وإلزام الانقياد له وكل ذلك فعله تعالى وأما الحيلولة بينهم وبينه فإنه ينافي التكليف وينقض الغرض لأن الغرض بالتكليف استحقاق الثواب والحيلولة تنافي ذلك وربما كان في الحيلولة والمنع من قتله بالقهر مفسدة للخلق فلا يحسن من الله فعلها... فإن قيل أليس آباؤه عليهم السلام كانوا ظاهرين ولم يخافوا ولا صاروا بحيث لا يصل إليهم أحد قلنا آباؤه عليهم السلام حالهم بخلاف حاله لأنه كان المعلوم من حال آباؤه لسلطين الوقت وغيرهم أنهم لا يرون الخروج عليهم ولا يعتقدون أنهم يقومون بالسيف ويزيلون الدول بل كان المعلوم من حالهم أنهم ينتظرون مهدياً لهم وليس يضر السلطان اعتقاد من يعتقد إمامتهم إذا آمنوهم على مملكتهم وليس كذلك صاحب الزمان لأن المعلوم منه أنه يقوم بالسيف ويزيل الممالك ويقهر كل سلطان ويبسط العدل ويميت الجور فمن هذه صفته يخاف جانبه ويتقى ثورته فيتتبع ويرصد ويوضع العيون عليه ويعنى به خوفاً من وثبته ورهبتة من تمكنه فيخاف حينئذ ويحوج إلى التحرز والاستظهار بأن يخفى شخصه عن كل من لا يأمنه من ولي و عدو إلى وقت خروجه وأيضاً فآباؤه عليهم السلام إنما ظهروا لأنه كان المعلوم أنه لو حدث بهم حادث لكان هناك من يقوم مقامه ويسد مسده من أولادهم وليس كذلك صاحب الزمان عليه السلام لأن المعلوم أنه ليس بعده من يقوم مقامه قبل حضور وقت قيامه بالسيف فلذلك وجب استتاره وغيبته و فارق حاله حال آباؤه وهذا واضح بحمد الله.

علت غیبت مطرح کرده باشد، امام علیه السلام مسئله خوف بر جان را به عنوان علت غیبت و در واقع به عنوان یکی از خصایص آن حضرت برشمرده است.
نمونه هایی از این روایات را می آوریم:

۱. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام ... الْقَائِمُ الَّذِي يَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ ...
(صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۶۱)^۱

۲. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام: فِي الْقَائِمِ مِثْلُ سُنَّتِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ... وَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَالْغَيْبَةُ ... (همو: ج ۱، ۳۲۲)^۲

۳. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ علیه السلام: إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام شَبَهًا مِنْ حَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ ... وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ مُوسَى عَ فِدَاؤُمُ خَوْفِهِ وَطَوْلُ غَيْبَتِهِ وَخَفَاءُ وِلَادَتِهِ ... (همو: ج ۱، ۳۲۷)^۳

۴. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام: فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَسُنَّةٌ مِنْ يَوْسُفَ وَسُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ علیه السلام فَأَمَّا سُنَّةُ مُوسَى فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ وَ ... (همو: ۲۸)^۴

۱. متن کامل روایت این است: یونس بن عبدالرحمن روایت می کند که خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: یا ابن رسول الله شما قائم به حق هستید؟ فرمود من قیام به حق دارم و لیکن آن قائم که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و جهان را پراز عدل و داد می سازد پس از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد، پنجمین فرزند من است و برای وی غیبتی خواهد بود که مدت آن طولانی خواهد بود به دلیل خوف بر جانش؛ گروهی در هنگام غیبت او مرتد می شوند و جماعتی هم ثابت قدم می مانند، پس از این فرمود: خوشا به حال شیعیان ما که دست از ریسمان ولایت ما برندارند و به غیبت قائم ما ثابت باشند، هر کس در دوستی ما پا بر جا باشد و از دشمنان ما تبری جوید از ما خواهد بود، آنان از امامت ما راضی بوده و ما هم از متابعت و تشیع آنها نسبت به خودمان رضایت داریم، خوشا به حال آنان، به پروردگار سوگند آنها روز قیامت با ما در یک درجه خواهند بود.

۲. متن کامل روایت این است: سعید بن جبیر گوید: از امام زین العابدین علیه السلام شنیدم که می فرمود: در قائم علیه السلام سنتی هایی از انبیاء علیهم السلام است، سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد علیه السلام اما از نوح، طول عمر است و اما از ابراهیم، ولادت نهانی و کناره گیری از مردم است و اما از موسی، خوف و غیبت است و اما از عیسی، اختلاف مردم در باره اوست و اما از ایوب، فرج بعد از شدت است و اما از محمد علیه السلام قیام با شمشیر است.

۳. متن کامل روایت این است: محمد بن مسلم ثقفی طحان گوید حضوری جعفر امام باقر علیه السلام رسیدم و قصد داشتم در باره قائم آل محمد علیهم السلام از او پرسش کنم که بدون سؤال به من فرمود: ای محمد بن مسلم، براستی در قائم از خاندان محمد علیه السلام روش از پنج پیغمبر است یونس بن متی، یوسف بن یعقوب و موسی و عیسی و محمد علیهم السلام ... و اما روش او از موسی علیه السلام خوف مداوم، طول غیبت و خفاء ولادت و رنج و تعب شیعیان بعد از وی بر اثر آزار و خواری که از دشمنان بیند تا آن گاه که خدای عزوجل اجازه ظهور او را دهد و او را یاری کند و بر دشمنش تأیید نماید...

۴. متن کامل روایت این است: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: در حضرت قائم علیه السلام روشی است از موسی و روشی است از یوسف و روشی است از عیسی و روشی است از محمد علیه السلام اما روش موسی، ای انست که ترس دارد و

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سِنًا [سُنَنًا] مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام... فَمَا سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ... (همو: ج ۲، ص ۳۵۰)^۱

از مجموعه این روایات که در تبیین زوایای مختلف حیات امام مهدی علیه السلام وارد شده است استفاده می‌شود که همان‌گونه که غیبت موسی علیه السلام به دلیل خوف بر جان، توجیه مقبولی در قرآن کریم دانسته شده است،^۲ غیبت امام مهدی علیه السلام نیز به دلیل خوف بر جان، مقبول و مطلوب است چرا که هر دو از حجت‌های الهی و مکلف به انجام رسالتی الهی بوده‌اند که پیش از انجام وظیفه الهی خویش، به دلیل شرایط ویژه حاکم بر اجتماع‌شان مجبور به غیبت گشته‌اند؛ در روایت نخست از این مجموعه، امام به خطر جانی برای مهدی علیه السلام تصریح کرده است و در روایات دیگر وجه شباهت مهدی علیه السلام و موسی علیه السلام خوف و غیبت دانسته شده است.

این‌ها افزون بر موارد متعددی از روایات است که در آن‌ها از علت غیبت سوال شده است و معصومین علیهم السلام به صراحت از خوف بر جان، به عنوان علت غیبت یاد کرده‌اند که به یک مورد از این احادیث در ابتدای مقاله اشاره شد و برخی دیگر از آن‌ها را در اینجا می‌آوریم:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ فَقِيلَ لَهُ وَلِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَخَافُ الْقَتْلَ. (صدوق، ج ۱، ص ۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۳)^۳

عن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: للغلام غيبة قبل قيامه. قلت ولم؟ قال: يخاف على نفسه الذبح. (صدوق، ج ۱، ص ۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۱)^۴

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ ظُهُورِهِ قُلْتُ وَلِمَ قَالَ يَخَافُ وَ

انتظار می‌کشد، روش یوسف این است که برادرانش با او سخن گویند و خرید و فروش کنند و وی را نشانند، روش عیسی، گردش در زمین است و روش محمد صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر است.
۱. متن کامل روایت این است: ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: در صاحب این امر سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد، سنتی از موسی بن عمران و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ اما سنت او از موسی بن عمران آن است که او نیز خائف و منتظر است، اما سنت او از عیسی آن است که در حق او نیز همان می‌گویند که درباره عیسی گفتند، اما سنت او از یوسف مستور بودن است، خداوند بین او و خلق حجابی قرار می‌دهد، مردم او را می‌بینند اما نمی‌شناسند، و اما سنت او از محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن است که به هدایت او مهدی می‌شود و به سیره او حرکت می‌کند.

۲. توضیح و تفسیر این مطلب پیش از این بیان گردید.

۳. از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن پسر، به ناچار غیبتی خواهد داشت. پرسیدند: چرا ای پیامبر خدا؟! فرمود: از کشته شدن بیم دارد.

۴. از زراره از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: این پسر، پیش از آنکه قیام کند غیبتی دارد. پرسیدم: چرا؟ فرمود: از کشته شدن خود بیم دارد.

أُومَى بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ قَالَ زُرَّارَةُ يَعْنِي الْقَتْلَ. (صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۲۴۶)^۱

این گروه از روایات نیز از این جهت که در پاسخ از سوال درباره علت غیبت بیان گردیده، اهمیت فراوان دارد زیرا در دلالتش بر اثبات مطلوب صراحت دارد و به دلیل تعدد آن‌ها و نیز نقل آن‌ها در منابع اولیه حدیثی و اعتماد بزرگان شیعه بر آن‌ها بی‌نیاز از بررسی سندی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با وجود این تعداد از روایات که نویسنده به دوازده مورد از آنها دست یافته بود، تواتری معنوی در مسئله اتفاق می‌افتد و سبب حصول اطمینان می‌شود که علت غیبت یا یکی از مؤثرترین دلائل غیبت مهدی علیه السلام، خوف بر جان شریفش است؛ چنان که از نظر عقل و منطق نیز غیبت امام به دلیل خوف، امری موجه و مقبول بوده و شواهد تاریخی و قرآنی نیز موید آن است و در این مجال به همه این ادله و شواهد - گرچه به اختصار - پرداختیم.

منابع

- صدوق، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم ۱۳۹۵ق.
- _____، *علل الشرایع*، قم، داوری، ۱۳۸۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ؟؟؟، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- مسعودی، *مروج الذهب*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ق.
- مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه*، قم، موسسه انصاریان، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
- طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامه*، قم، موسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۱. از زراره روایت شده که گفت شنیدم از امام باقر علیه السلام که فرمود: برای قائم علیه السلام غیبتی خواهد بود پیش از ظهورش؛ گفتیم: علت آن چیست؟ فرمود: می‌ترسد - و امام علیه السلام با دستش به شکم اشاره کرد و مرادش کشته شدن است.
۲. در همین مقاله تحلیل شیخ طوسی بر روایات خوف بیان گردید.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور با تکیه بر مبانی دینی و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

جواد منزوی بزرگی^۱

سجاد حبیبیان^۲

چکیده

تحقیقاتی که تاکنون درباره وظیفه منتظران در عهد غیبت کبری و بایسته‌های فرهنگی آن منتشر شده، بیشتر ناظر بر تکالیف فردی و اخلاقی شخص منتظر بوده و درباره ویژگی‌های یک تمدن که ویژگی‌های زمینه‌ساز ظهور را داشته باشد، کمتر سخن به میان آمده است در حالی که در خصوص زمینه‌سازی ظهور و تمدن زمینه‌ساز در مبانی دینی (احادیث) تأکیدات فراوانی شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود: «آیا زمینه‌سازی فردی، شرط لازم و کافی برای ظهور است یا اینکه باید تمدنی زمینه‌ساز، برای ظهور شکل بگیرد؟» در این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم. تمدن زمینه‌ساز چه ابعاد و مؤلفه‌های باید داشته باشد تا تحمل حاکمیت معصوم و بسط ید او را در خود فراهم کند و مهیای پذیرش ولایت معصوم شود. مسیر دست‌یابی به سطح عالی این ظرفیت، التزام تمدن زمینه‌ساز به مسئولیت‌های دینی، با هدف فراهم کردن بسترهای ظهور امام زمان علیه السلام است. در این مقاله سعی شد، با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تفسیری و با اتکا به مبانی دینی و بیانات مقام معظم رهبری ابعاد و مؤلفه‌های تمدن

۱. دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) (j.monzavi@sndu.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه شاهد.

زمینه‌ساز ارائه شود در این تحقیق ۱۲ مولفه از مقام معظم رهبری برای تمدن زمینه‌ساز ارائه شده و هم‌چنین به‌طور کلی نتیجه این تحقیق نشان داد که زمینه‌سازی فردی، شرط لازم و کافی برای ظهور نیست بلکه باید تمدنی زمینه‌ساز شکل گیرد و مهم‌ترین ویژگی این تمدن آن است که رسالت امر امام عصر^{علیه السلام} بر زمین نماند و رسالت تمدن زمینه‌ساز، آوردن حق است و در نهایت مولفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور ذیل سه بعد معرفتی، عاطفی و رفتاری بیان گردید.

واژگان کلیدی

زمینه‌سازی، تمدن زمینه‌ساز، ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز، بیانات مقام معظم رهبری.

مقدمه

همواره مهدویت در قرون گذشته، رمز حیات و هویت شیعه بوده و نزد شیعه، فرهنگی عمیق و استوار به شمار آمده است. تاکنون درباره وظیفه منتظران در عهد غیبت کبری و بایسته‌های این فرهنگ، آثار بسیاری منتشر شده که بیشتر ناظر بر تکالیف فردی و اخلاقی شخص منتظر است. این در حالی است که درباره ویژگی‌های یک تمدن که ویژگی‌های زمینه‌سازی ظهور را داشته باشد، کمتر سخن به میان آمده است. شاید در نظر برخی، دوران غیبت با دوران ظهور آن حضرت، تفاوت ماهوی دارد و تمدن زمینه‌ساز ظهور، در تمدن آینده تجلی پیدا می‌کند. باید گفت براساس دلایل گوناگون، این تصویرها کار نابه‌جا و از نظر مبنایی نادرست است؛ زیرا از ائمه^{علیهم السلام} درباره زمینه‌سازی و آمادگی برای فرج، احادیث و روایات بسیاری بیان شده که از جمله از آن‌ها می‌توان به شماری از احادیثی اشاره کرد که از امام صادق^{علیه السلام} نقل شده است: «هر صبح و شام منتظر فرج باش»، «خودتان را برای قیام قائم آماده سازید» و نظایر آن. بنابراین، رسالت بزرگ منتظران در عصر غیبت، زمینه‌سازی برای ظهور است. شیعیان، مسلمانان و جهانیان، با غیبت امام دوازدهم، دچار محرومیتی جانکاه و عمیق شدند. شیعه در این عصر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود برای برون‌رفت از این محرومیت، چشم انتظار به راه موعود و عصر ظهور، به انتظار ایستاده؛ انتظاری که بار سنگین رسالت زمینه‌سازی برای ظهور را با خود به همراه داشت. آمادگی و زمینه‌سازی برای همه خوبی‌ها به شکل‌گیری مدنیتی نیاز است که پذیرای سه بُعد معرفتی (نگرش)، گرایشی (احساس) و رفتاری (کنش)

زمینه‌سازی باشد.

به عبارت دیگر، می‌توان فرض بر این گرفت که تمدن زمینه‌ساز از نظر ابعاد سه‌گانه معرفتی، گرایشی و رفتاری، به وضعیتی باید برسد تا پس از ظهور امام عصر علیه السلام، امرایشان بر زمین نماند. اساساً شیعه در عصر غیبت، می‌تواند تمدنی با هدف زمینه‌سازی یا همان جامعه منتظر را شکل دهد. به سخن دیگر، تمدن زمینه‌ساز، زمینه‌ساز حق در جامعه است و خداوند متعال از وعده قطعی خود تخلف نمی‌کند و از حجتش چشم نمی‌پوشد.

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق، بررسی «ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور» و تبیین فرآیند شکل‌گیری تمدن زمینه‌ساز، با تکیه بر مبانی دینی و استفاده از بیانات مقام معظم رهبری است تا در جهت معرفی نظریه برای محققان، برای استمرار آن در ابعاد میدانی و کاربردی، زمینه‌های علمی لازم نیز فراهم شود.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و هدف تعیین شده، روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش تحلیلی-تفسیری است. براساس این روش، با مراجعه به منابع اسلامی (قرآن و سنت)، بیانات مقام معظم رهبری و استفاده از سبک صحیح و معتبر استنباط و تلاش و پوییش فکری و عقلانی، سعی شده است ابعاد و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز، کشف و از این راه، وصول به هدف تحقیق میسر شود.

پرسش‌های تحقیق

ابعاد تمدن زمینه‌ساز ظهور از نگاه رهبری کدامند؟
مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز ظهور از نگاه رهبری کدامند؟

ادبیات تحقیق

تعریف واژگان تحقیق

زمینه‌سازی ظهور: زمینه‌سازی در لغت به معنای فراهم کردن بسترها و مقدمات امری است. بر این اساس، زمینه‌سازی ظهور به معنای فراهم کردن مقدمات ظهور و بسترهای لازم برای ظهور است؛ یعنی فراهم کردن آن چه به واسطه آن، حاکمیت معصوم تحقق می‌پذیرد و امام

بسط ید پیدا می‌کند و امرش نافذ می‌شود. (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۱) زمینه‌سازی ظهور، یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور، به گونه‌ای که وضعیت برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خویش را آغاز کند و حاکمیت جهانی‌اش را تحقق بخشد. (پورسید آقایی، ۱۳۸۸: ۲۰)

عصر انتظار: منظور از عصر انتظار، دوران غیبت (کبری) منجی عالم بشریت است. اکنون ما در این برهه زمانی قرار داریم و با توجه به آموزه‌های دینی‌مان باید زمینه‌های لازم برای ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی علیه السلام فراهم شود. از این رو، در این مقاله، با توجه به گستردگی زمینه‌سازها، به یکی از این زمینه‌سازها به نام اخلاق پرداخته می‌شود که برای کارگزاران نقش مهمی دارد.

حکومت جهانی: حاکمیت بر جهان هستی، تنها از آن خداست. در واقع، اراده الهی بر سراسر گیتی، حاکم و ادامه هستی به مدد و فیض او وابسته است. به بیان دیگر، جهان و تمام ارکان و عناصرش در ید قدرت لایزال الهی قرار دارد و هم اوست که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده و اداره جامعه بشری را به وی سپرده است؛ یعنی این‌که خداوند سبحان، حاکمیت خویش را در تدبیر جامعه به انسان واگذاشته که آن نیز تجلی اراده خداست. در حقیقت، تحقق حاکمیت خدا روی زمین به دست رهبر برگزیده الهی صورت می‌گیرد که خود او را نیز امت به جایگاه و منصب رهبری انتخاب می‌کند. در چنین تمدنی، عقلانیت، معنویت و عدالت، جامعه را به مسیر کمال هدایت می‌کند (عرفانی، ۱۳۸۶: ۹۴). ادیان، خصلتی جهانی دارند. پیام الهی به دلیل وحدت ذاتی جهان هستی که همه امور به ذات حق برمی‌گردد، شامل همه انسان‌ها می‌شود. تنوع ادیان آسمانی، نه به دلیل تنوع در محتوا و پیام، بلکه به دلیل ویژگی‌های عصری آنهاست. پیام الهی واحد است:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾. (آل عمران: ۱۹)

در نتیجه، مخاطب آن نیز تمام انسان‌ها هستند. از این رو، مهدویت اسلامی نیز هرگز به سرزمین یا قوم و نژاد خاصی تعلق ندارد و گستره جهانی تدبیر الهی، شامل همه انسان‌هاست. (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۵)

تمدن زمینه‌ساز: تمدن زمینه‌ساز در جمله‌ای کوتاه، یعنی «ایجاد تمدن اسلامی». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

تعریف تمدن

۱. بررسی تعریف‌های تمدن در ادبیات غربی

واژه تمدن به تلقی‌های گوناگون از حالت‌های جامعه انسانی می‌پردازد. اشاره به تکامل و شکل‌گیری روابط بشری، یکی از جنبه‌های رایج این کلمه در زبان ادبی است. تمدن از واژه لاتین «Civilis» گرفته شده که معادل کلمه «POLEIS» یونانی قدیم است. تمدن «Civilisation»، اسم مصدر «Civil Ser» یعنی متمدن کردن است. یونانی‌های باستان با این کلمه نشان می‌دادند شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی تشکیل می‌دهد که سازنده شکل برتری از زندگی است.

درباره ارتباط مفهومی تمدن با مدینه (شهرنشینی) نباید تصور کرد که تمدن به معنای شهرنشینی، به آن شکل از زندگی انسان‌ها گفته می‌شود که درست در برابر چادرنشینی یا بیابان‌گردی قرار دارد. چنین پیوندی میان تمدن و مدینه، با آن‌چه در کاربرد اصطلاحی این واژه مورد نظر اندیشمندان و مورخان است، تطبیق ندارد. در واقع، رابطه میان شهر و تمدن، رابطه جزء و کل است، نه ظرف و مظلوف.

۲. بررسی تعریف‌های تمدن در ادبیات فارسی

تمدن در ادبیات فارسی، به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن است. در جای دیگر، تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان نیز آمده است. (معین، ج ۱: ۱۱۳۹)

تمدن یعنی سبک زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها که در دوره‌ای تاریخی، در منطقه‌ای جغرافیایی زندگی می‌کردند و دارای اهداف مشترکی بودند و دست‌آوردهای خاصی داشتند. در این تعریف، سبک زندگی رکن اساسی تمدن است و بر دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی تأکید می‌شود که دوره تاریخی می‌تواند کوتاه یا بلند و منطقه جغرافیایی می‌تواند کوچک یا بسیار وسیع باشد. عنصر دیگر، تعریف دست‌آوردها هستند که بدون آن، تمدن معنای خود را از دست می‌دهد و همچنین یک جامعه بی‌هدف در تعریف تمدن نمی‌گنجد.

در ادامه، تعریف‌های متفاوت و فراوانی برای تمدن مطرح شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- «مجموعه اعمال و آرایبی است که در هر جامعه افراد انسانی از بزرگ‌ترها فرا می‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند».

- «نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دست‌آوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب، رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند».

- «نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه‌دارنده آن می‌باشد و نظامی است، اقتصادی که با تداوم تولید پایدار خواهد ماند».

- «مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه انسانی».

- «مجموعه اندوخته‌ها و ساخته‌های معنوی و مادی در طول تاریخ انسان».

- «حاصل و نتیجه معرفت‌ها و مهارت‌هایی است که نسل‌های مختلف در گذر از شرایط بدوی به شرایط طبیعی گرد آورده، حفظ کرده و در زندگی عملی خود به کار بسته‌اند».

- «مجموعه پدیده‌های اجتماعی که وابسته به ارگانسیم اجتماعی خاص نیست. این پدیده‌ها در فضاهایی جریان دارند که از مرز اصلی در می‌گذرند و در مقاطعی از زمان تحول می‌یابند که فراسوی تاریخ یک جامعه معین جریان می‌یابد».

- «برآیند شناخت ادراکی (تفکر) و شناخت عاطفی (هنر) انسان است».

- «تشکیل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت».

- «تمدن به معنای گسترده آن، یعنی نه فقط رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه، بلکه هم‌چنین پالایش معرفت و پرورش فضیلت، به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ای بالاتر بکشد» (اخویان، ۱۳۹۳: ۳۲-۳۰)

زمانی که بشر با خط آشنا شد، قلم به دست گرفت، افکار خود را قلمی کرد و به نسل‌های بعد انتقال داد، تمدن پدیدار شد. پس از آن، واژه تمدن بر انواع پیشرفت‌ها در مظاهر متنوع زندگی بشر، گفته شده است. (مجیر شیبانی، ۱۳۳۷: ۵) تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به‌طور خلاصه، روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (سلیمی، ۱۳۹۱: ۳). در فرهنگ‌های عربی، واژه تمدن به معنای حضارۀ (تمدن، شهرآیینی) نقطه مقابل بدات (بادیه‌نشینی) به کار رفته است. (زمخشری، ۱۳۹۹ق/ ۱۹۷۹م: ۱۳۰؛ محمدکاظم مکی، ۱۳۸۳: ۱۴)

ابن خلدون، حالت اجتماعی شدن انسان را تمدن نامیده است. برخی دیگر گفته‌اند: تمدن مجموعه‌ای از عوامل معنوی و مادی است که با ایجاد فرصت برای جامعه و ادغام

عرصه‌های زندگی، زمینه همکاری لازم را در راستای رشد و توسعه اجتماعی، فراهم می‌سازد. (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ۷۳)

از نظر «ویل دورانت»، تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان‌پذیری خلاقیت فرهنگی است. به اعتقاد «هنری توماس» نیز تمدن، پدیده‌ای به هم‌تنیده است که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود. به طور کلی، واژه تمدن، بیانگر مراحل معین تحول اجتماعی (نبوی، ۱۳۷۳: ۹-۱۶) و ثمره نبوغ اقلیت نوآور است. (البلبکی، ج ۳: ۲۸)

در نگاه جامع، واژه تمدن، از ریشه «مدینه»، «مَدُن» و «مدنیت»، به معنای خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در جهت نهادینه شدن امور اجتماعی و عمران یافتن است. حاکمیت، نهادهای حکومتی، نظم‌پذیری، شهرنشینی، تعالی فضایل انسانی، همانند علم و هنر، از نشانه‌های مدنیت اجتماعی و تعالی فرهنگی است. هانتینگتون، تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند:

تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است. (سلیمی، ۱۳۹۱: ۳)

فریدمن، اقتصاددان فقید که با مسائل سیاسی آشناست، معتقد است «اگر اقتصاد و سیاست از یکدیگر جدا شوند، توسعه، تمدن‌سازی و رشد بالا، به طور جدی امکان‌پذیر خواهد بود، اما اگر سیاسیون بر اقتصاد جهان حاکم شوند یا حکومت‌ها و دولت‌ملت‌ها، بر اقتصاد سیطره یابند، امکان رشد گرفته خواهد شد. در نتیجه، باید آزادی فردی ملاک باشد. تمدن، محصول آزادی است و آزادی و خلاقیت فرد است که گذار از اجتماعات بدوی، به سوی تمدن را ممکن می‌سازد. (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۲۰-۱)

تمدن از نگاه مقام معظم رهبری «تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی. تمدن اسلامی، یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است، پرداختن به مادیات، همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است. تمدن براساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است، یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

با تأمل در این تعریف‌ها می‌توان گفت هرکس با رویکردی خاص، تمدن را تعریف کرده است که سرجمع همه آن‌ها از این حقیقت حکایت دارد که «تمدن»، مجموعه دست‌آوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است، یعنی از آن هنگام که آدمی به رشد و تعالی روی آورد، هم به نیازهای حیاتی جسمانی و هم به احتیاجات معنوی خویش توجه کرد. از این رو، کوشید به هر دو نیاز جدی، پاسخ بدهد و آن‌ها را اقماع کند. حاصل این کوشش، دست‌آوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بود که ما آن را تمدن می‌نامیم (اخویان، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۲). ولی تمدن در بیانات مقام معظم رهبری همراهی علم با اخلاق، مادیات، همراه با معنویت و دین و قدرت سیاسی، همراه با عدالت بود و نکته اساسی تعریف در دین است که برگرفته از دین اسلام و مکتب تشیع است که در آن شیعه موظف به زمینه‌سازی ظهور است.

۳. ویژگی‌های تمدن

تمدن، ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نظام‌مندی تمدن: اگر ارکان تمدن در عرصه مادی و معنوی از روش‌مندی، قانون‌مندی، انسجام و انتظام، برخوردار و با هدف اصلی آن، هماهنگ باشد، تمدنی شکوفا خواهد بود. اگر در این تمدن، اندوخته‌های مادی و معنوی، پاسخگوی درست، منظم و هدفمند نیازهای واقعی جسمانی و روحانی بشر باشد و بتواند میان برطرف ساختن حواجی این دو بعد، پل ارتباطی ایجاد کند، یقیناً توسعه کمی و کیفی آن میسر خواهد شد. اگر این اندوخته‌ها، منظم نباشد و بدون ارتباط، حد افراطی و تفریطی خود را بپیمایند، بی‌گمان، عمر چنین تمدنی کوتاه خواهد بود.

پویایی تمدن: بی‌شک، تمدن برای انسان است و به دلیل آن که انسان نیازهای متغیری دارد، باید تمدن در درون خود، ساز و کاری داشته باشد که بتواند به این نیازها در طول زمان پاسخ دهد و برای این پاسخ‌دهی باید در عین وفاداری به اصول پایدار خویش، تغییر لازم را در اندوخته‌های مادی و معنوی صورت دهد تا به پاسخ روزآمد و کارآمد بشر دست یابد. این دگرگونی‌ها که با پالایش، تعمیق و بازنگری دست‌آوردهای مادی و معنوی بشر دست‌یافتنی است، سبب شکوفایی و ماندگاری تمدن خواهد شد.

جهان‌گردی تمدن: شکوفایی تمدن به این نیست که در مرزهای فکری و مادی خود بماند، بلکه باید با حرکت در بیرون از چارچوب‌های خود، به تمدن‌های دیگر نیز توجه کند و نقاط سودمند آن‌ها را که با اصول ثابت خویش در تضاد نیست، بگیرد و در اندوخته‌های مادی و

معنوی خویش هضم کند. ارتباطات و تبادلات اطلاعات سبب افول تمدن نمی‌شود، بلکه زمینه را برای توسعه کمی و کیفی آن فراهم می‌سازد.

همبستگی: تمدن در مسیر پیدایش و اعتلا، نیازمند همبستگی است. این موضوعی است که ابن خلدون از آن با واژه «عصبیت» یاد کرده است. عاملی که انگیزه را برای همکاری میان یک ملت، امت یا گروه شکل می‌دهد و سبب می‌شود تا انسان‌ها در پی‌ریزی و گسترش تمدن مشارکت کنند و در برابر سختی‌ها و فشارها بایستند. (مرادپان، ۱۳۹۱: ۵۱)

۴. مؤلفه‌های اعتلای تمدن

ایجاد و اعتلای تمدن از مؤلفه‌های خاصی تبعیت می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

نظام ارزشی: تمدن برآیند حرکت تکاملی و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است. انسان ممکن است نیازهای مادی تمدن را با تلاش‌های تجربی و عقلی تأمین کند، اما رفع نیازهای معنوی که زیربنای زندگی و اساسی‌ترین بُعد تمدن انسانی است و هرگز در توان محدود بشر نیست، بلکه در قلمرو انتظارات بشر از دین قرار می‌گیرد. بنابراین، تمدن خاستگاه الهی - بشری دارد. همان‌گونه که اندیشه خلاق انسان، عامل شکوفایی تمدن است، نقش آموزه‌های دین در پدیداری و اعتلای تمدن، به مراتب تعیین‌کننده‌تر است. اگر تمدن شامل باورها، قوانین، سازمان‌های اجتماعی، اخلاق، فلسفه، فن، ادبیات، فرهنگ و شیوه تعامل انسان با محیط پیرامون او باشد، دین در همه این امور نقش بسیار اساسی دارد. تحقیقات تاریخی و مردم‌شناسی نشان می‌دهد مراکز مربوط به آیین‌ها و شعایر، هسته اصلی شهرهای اولیه بوده‌اند که بیانگر نقش مستقیم دین در تقویت هویت جمعی است. می‌توان گفت «دین و ایمان، باطن هر تمدنی است و گویی روحی در کالبد سازمان اجتماعی است»؛ یعنی تمدن با هر سرزمین و نژادی، سازگار و قابل دوام است، اما در سرزمینی که ارکان مادی و معنوی تمدن هماهنگ باشد، توسعه و دوام تمدن آسان‌تر خواهد بود. جامعه‌ای که خواهان تمدن و اعتلای آن است، باید در گام اول، به استقرار یک نظام ارزشی دست یابد که بیانگر معیارهای خوب و بدیعی است؛ زیرا تمدن محصول فکر فردی یا ملتی خاص نیست، بلکه زیربنای آن، عقیده مشترک مردم است.

شهرنشینی: با توجه به نقش دو عامل وحدت و امنیت در ایجاد تمدن و تداوم مدنیت، شهرنشینی از مؤلفه‌های تمدن به شمار می‌رود. هنگامی که جامعه، روحیه شهرنشینی پیدا نکند، وحدت و تمدن ایجاد نمی‌شود؛ زیرا تمدن نتیجه «عصبیت» و فعالیت‌های نیروی

انسانی شهرنشین است؛ یعنی امنیت، وحدت و تمدن، فقط در زندگی شهری قابل تحقق است.

قانون‌مداری: نقش قانون و قانون‌مداری در زایش و اعتلای تمدن، بسیار برجسته است. قانون بسان خون در رگ‌های جامعه است. استحکام جامعه و ماندگاری تمدن در گرو قانون مطلوب و وفاداری آحاد جامع به آن است. در غیر این صورت، اجتماعی شکل نمی‌گیرد تا تمدنی ایجاد شود.

حکومت: منظور از حکومت، نهادها، تأسیسات و سازمان‌هایی است که به استناد قانون برای اداره کشور پدید می‌آیند. نقش رهبری در رأس نهادهای حکومتی، بسیار برجسته است. وجود قانون و حکومت، شرط لازم نظم اجتماعی و تمدن‌سازی است، اما کافی نیست. زمانی جامعه سامان می‌یابد و به تمدن مطلوب می‌رسد که از رهبری آگاه و پای‌بند به اصول جامعه برخوردار باشد تا مردم با تعاون بر محور او، حرکت تکاملی‌شان را آغاز کنند. حاکمیت (اقتدار) شرط لازم اثرگذاری نهادهای حکومتی در پیدایش و اعتلای تمدن است؛ زیرا فقط حکومت مقتدر می‌تواند با ایجاد فرصت‌های تمدن‌ساز، چالش‌های برونی و درونی تهدیدکننده تمدن و فرهنگ را برطرف سازد. (سلیمی، ۱۳۹۱: ۵)

قدرت، امنیت، سیاست: هیچ تمدنی در سایه ناامنی و بدون وجود قدرت و سیاست شکل نگرفته است.

ثروت و مکت: بدون داشتن قدرت اقتصادی، تمدن ساخته نمی‌شود. در مناطق فقیر، تمدن‌های غنی شکل نمی‌گیرد. تمدن، دست‌آورد دوران رونق و شکوفایی اقتصادی است. رابطه تمدن با تولید علم: هیچ تمدنی بدون علم ساخته نشده است.

توسعه و تقویت دانش: توسعه و تقویت دانش، رشد و توسعه را به دنبال دارد. علم نوعی اقتدار درونی و بیرونی پدید می‌آورد که دنباله آن، رشد و شکوفایی است. صاحب فن‌آوری بودن، نوعی سلطانی و سروری را در بین دیگر جوامع پدید خواهد آورد که یکی از مؤلفه‌های اثرگذار تمدنی است.

هنر و کارکردهای هنری: برخی کشورها یا دولت‌ها، الگوی هنری برتر را برای جهانیان ارائه می‌کنند و بر دیگر ملل تسلط پیدا می‌کنند و سبک زندگی آن‌ها الگوی غالبی می‌شود که جوانان در دیگر کشورها از آن استفاده کنند.

برخورداری از منابع: دارا بودن منابع زمینی و زیرزمینی و دیگر ذخایر نهفته در زمین می‌تواند

یکی دیگر از مؤلفه‌ها باشد.

موقعیت جغرافیایی: برخورداری از یک موقعیت سوق‌الجیشی و راهبردی از دیگر مؤلفه‌هاست.

مؤلفه‌های اقتصادی - رفاهی: گسترش وسایل ارتباطی، عدالت در توزیع درآمد، عدالت اجتماعی، پرداختن به فعالیت‌های حیاتی اقتصادی، تقسیم کار اجتماعی و تخصص‌گرایی، وجود نظام ارتباطی تعاملی، عدالت به معنای قرارداد هر چیز در جای خویش و رعایت اهلیت و استحقاق و مراتب، عدالت به معنای راستی و راست‌کرداری، سخت‌کوشی و جهاد، سرمایه‌گذاری در ایجاد صنایع و کارخانه‌های جدید، ایجاد رفاه عمومی، عدالت بین نسلی منابع طبیعی، دوری از تنبلی و داشتن روحیه کار و تلاش.

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی: فراهم آوردن زمینه هم‌بستگی اجتماعی و تحقق مشارکت مردمی، نیازهای اساسی (خوراک، پوشاک، مسکن)، تثبیت امنیت و نظم، وحدت و تعاون اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی پایدار مبتنی بر باورهای مشترک، رسیدگی مکفی به ضروریات جسم انسان، مبارزه با فساد اجتماعی، وجود نظارت بر رفتار اجتماعی و تنظیم و کنترل آن، آزادی مطبوعات برای نشر حقیقت و امور نافع به حال ملت، توجه به رابطه انسان با انسان (مسئولیت‌پذیری)، حس مقاومت در برابر مفاصل اجتماعی و فسادگری‌ها، گرایش به نوآوری، بهداشت، سلامت و تقویت جسم، پرهیز از فردگرایی در باره شریعت و قانون، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نظایر آن.

مؤلفه‌های سیاسی - حکمرانی: کارآمدی دولت در انجام وظایف، برخورداری از رهبری حکیم و فقیه در جامعه (ولایت مطلق فقیه جامع‌الشرایط)، حکومت کارآمد و کارا، سیاست‌ورزی از مجرای قانون‌گذاری مبتنی بر شریعت، وجود قانون‌گذار و اجراکننده عدالت، لزوم رسیدن به کار متظلمان، عدالت در حوزه قضا و به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات، اقامه حدود شرعی و اجرای احکام توسط رئیس جامعه (حاکم شرع)، جلوگیری از تعدی انسان‌ها به حقوق یکدیگر، توجه به رابطه انسان با انسان، قانون‌مندی جامعه و وجود دولت به‌عنوان مجری قانون، استقلال سیاسی، اجرای قوانین اسلامی، لزوم تشکیل حکومت اسلامی در جامعه، رعایت حقوق دیگران به‌عنوان تکلیف، حاکمیت قانون، جلوگیری از کفران نعمت در بهره‌برداری از طبیعت، آزادی و مشارکت مردمی، استقلال و نفی هر نوع وابستگی به بیگانه، توجه به محیط زیست در تولید، توجه به محیط زیست برای بهره‌مندی نسل‌های آینده، توجه

به حفظ محیط زیست و توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی کشور، مقابله با جهل و بی‌قانونی. مؤلفه‌های مذهبی - اخلاقی: پای بندی به تقوای الهی، تعالی شناخت و آگاهی انسانی، اعتقاد به مبدأ آفرینش و منتهای آفرینش، تصفیه نفس انسان مبتنی بر اعتقاد به معاد، مبارزه با تفکر دنیاگریزی و بی‌اعتنایی نسبت به دنیا، محبت و شفقت و یاری رساندن به یکدیگر، تطهیر و تهذیب نفوس مردم از اخلاق و عادات مذموم و مہلک و هدایت آنان به اخلاق ممدوح و پسندیده، تأکید بر اخلاق به عنوان بخشی از حکمت عملی، لزوم انس با خدا برای رسیدن به جایگاه انسان کامل، دوری از شهوات و گناهان برای کشف حقایق هستی، التزام به فرائض و نوافل، مهربانی با خلق خداوند، تربیت اسلامی در خانه، رعایت حقوق دیگران به عنوان تکلیف، احسان و خدمت کردن به صورت فرهنگی، بهداشتی، اقتصادی، اخلاقی و تربیتی، ارشاد و راهنمایی، عفاف جنسی، گرایش به خیر و فضیلت (اخلاق)، گرایش به پرستش، رشد اخلاقی و تزکیه نفس، احترام متقابل به امانت‌های یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر برای رشد حقوقی و نظارت بر حسن اجرای قوانین دینی و الهی، رشد اخلاق و معنویت و عواطف انسانی (ترویج عواطف و محبت در انسان‌ها)، بسط توحید، اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد در بدنه زندگی بشر، توجه به معاد و محاسبه اخروی، تحکیم مبانی خانواده و نفی نگاه ابزاری به زن.

مؤلفه‌های علمی - آموزشی: رشد فکری و معرفتی جامعه و مبارزه با جهالت‌ها، کار با علم کردن و عمل نیکو انجام دادن، آگاهی دادن و تعلیم مردم، مجهز شدن به علوم و فنون جدید، لزوم کسب علوم روز، لزوم دریافت تکنولوژی غربی در زمینه علوم تجربی، تربیت اسلامی در مدارس، گرایش به حقیقت‌جویی (دانایی)، لزوم تربیت افرادی که مسئولیت تغییر فکری امت را برعهده بگیرند، لزوم رشد علوم تجربی، ارتقای توانایی علمی دانشگاه‌ها، درک و استفاده از روش‌های علمی و فنی و بهره‌مندی از فن‌آوری، فراگیری، تحصیل، تحقیق و آموزش فرآیند صحیح صنعتی، آموزش نیروی انسانی و ارتقای سطح سواد، آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیازهای بازار کار، ارتقای توان کارآفرینی با مسئولیت نظام آموزشی کشور، افزایش خلاقیت، مهارت حل مسئله، مهارت تصمیم‌گیری و نقادی (صادقی شاهدانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱-۱۰۳).

۵. تمدن از دیدگاه قرآن

برخی اساساً تمدن را مفهومی ذهنی یا تعریف‌ناپذیر و زائیده بافته‌های فلاسفه در طول تاریخ می‌دانند و برخی دیگر در نگاهی تک‌ساحتی یا چندبعدی، تنها به جنبه‌های مادی و

سخت‌افزاری تمدن توجه می‌کردند. اکنون در چند عنوان، نمای کلی ارکان تمدن از منظر قرآن کریم را بیان می‌کنیم:

الف) علم و فرهنگ: علم، اساسی‌ترین رکن و لایه تمدن از مهم‌ترین دست‌آورد انبیای الهی و فرهنگ نیز در ابعاد مختلف آن، فرآیند بعثت آنان بوده است. علم در عرصه تمدن از ریشه وحی آغاز می‌شود. تمام انبیای الهی از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، داوود، سلیمان، ادريس و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دست‌آوردی مهم و زیربنایی به نام علم وحی و علم الهی برای بشریت داشته و به تناسب درک و کشش انسان‌ها و مقتضای زمان خود، به ترویج انواع علوم در عصر خویش پرداخته‌اند. اصولاً یکی از ابزارهای کاربردی آن‌ها تعلیم بوده و قرآن نیز پیامبران را معلم معرفی کرده است:

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا﴾. (بقره: ۱۲۹)

ب) نظم: یعنی آراستگی و قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود، به گونه‌ای که پیوستگی و هماهنگی ایجاد شده باشد. این در حالی است که پادشاهان، هنرشان در جنگ و فتوحات و خون‌ریزی، وحشت و قتل و غارت نمایان شده است:

﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا أُذْلًا﴾. (نمل: ۳۴)

ج) تعاون و همکاری و وحدت: پیامبران الهی در مسیری گام گذاشتند که به وحدت جامعه و همکاری انسان‌ها بینجامد. عنصر تعاون در پیشرفت تمدن‌ها، نقش عظیمی را ایفا کرده است. قرآن به صراحت، انسان‌ها را به وحدت و یک‌دلی و اطاعت از حاکمان الهی فرامی‌خواند و در سایه آن، مردم را از پراکندگی نهی می‌کند تا به پیشرفت و تعالی برسند:

﴿اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

د) آزادی: قوانینی که خداوند برای انسان در نظر گرفته، برای آزادی آنان زمینه مناسب و امنیت لازم را کرده است. انبیای الهی با تعالیم انسان‌ساز خود، مفهوم متعادل و متناسب از آزادی را برای بشریت به ارمغان آورده‌اند. موسی، ابراهیم، نوح، عیسی و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای تحقق آزادی انسان از یوغ سرکشی و بردگی کوشیده‌اند.

۶. مفهوم زمینه‌سازی ظهور

حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی است و برای زمینه‌سازی، به چیزی بیش از

روایات انتظار (افضل الاعمال انتظار الفرج، افضل جهاد امتی انتظار الفرج) نیازی نیست. علاوه بر این‌ها در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی یعنی سلطانه) از واژه «یوطئون» از مصدر «وطا»، به معنای زمینه‌سازی استفاده شده است. زمینه‌سازی در لغت فارسی به معنای مقدمه‌چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است، اما در لغت عرب با توجه به ویژگی لغوی «وطا»، نه هر زمینه‌سازی، بلکه زمینه‌های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار کردن و بر آن تسلط داشتن است. ظهور در اینجا در برابر غیبت، به معنای آشکار شدن امام است (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۲۰)

۷. امکان زمینه‌سازی (نقش انسان‌ها در زمینه‌سازی ظهور)

آیا اصولاً زمینه‌سازی برای ظهور و تسریع در آن و جلو انداختن فرج امام عصر علیه السلام امکان دارد یا اینکه فرج حضرت هم چون پدیده قیامت، امری است که تلاش انسان‌ها و اراده و اختیار آنان در تسریع و تأخیر آن تأثیر ندارد؟ مبانی کلامی و بسیاری از آیات و روایات که به برخی از آن‌ها اشاره شد، به وضوح بر تأثیر انسان‌ها در تحول وضعیت خود و تغییر جوامع دلالت دارند. از این رو، می‌توان ادعا کرد ظهور، امری تحصیلی و نه حصولی است. به عبارت روشن‌تر، تلاش انسان‌ها و اراده و اختیار آن‌ها در تحقق ظهور، مسئله‌ای اثرگذار است و هرچه تلاش بیشتر و آمادگی زودتری به دست آید، ظهور نیز زودتر رخ می‌دهد، نه آن‌که هرگز تلاشگری و تلاش نکردن انسان‌ها در ظهور اثرگذار باشد که در زمانی معین و بدون دخالت و تلاش انسان‌ها، اتفاق خواهد افتاد. از این رو، نه تنها زمینه‌سازی ظهور امکان دارد، بلکه شیعیان در تعجیل و تحقق آن تأثیری اساسی و بی‌بدیل داند و به آن مکلفند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ (رعد: ۱۱)

همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنان آن‌چه را در خودشان هست، تغییر دهند.

۸. تکامل تفکر بشری در عصر انتظار

انسان‌ها با وجود انحرافات فکری در دوره‌های مختلف تاریخی، شناخت تکامل یافته‌تری از جهان اطراف خویش داشتند. از این رو، همواره تفکر بشری در سمت و سوی تسخیر عرصه‌های ناشناخته جدید سیر کرده است. در عصر کنونی، با وجود آفات و انحرافات فکری، نسبت به گذشته، فرصت شناخت بیشتری درباره جهان است. رشد و پیشرفت علوم، با کشف

عرصه‌های جدید دانش، در موارد بسیاری، مؤید آموزه‌های اعتقادی - دینی است و انسان‌ها از راه سیر آفاقی، به عرصه‌های جدیدتری از عظمت خلقت الهی پی برده‌اند. دانش بشری، افق‌های بسیار گسترده و عظیمی را فتح کرده، اما چنان‌که در روایات ملاحم نیز آمده است، علم در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیشرفت شگرفی خواهد داشت و فهم و آگاهی انسان‌ها نیز فزونی خواهد یافت. در روایتی تأکید شده است که هنگام ظهور، آن حضرت دست خویش را بر سر انسان‌ها خواهد نهاد و فهم و آگاهی آن‌ها تکامل خواهد یافت. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری درباره ظهور می‌فرماید:

علم، ۲۷ قسم است که مردمان تنها به دو جزء آن پی برده‌اند و در زمان ظهور حضرت قائم علیه السلام ۲۵ جزء دیگر نیز به دست آن حضرت تحقق خواهد یافت. بدون تردید، علت تأخیر حکومت جهانی آن حضرت، تحقق نیافتن شرایط و لوازمی از قبیل آمادگی فکری و زمینه پذیرش عمومی است. تحقق حکومت آن حضرت مستلزم آمادگی پذیرش عمومی است و تا زمانی که انسان‌ها به چنین فکر و آمادگی نرسند، شرایط فراهم نمی‌گردد. در واقع، انسان‌ها با پی بردن به نقص مکاتب بشری دست به دامان وحی می‌شوند و آن را طلب می‌کنند و در چنین روزی فتح و پیروزی محقق می‌گردد. (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۸)

۹. تمدن زمینه‌ساز

تمدن زمینه‌ساز، تمدنی است که اعضای آن، وظایفی را که نسبت به تمدن (تمدن دینی) دارند، به بهترین شکل انجام می‌دهند و از سوی دیگر، در انجام وظایفی که نسبت به امام خود بر عهده دارند، می‌کوشند. گفتنی است اگر زمینه‌سازی به معنای انجام مسئولیت‌های دینی تفسیر می‌شود، باید در نظر داشت که عمل به تکالیف دینی باید در نسبتی خاص با امام زمان علیه السلام قرار گیرد و با این توجه همراه باشد که همه اینها، مسیر را برای بسط ید او و نافذ شدن امرش مهیا می‌کند (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۲).

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، تمدن زمینه‌ساز یعنی «ایجاد تمدن اسلامی». معنای این تمدن چیست؟ «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

مقام معظم رهبری در ادامه خطاب به جامعه اسلامی می‌فرمایند:

شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود (ارواحنافداه) باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰)

پرسش این جاست که این تمدن اسلامی با جامعه مهدوی در زمان ظهور امام عصر علیه السلام چه نسبتی دارد؟ مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنافداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴)

باید توجه داشت که تمدن اسلامی، امر مطلق نیست. فرآیندی طولانی و نسبی است که اهداف آن نیز به صورت نسبی محقق می‌شود:

فرآیند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی، انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آن‌ها بسیار طولانی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۲۱)

بنابراین، تمدن اسلامی دو بخش دارد؛ بخشی که قبل از ظهور امکان تحقق دارد و زمینه‌ساز ایجاد جامعه مهدوی و ظهور حضرت حجت علیه السلام است و بخشی که پس از ظهور محقق می‌شود و حدّ اعلای تمدن اسلامی است، چنان‌که ایشان خطاب به شیعیان می‌فرمایند: شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰)

با این توضیح از مقام معظم رهبری مشخص می‌شود که بزرگ‌ترین وظیفه منتظران در دوران غیبت، خودسازی و آمادگی برای یاری حضرت و دنبال کردن اهداف حکومت ایشان از راه ایجاد «تمدن اسلامی» است.

۱۰. مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

۱. اسلام و معارف اسلامی

مقام معظم رهبری، اسلام را نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی می‌داند و هدف اعلای اسلام را ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی معرفی می‌کند. به برکت تعالیم اسلامی، تمدن

اسلامی در فقیرترین و عقب مانده‌ترین نقطه دنیا، ظهور کرد و هنوز بیش از دو قرن از عمر آن نگذشته بود که قله تمدن بشری، به پیشرفت‌هایی ویژه‌ای دست یافت. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد، آن وقت، فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۵/۲۸)

مقام معظم رهبری بر این باور است که طراحی الگوی اسلامی، ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است. ایشان می‌فرمایند:

تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد، اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و هم‌زیستیِ مهربانانه مردم با یکدیگر، این خصوصیات نظام اسلامی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰)

در ادامه باید یادآور شد که معظم‌له بر این موضوع تأکید دارند که تبیین فرهنگ زندگی در تمدن اسلامی (تمدن زمینه‌ساز) باید به شکل مطلوب اسلام تحقق یابد و اسلام بن‌مایه‌های این فرهنگ را که خردورزی، اخلاق و حقوق است، در اختیارمان قرار داده است:

... راه، راه اسلام است، راه خداست. اگر می‌خواهید این کشور کهن، این کشور پربرکت، این مهد تمدن و فرهنگ به جای حقیقی خود (زمینه‌سازی ظهور) برسد و برای کشورهای دیگر الگو شود، باید راه اسلام و تمسک به اسلام را هرگز از یاد نبرید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۲/۱۶)

و:

ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم که یک الگوی اسلامی است، از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد، از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد، یک الگوی مستقل. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۵/۱۵)

۲. حرکت علمی (پیشرفت یا مرجعیت علمی و شکستن مرزهای دانش)

مقام معظم رهبری، علم را پایه تمدن و از لوازم تمدن‌سازی می‌پندارد و معتقد است تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی پدید آمد که از روز اول در اسلام شروع شد، به گونه‌ای که هنوز دو قرن به طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی در آن محیط به وجود آمد. همچنین مقام معظم رهبری، امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق را هدف نهایی مسلمانان می‌داند.

رهبر معظم انقلاب، هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را ایجاد تمدن نوین اسلامی برمی‌شمارد که از دو بخش ابزاری و متنی، اصلی و اساسی تشکیل شده که بخش ابزاری آن عبارت از علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ است. معظم‌له از بخش اول به عنوان بخش سخت‌افزاری تمدن یاد می‌کند.

در جهت تمدن‌سازی، محاسباتی وجود دارد. وقتی ملتی با محاسبه درست و با یافتن نقطه صحیح، کار را پیش می‌برد، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. «ساخت درونی نظام»، یکی از این ملزومات است که باید استحکام پیدا کند و دیگری «علم» است که باید رشد یابد؛ یعنی استعداد های بومی کشور پرورش پیدا کند که این‌ها پایه اصلی تمدن‌سازی به شمار می‌رود. همچنین مقام معظم رهبری اعتقاد دارد قطعاً با تکیه بر دانش خود، در تمدن‌سازی اسلامی، به نتایج ملموسی دست خواهیم یافت.

مقام معظم رهبری، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه را در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فن‌آوری و فرهنگ می‌داند. معظم‌له با نگاه تیزبین خود، وجه علم را برای شکوفایی تمدن لازم می‌داند و معتقد است تمدن اسلامی می‌تواند با شاخص‌هایی نظیر علم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی به بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای باشد که ارکان تمدن امروزی غرب هستند.

۳. معنویت (تحول روحی و معنوی)

به باور مقام معظم رهبری، معنویت جزو بافت اصلی در تشکیل تمدن اسلامی است. این پدیده، بسیار مهم و نیاز بشریت است که تاکنون از آن استقبال شده است و در آینده بیشتر هم خواهد شد. نظامی که براساس تفکر و معرفت اسلامی بر سر کار بیاید، نظامی است که مسائل معنوی انسان، جزو عناصر اصلی آن باشد. ایشان در تبیین این نظام می‌فرمایند:

معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گم‌شده از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه قدرت مند قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برگردد. (مقام معظم رهبری، ۸۵/۷/۲۵)

در تمدن اسلامی که عنصر معنوی در آن رشد یافته است، باید توجه به آخرت رایج شود و آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، یعنی «ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت» با هم

خود را نشان دهد. در اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری درباره الگوی اسلامی، معنویت جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که آن را روح همه عناصر تشکیل دهنده تمدن اسلامی می‌داند. ایشان معتقد است راهبری این الگو باید طوری تنظیم شود که در نتیجه آن، جامعه اسلامی به سمت معنویت بیشتری گشانده شود؛ چون معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد. معظم له در تبیین این موضوع چنین می‌فرماید:

دنیایی که در آن، علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. (مقام معظم رهبری، ۱۰/۹/۸۹)

مقام معظم رهبری، پیشرفت در این حوزه را چنین تبیین می‌کنند:

پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال، یعنی جنبه معنوی، جنبه الهی. این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهایی ماست: تقرب به خدا. هم دنیا در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم آخرت. (مقام معظم رهبری، ۱۹/۷/۱۳۹۱)

مقام معظم رهبری، شاخص اصلی و عمومی تمدن درخشان اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود. (مقام معظم رهبری، ۱۹/۹/۹۲)

۴. جامعه ایمانی (ایمان و اعتقاد به خدا و احکام الهی)

در صدر اسلام، پیامبر اعظم ﷺ و صحابه ایشان توانستند با اتکا به خدا، تمدنی بزرگ و تاریخی را پایه‌گذاری کنند. ایمان به آن‌ها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. معظم له معتقد است به شرط داشتن ایمان می‌توانیم به چنین تمدن و اعتلایی در جهان امروزی دست بیابیم و این امر برای ایجاد یک تمدن، لازم و ضروری است.

مقام معظم رهبری، ایمان به خدا، ایمان به دین، ایمان به مقدسات و ایمان به غیب را از ارزش‌های تمدن اسلامی برمی‌شمارد و این مؤلفه‌ها را تضمین‌کننده سعادت و صلاح و فلاح یک جامعه اسلامی (تمدن زمینه‌ساز) می‌داند. به نظر ایشان، علم پایه تمدن است، اما شرط کافی برای یک مدنیت درست نیست؛ چون نتیجه علم منهای ایمان، چیزی می‌شود که امروز در دنیا، به ویژه غرب دیده می‌شود.

مقام معظم رهبری، ایمان را یکی از نیازهای اساسی تمدن‌سازی اسلامی جدید می‌داند و بر این باور است که ملت داعیه‌دار تمدن‌سازی نمی‌تواند بدون ایدئولوژی حرکت کند و تمدن‌سازی کند. در نتیجه، بدون داشتن مکتب، فکر و ایمان و هزینه پرداختن برای آن، تمدن‌سازی امکان ندارد. همچنین معظم‌له از این بخش به عنوان سلوک عملی یاد می‌کند و نقش ایمان را در تمدن‌سازی اسلامی چنین تبیین می‌فرماید:

تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن‌کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد. (مقام معظم رهبری، ۹۲/۲/۹)

۵. ایستادگی و مقاومت

مقام معظم رهبری، در حوزه تمدن‌سازی اسلامی، جوهر ایستادگی و مقاومت یک ملت را نفیس و گران‌قدر می‌پندارد و بر این اعتقاد است که ملت ایران با همین جوهر به فضل پروردگار و با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی حضرت حجت علیه السلام خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برپا سازد. مقام معظم رهبری، برای بنای یک تمدن جدید و بزرگ اسلامی، پایه‌هایی در نظر می‌گیرد که یکی از مهم‌ترین این پایه‌ها، ایستادگی و مقاومت است. این همان چیزی است که نظر ملت‌ها را جذب می‌کند، باعث مجذوب شدن آن‌ها می‌شود و تحسین آن‌ها را نیز به دنبال دارد.

۶. نیروی انسانی و جمعیت

مقام معظم رهبری، فکر و نیروی انسانی را تمدن‌ساز می‌پندارد و در این باره می‌فرماید:

برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند. ثانیاً ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد. این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است. این تمدن‌ساز است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۵)

۷. مجاهدت و جهاد مداوم

مقام معظم رهبری، ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه را از شرط‌های تحقق تمدن اسلامی می‌داند. همچنین ایشان معتقد است که اسلام به مسلمانان درسی داد که نتیجه آن، درخشش

معنوی و مادی است و آن را درس مجاهدت خالصانه می‌داند:

بعضی کسان از اسم جهاد می‌رمند، خیال می‌کنند که تأسیس یک کشور، ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها با جهاد نمی‌سازد و جهاد ضد اینهاست. بدون جهاد هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید، نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، بدون تحمل سختی، انسان به جایی نمی‌رسد و امت اسلامی باید سختی‌هایی را تحمل کند تا بتواند به اهداف بلند خودش برسد. (مقام معظم رهبری، ۸۵/۵/۳۰)

مقام معظم رهبری درباره فلسفه جهاد و اهمیت آن به عنوان یکی از عناصر تمدن ساز می‌فرمایند:

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

۸. عقلانیت

مقام معظم رهبری، عقلانیت را یکی از پایه‌های ایجاد تمدن اسلامی جدید و امت واحده اسلامی می‌داند؛ زیرا هدف نهایی این است که تمدن اسلامی جدید باید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق ایجاد شود. مقام معظم رهبری در تبیین این مؤلفه می‌فرمایند:

نوگرایی و عقلانیت، ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

۹. نیروهای مسلح

مقام معظم رهبری، نقش مردان مسلح را در بنای رفیع نظام جمهوری اسلامی ایران و نظام اسلامی نوین که زمینه ساز تمدن نوین اسلامی است، اساسی می‌داند. همچنین در تبیین اهمیت نیروهای مسلح کشور بر این باور است که وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون این‌که گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است و دشمنان را سر جای خودشان می‌نشاند. ایشان در این باره می‌فرماید:

نیروهای مسلح، نوک پیکان نظام اسلامی و الهی و تمدن الهی و اسلامی در مقابله با دشمنان، بدخواهان و کینه‌ورزانند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲۸)

۱۰. قانون اساسی

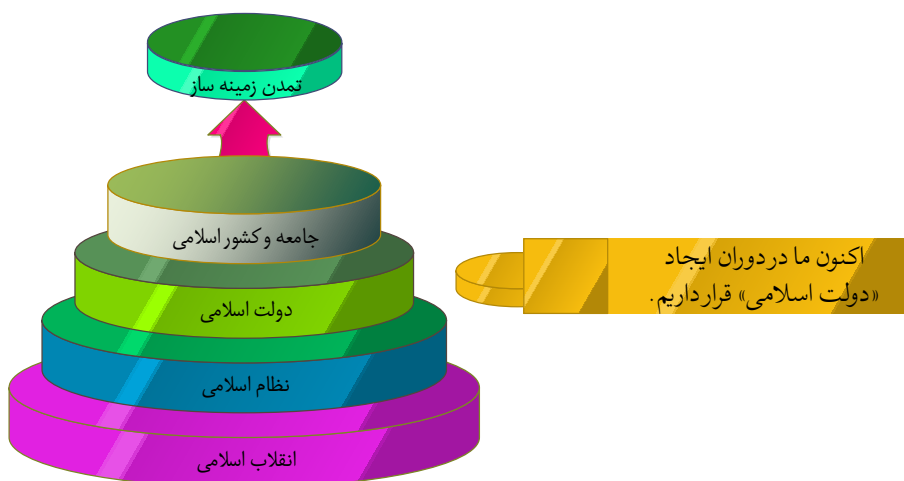
مقام معظم رهبری، خواست عمومی ملت‌ها را بازگشت به اسلام می‌داند. ایشان در تحلیل این مؤلفه یادآوری می‌کند اگر انقلابی واقعی بماند و دچار استحاله و توطئه نشود، مسئله اصلی

چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود که این همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی در عصر جدید است. ایشان در تبیین این موضوع که حضرت امام خمینی علیه السلام از ابتدا چگونه پایه‌های نظام را مستحکم کرد، می‌فرمایند:

یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام، خیرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی با انتخاب ملت این کار را انجام دادند... به عهده ملت گذاشته شد. ملت، خیرگانی را با شناسایی خود با معرفت خود انتخاب کردند و آن‌ها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام این‌جور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که براساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴)

۱۱. فرآیند دستیابی به تمدن اسلامی (زمینه‌ساز) از دیدگاه مقام معظم رهبری

فرآیند دستیابی به تمدن اسلامی، براساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب، شامل وقوع «انقلاب اسلامی»، تشکیل «نظام اسلامی»، «دولت اسلامی»، «جامعه و کشور اسلامی» و سپس ایجاد «تمدن اسلامی» می‌شود که اکنون در دوران ایجاد «دولت اسلامی» قرار داریم. (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۴)



فرآیند دستیابی به تمدن اسلامی (تمدن زمینه‌ساز) از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱۲. وعده اسلام به جهانی‌سازی (تمدن اسلامی) در آینده تاریخ

وعده به جهانی‌سازی در آینده تاریخ، از ویژگی‌های تعالیم اسلامی به شمار می‌رود. این حقیقتی است که بشر با همه تضادها، جنگ‌ها و ناسازگاری‌های طول تاریخ، سرانجام در دگرگونی‌های خدایی و انقلابی مردمی، به یگانگی و برادری انسانی، یکپارچگی جغرافیایی، وحدت مردمی و مسلکی، یکسانی نظام حقوقی و اقتصادی، وحدت مدیریتی و سیاسی خواهد رسید. همچنین با پشت سر افکندن دوران بیگانگی‌ها و دوری‌ها، جهانی‌سازی با معیارهای صددرصد انسانی در عینیت جامعه، شکل خواهد گرفت. همه انسان‌ها بی‌هراس از هرگونه سلطه و تحمیلی، در آغوش انسان‌های دیگر آرام خواهند گرفت. این وعده راست، در دوران جهانی‌سازی عدل مهدوی است. قرن‌ها پیش، خطوط کلی این جهانی‌سازی، روشن و مشخص شده و از آغاز دعوت جهانی اسلام به این جهانی‌سازی، اشارت‌هایی بسیار گویا و صریح رفته است. رهبران اسلام نیز از چگونگی‌های آن سخن گفته‌اند.

در جهانی‌سازی مهدوی، معیارها، اصول، اهداف و انگیزه‌ها بر پایه انسان‌گرایی، حقوق انسان‌ها و ارزش‌های والای اخلاقی استوار است و کمترین رنگی از برتری نژادی، منافع مادی، سلطه‌طلبی و خودکامی گروهی وجود ندارد، بلکه در سراسر جهان، رفاه انسانی، رشد عقل و دانش انسانی، بسندگی و رفاه همگانی و فراگیر و عدالتی گسترده در همه بخش‌های زندگی پدید خواهد آمد. این جهانی‌سازی با جهانی‌سازی‌های مورد نظر نظریه پردازان جامعه‌های سرمایه‌داری، تفاوت ماهوی دارد.

منابع اسلامی درباره آینده تاریخ بر دو محور بسیار روشن تأکید کرده‌اند که شاید بیشترین تعبیرها درباره این دو محور بوده است: عدالت و گسترش آن در سراسر جهان. آن‌چه ضرورت وجود مهدی موعود علیه السلام را مدلل می‌دارد، در قالب عنوان‌های زیر بررسی می‌شود:

- نوامیدی انسان از نتایج دانش و فن‌آوری؛
- سودجویی و تأمین منافع اقتصادی، انگیزه اساسی بیشتر زمام‌داران حاکم در جهان؛
- رسوخ و اشاعه ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، قبیله‌گرایی و مانند این‌ها؛
- ضعف اخلاقی وجودی، انگیزه اساسی در رفتار گروه بسیاری از مردم جهان؛
- تزلزل مناسبات انسانی در جامعه بشری؛
- گسترش ظلم و بی‌عدالتی در جامعه بشری؛
- توجه گروهی از اندیش‌ورزان به لزوم تقویت ارزش‌های معنوی؛

- حضور و ظهور مهدی علیه السلام بیان کننده الطاف الهی و نقش آفریدگار جهان در هدایت بشر است.

بی تردید، در این زمینه، دلایل دیگری را نیز می‌توان ارائه داد. تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه، از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام است. در آن دوران و به دست آن امام، آرمان والای تشکیل تمدن بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران، امامان، مصلحان و انسان دوستان برآورده می‌شود.

بخش بزرگ تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعاف‌ها در کل جامعه بشری از حکومت‌ها و درون کاخ‌ها و پشتوانه‌های آنان یعنی سرمایه‌داران سرچشمه می‌گیرد و به دست آلوده و نیرنگ باز دولت‌ها و حکم‌فرمایان در میان انسان‌ها گسترش می‌یابد. توده‌های مردم، در درون خود با گرایش‌های طبیعی‌شان، نوع‌دوست و مهربانند و چنین تضادها، جنگ‌ها و خون‌ریزی‌هایی را بر سر منافع مادی روا نمی‌دارند، به ویژه اگر درست تربیت شوند و ذهنیت‌ها و اندیشه‌های انحرافی در آن‌ها راه نیابد. کژی‌ها، پرخاش‌گری‌ها و خون‌ریزی‌ها، با تحریک دولت‌ها و به دست حکومت‌گران و قطب‌های اقتصادی انجام می‌گیرد. قطب‌های اقتصادی نیز برای گسترش قدرت و استواری بیشتر پایه‌های حکومت خود به جلب و جذب منافع بیشتر دست می‌یابند و تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار، توده‌های انسانی را به ناسازگاری و درگیری وا می‌دارند و رویاروی یکدیگر قرار می‌دهند. عامل اصلی تضاد، جنگ و ظلم در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماع‌ها، نژادها و منطقه‌ها نابود می‌شود، انسان‌ها از بیم فشار سیاست‌ها به آغوش یکدیگر باز می‌گردند و مهربان و برادروار در کنار هم زندگی می‌کنند، مناطق مرفه به مناطق محروم می‌رسند، به استثمار حق محرومان و استعمار کشورهای ضعیف نمی‌پردازند و به معنای واقعی کلمه، امت و خانواده‌ای از کل اجتماعات بشر تشکیل می‌شود.

از نظر اسلام و در باورهای حتمی و تردیدناپذیر، پایان تاریخ برای مسلمانان، زمان تحقق وعده خداوند به بشر مظلوم و وفای او به وعده‌هایش است؛ نه آن‌چنان‌که قلم به دستان مزدور، طراحان مأمور و آینده‌نگران دروغین می‌گویند. آنان بدترین، فاسدترین، ضد ارزش‌ترین و نائنسان‌ترین نظام‌های کنونی را «پایان تاریخ» می‌نامند و جامعه‌های از بنیاد فاسد سرمایه‌داری را آرمان‌نهایی انسان‌ها می‌شمارند. به راستی که چنین نیست! اگر پایان تاریخ،

چنین جامعه‌هایی باشد و چنین فجایی هستی‌سوز (خودکامگی‌های سرمایه‌داری امریکا) در انتظار بشر باشد، جا دارد انسان‌ها در یک روز بزرگ گرد آیند و دست به خودسوزی و خودنابودی دسته‌جمعی بزنند تا چنین فرجام ضدبشری را نبینند و نظاره‌گر این همه نیرنگ، دروغ و حق‌کشی و قلدرمآبی نباشند. خداوند بزرگ بر بافته‌های این نابخردان، خط بطلان کشیده و چنین وعده داده است:

﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ (حسینیان، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹)

زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

۱۳. تمدن اسلامی تنها تمدن جهانی

تمدن اسلامی، تمدنی جاودانه است که قدرت بقا و برآوردن نیازهای امروز را هم به اعتبار منابع حیاتی خویش و هم به اتکای رهیافت‌های عقلانی انسان دارد. مهم آن است که برای فهم درست دین و تمدن جهانی شده، این توانایی‌ها را هم به خوبی بتوانیم دریابیم و هم از آن آفات درونی و بیرونی دین، به درستی آگاه شویم. انگیزه کلی دعوت‌گران غرب و نظام سرمایه‌داری که خاستگاهی سودطلبانه دارد، بر منافع و رشد روزافزون سرمایه‌داری جهانی استوار است که جز به خود و جبهه‌شان به چیزی نمی‌اندیشد. غرب همواره از مقدس‌ترین شعارها و آرمان‌ها سوءاستفاده می‌کند و جنگ طلبی را «صلح‌دوستی» و نابود کردن انسان‌ها را «حقوق بشر» می‌نامد و بردگی کشیدن را «آزادی» و «آزادسازی» نام می‌گذارد. حتی مؤسسات جهانی همچون بانک جهانی، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان تجارت جهانی را برای گسترش سلطه روزافزون خویش تشکیل می‌دهد. بدین سان، دیگر شعارها و آرمان‌های زیبا و انسانی، واژگونه و از محتوا تهی می‌گردد و از جهانی‌سازی نیز مفهومی ضد آن اراده می‌شود، یعنی «جهانی» می‌گویند، ولی منظور آنان، سلطه بلوک غرب بر دیگر بخش‌های جهان است.

در مقابل، انسان‌های صادق و عدالت‌خواه نیز منادی جهانی شدن هستند؛ زیرا از این همه فاصله‌ها، تبعیض‌ها، بلوک‌بندی‌ها، جهانی‌فرا دست و جهانی‌فرو دست و درگیری‌های میان آنان به ستوه آمده و درصدد چاره دردهای همه انسان‌ها برآمده‌اند. اینان با طرح شعار جهانی‌سازی و مدیریت یگانه برای همه انسان‌ها می‌خواهند تبعیض‌ها را محو کنند و تضادها، درگیری‌ها، سلطه‌طلبی‌ها و سلطه‌پذیری‌ها را به کنار زنند و انسان درمانده را به سرمنزله آرامش و آسایش برسانند. اگر انسان‌ها از زیر سلطه تبلیغات و فرهنگ‌سازی‌های امپریالیستی و

انگیزه‌سازی‌های تحمیلی رهایی یابند، به‌طور طبیعی، به انسان‌های دیگر گرایش دارند و به هم‌نوع خود می‌اندیشند. با رشد فکری، فرهنگی و عقیدتی به‌ویژه ایمان الهی، این گرایش رشد می‌یابد و انسان، انسانی و فراتر از حد و مرزهای جغرافیایی و نژادی فکر می‌کند و کره زمین را خانه انسان‌ها می‌شناسد. سخن امام صادق علیه السلام بهترین تعبیر در این باره و آموزش این معیار والاست:

فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكَرِكَ وَمِيزَتِهِ بِعَقْلِكَ، وَجَدْتَهُ كَالْبَيْتِ الْمَبْنِيِّ الْمَعْدَفِ فِيهِ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ... الْإِنْسَانَ كَالْمَمْلُوكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَالْمُخَوَّلِ جَمِيعَ مَا فِيهِ...
(حسینیان، ۱۳۸۶: ۶۸-۶۰)

اگر در اندیشه خود درباره جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هرچه مورد نیاز بندگان بوده، در آن فراهم آمده است... و انسان همچون مالک این خانه شده که همه آن چه در آن هست، به خواست خدا در اختیار وی قرار گرفته است.

در این تعلیم اسلامی، کره زمین به «بیت» و «خانه» تعبیر شده و انسان به‌طور مطلق از هر نژاد، رنگ، زبان، ملیت و طبقه‌ای، مالک این خانه به‌شمار آمده است. این تعبیر، آموزش نگرش‌های فرامنطقه‌ای، فراقاره‌ای و آموزش اصل جهان‌وطنی و جهان‌گرایی با اهداف انسانی است. انسان‌ها در طبیعت سره و زلال خود چنین گرایش‌هایی دارند. این دست انسان‌ها در طول تاریخ فریاد برآوردند و با تأکید بر یگانگی ابنای نوع انسانی و بر یکی بودن خانه انسان‌ها و یک‌سویی حرکت آدمی و برابری حق و حقوق و هم‌سو شدن همه مهرها و عاطفه‌ها اصرار ورزیدند. آنان بر همه عوامل امتیازطلبی، جدایی و بیگانگی از رنگ، زبان، قومیت، فرهنگ، ثروت و فقر، خط سرخ کشیدند و با تمام هستی، سر در راه تشکیل «جهان واحد»، «سیاست یگانه» و «خانواده واحد»، یعنی خانواده انسانی نهادند و «اقتصاد واحد»، «معیشت هم‌سان» و «باورهای همانند» را خواستار شدند. پیامبران الهی از پیش تازان این طرح در اندیشه و عمل بودند. به‌ویژه اسلام که مترقی‌ترین ادیان است، چنین خط مشی کلی را از آغاز برگزید و با تعالیمی استوار و بلند، موضوع جهانی اندیشیدن، جهانی‌سازی و جهان‌وطنی را به همه انسان‌ها آموزش داد. خانواده بشری را خانواده خدایی نامید، مدیریت و رهبری جهانی را از اهداف خویش شمرد و اقتصاد و تجارت جهانی را مطرح کرد. از این‌ها بالاتر انسان را به جهانی‌سازی احساس‌ها و عواطف نیز فراخواند، برابری و برادری انسانی را در میان همه

انسان‌ها و سرزمین‌ها گسترده و مرزهای فاصله‌افکن و بیگانگی را به رسمیت نشناخت. در تفکر قرآنی، انسان از هر نژاد، جنسیت و طبقه‌ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین است:

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ﴾ (انعام: ۱۶۵)

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد.

این مضمون، دست‌کم در سه آیه دیگر نیز آمده است که رسالت کلی همه افراد انسانی را در زیست‌گاه زمین تبیین می‌کند. پیامبران الهی، راهنمای همه انسان‌ها هستند و تعلیم و تربیت و نظام بخشی به زیست فردی و گروهی انسان‌ها را بر عهده دارند تا در همه ابعاد، مدیران جامعه بشری باشند. این رسالت جهانی و فراگیر درباره پیامبر اسلام ﷺ، با صراحت بیشتری مطرح شده است:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱)

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

از این رو، پیامبر اسلام ﷺ، حکومت‌ها و دولت‌هایی را که میان ملت‌ها فاصله‌افکنده و سرزمین‌ها را میان خود تقسیم کرده‌اند، به رسمیت نمی‌شناسد و همه آنان را به دین، دولت واحد و مرکزیتی یگانه فرامی‌خواند. به پادشاه ایران و مقوقس، حاکم مصر؛ حارث غسانی، پادشاه حیره؛ حارث عمیری، پادشاه یمن و نجاشی، شاه حبشه نامه می‌نویسد و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می‌کند. برای تبیین این اصل محوری، بارها واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن به کار رفته است. کلمه «الناس» نزدیک به ۲۴۰ بار در قرآن آمده و کلمه «الانسان» نزدیک به ۶۵ بار تکرار شده است که واژه‌ای عام برای همه افراد انسانی به شمار می‌آید. همچنین در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب‌ها، بسیار روشن است. هم‌چنین قرآن کریم، زمین را خانه همه انسان‌ها بیان می‌کند:

﴿وَالْأَرْضُ وَصَعَهَا لِأَتَمَّ﴾ (همان)

و زمین را برای مردم نهاد.

خطاب‌های قرآنی، همه عام، به صورت جمع و به همه بشر است و این نوع واژه‌ها، خانه و خانواده بودن و یگانگی جامعه انسانی را روشن می‌سازد.

پیامبر اکرم ﷺ در دعایی برای ماه مبارک رمضان می‌فرماید:

اللَّهُمَّ اغْنِ كَلَّ فَقِيرًا؛ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كَلَّ جَائِعًا؛ اللَّهُمَّ اكْسِ كَلَّ عَرِيَانًا؛ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كَلَّ مَدِينًا؛ اللَّهُمَّ فَزِّجْ عَن كَلِّ مَكْرُوبًا؛ اللَّهُمَّ زِدْ كَلَّ غَرِيبًا؛ اللَّهُمَّ فَكِّ كَلَّ أُسِيرًا...؛
 خداوندا، بی‌نیازکن تمام نیازمندان را؛ خداوندا، سیرکن تمام گرسنگان را؛ خداوندا،
 بیوشان تمام برهنگان را؛ خداوندا، دین هر مدیونی را ادا فرما؛ خداوندا، گشایش ده
 تمام گرفتاری‌ها را؛ خداوندا، هر غریبی را به وطنش بازگردان؛ خداوندا، تمام اسیران
 را آزاد فرما....

در این دعا از خدا می‌خواهد تمام فقیران جهان به رفاه برسند، تمام گرسنگان جهان سیر
 شوند و تمام برهنگان جهان لباس بیوشند. مطالبات جهانی و بشری این دین، با مطالبات
 جهانی تفکر مقابل اشتقاق تئوریک پیدا می‌کند که چنین هم شده است. (همان منبع)

نتیجه‌گیری

در این تحقیق با بررسی بیانات رهبری ۱۲ مولفه زمینه‌سازی ظهور مطرح شد و همچنین در
 راستای ایجاد تمدن زمینه‌ساز ظهور از نظر معظم له ما پس از پشت سر گذاشتن انقلاب اسلامی
 و نظام اسلامی در مرحله شکل دهی دولت اسلامی قرار داریم و تا رسیدن به تمدن زمینه‌ساز
 ظهور باید جامعه و کشور اسلامی شکل دهیم تا زمینه‌سازی ظهور را فراهم نماییم و همچنین با
 بررسی جنبه‌ها و مؤلفه‌های تمدن زمینه‌ساز براساس منابع دینی و بیانات مقام معظم رهبری
 می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی جامعه منتظر آن است که رسالت امر امام عصر علیه السلام بر زمین نماند
 و رسالت تمدن زمینه‌ساز، آوردن حق است. به عبارتی، شیعه در عصر غیبت، مکلف به آوردن
 حق و تمدن‌سازی برای ظهور است؛ زیرا خداوند از وعده قطعی خود تخلف نمی‌کند و از
 حجتش چشم نمی‌پوشد. ظهور، مشکل فاعلی ندارد، بلکه مشکل قابلی دارد و رسالت
 منتظران، شکل‌دهی تمدن زمینه‌ساز براساس یک سری از جنبه‌های و مؤلفه‌هایی است که از
 نگاه رهبری به آن‌ها اشاره شد. در اینجا نیز برای تکمیل بحث به جنبه‌ها و مؤلفه‌های سه‌گانه
 معرفتی، عاطفی و رفتاری اشاره می‌شود که بر مبنای تفسیر محققین از مطالب ارائه شده و
 محققین بر این باورند که لازمه هر منتظری برای شکل‌دهی تمدن زمینه‌ساز است:

الف) معرفتی (بینشی)

- معرفت به امام عصر علیه السلام و حق ولایت ایشان
- بینش عمیق نسبت به امام و شناسایی اهداف و مقاصد امام عصر علیه السلام
- شناسایی رضا و سخط امام

ب) عاطفی (گرایشی)

- جلوه‌های محبت به حضرت (مثل دعا و نیایش)
- تولی، تبری، تبرک و تمسک به حضرت به وسیله مؤمنان
- رغبت، شوق و اشتیاق به امام عصر علیه السلام

ج) رفتاری (کنشی)

- رفع حوائج دیگران
- پرهیزکاری و دوری از گناه
- محاسن اخلاق و آراسته شدن به سجایای اخلاقی
- تبعیت و تسلیم در برابر امام عصر علیه السلام
- تکافل و عهده‌دار همدیگر شدن

منابع

- ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۲)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی، ص ۷۳.
- اخویان، محمد علی (۱۳۹۳). *درآمدی بر تمدن اسلامی - پیدایی، شکوفایی و افول*، چ ۱، قم: دفتر نشر معارف.
- آیتی، نصرالله (۱۳۹۰). «*مفهوم‌شناسی اصطلاح جامعه زمینه‌ساز*»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۲۰، ص ۴۹-۶۲.
- بیانات در دیدار با پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰.
- بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۹/۲۱
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸.
- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۰.
- بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل مختلف دانشجویی، ۱۳۸۵/۷/۲۵.
- بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۸/۲۰.
- بیانات در دیدار مردم شهرستان کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶.
- بیانات در بیست و دومین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰/۳/۱۴.

- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۱/۶/۲۸.
- بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.
- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۵/۱۵.
- بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
- بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹.
- بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۲/۷/۲۴.
- بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۲/۱۲/۱۱.
- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
- پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۸۸). «زمینه‌سازی ظهور»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال سوم، شماره دهم.
- حسینیان، لیلا (۱۳۸۶). «مهدویت، معنویت و جهانی‌شدن»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، ص ۴۵.
- زمخشری، ابوالقاسم، محمد، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م، ص ۱۳۰.
- محمد کاظم مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۱۴.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۱)، بیداری و احیای تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام و آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی).
- عرفانی، قاسم (۱۳۸۶). «جهانی‌شدن و دکترین مهدویت»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، ص ۹۴.
- قنبری، محسن (۱۳۸۶). «وظایف استراتژیک دولت زمینه‌ساز»، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)، صص ۱۱۹-۱۲۱.
- مجیر شیبانی، نظام الدین (۱۳۳۷)، تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ص ۵.
- مرادیان، امیرحسین (۱۳۹۴)، عناصر قدرت و مؤلفه‌های تمدن‌سازی از دیدگاه مقام معظم رهبری، پایان نامه، دانشگاه آزاد واحد کرج.

- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- مهدی صادقی شاهدانی؛ محمد هادی زاهدی وفا؛ مهدی قائمی اصل (۱۳۹۱)، شاخص سازی ترکیبی توسعه انسانی مبتنی بر آموزه های تمدن اسلامی و بکارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه رشد و توسعه پژوهش های اقتصادی، دوره ۲، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۹۵-۱۱۴.
- ولایتی، اکبر (۱۳۸۳). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶)، نظریه برخورد تمدن ها و ملتدانش، ترجمه گروه مطالعات سیاست خارجه، تهران: وزارت امور خارجه.

ویژگی های منجی و دوران ظهور از منظر زائران جمکران

سکینه خاتون تشت زرین^۱

چکیده

خصوصیات دوران ظهور در منابع مختلف ادیان ابراهیمی و گاه سایر فرق و ادیان جهان به انحاء مختلفی بیان شده است. برخی از این ویژگی ها، مشترک و برخی دارای تفاوت های زیادی است. اما این باور در ادیان مختلف در مواجهه کنش گران با این تعالیم دست خوش تغییرات شده است. ما در این مقاله سعی می کنیم یافته های حاصل از پژوهشی با عنوان «جهان زندگی در جمکران: روایت زندگی منتظرانه» را در این باره ارائه نماییم. در این پژوهش با انجام مصاحبه روایی به جهان زندگی و تجربیات اکثر مصاحبه شوندهگان مسجد جمکران نزدیک شدیم و مراحل شکل گیری این باور را در زندگی زیسته آنان پی گرفتیم. موضوع ویژگی های منجی و دوران ظهور از منظر این افراد به عنوان یک موضوع، ذیل هدف اصلی پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس اطلاعاتی که از متن مصاحبه ها به دست آمد و تعاملی که پژوهش گر با زائران در حین مصاحبه ها داشته است، به نظر می رسد قرائت عامه جامعه از ویژگی امام زمان علیه السلام و دوران ظهور با آن چه در کتب مختلف دینی - اعتقادی و یا در رسانه های رسمی مطرح می شود، تفاوت دارد؛ یعنی تصور آنان از امام زمان علیه السلام، از گفتار شیعی جا افتاده درباره امام زمان علیه السلام فاصله می گیرد. این مفاهیم و مضامین دینی با دیگر درگیری های زندگی روزمره اشخاص پیوند می خورد و شخصی سازی می شود.

واژگان کلیدی

دوران ظهور، منجی، مصاحبه روایی، زائران جمکران.

۱. کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران (tashtzarrin@yahoo.com).

انسان‌ها همواره به امید تحقق و دستیابی به جامعه‌ای عاری از تبعیض، بی‌عدالتی، جنگ و خون‌ریزی بوده‌اند و همین امید، اصلی‌ترین نیروی محرکه آن‌ها به شمار می‌آمده است. آن‌ها به گونه‌های مختلف تلاش نموده‌اند تا راه‌هایی برای دستیابی به این جامعه متعالی پیدا کنند و بیشتر، دنیای کمال یافته دست نیافتنی را به صورت آرمان شهری ترسیم نموده‌اند که با هدایت و رهبری فردی به آن خواهند رسید. در این میان تفکر دینی نیز به تقویت روحیه امید و انتظار کمک کرده است. هر یک از ادیان آن را به شکل خاصی تصویر نموده‌اند. این اندیشه در ادیان و مذاهب مختلف با عناوین متفاوتی مانند مسیح‌گرایی، آینده‌گرایی، هزاره‌گرایی^۱ و موعودگرایی یا موعودباوری مترادف شده است. اندیشه نجات و منجی موعود در هر یک از ادیان در چارچوب دینی و فرهنگی همان دین معنی می‌یابد و ویژگی‌های آن را می‌گیرد. هم‌چنین خاستگاه و آرمان این اعتقاد در هر یک از ادیان، مختص به آن دین بوده و اگرچه دارای مشابهت‌ها و مشترکاتی هستند اما با هم تفاوت‌های عمده‌ای نیز دارند.

گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان مختلف، نشان داده است که اندیشه نجات یا منجی موعود، اندیشه‌ای جهانی است؛ میزان موعودباوری ادیان از لحاظ کمی و کیفی با هم متفاوت است و مطالعات نشان داده است که این اعتقاد در دین مسیحیت و اسلام به ویژه در مذهب شیعه امامیه، باورمندان بیشتری دارد.

مهدویت از آموزه‌های فراگیری است که کم و بیش، همه فرق و مذاهب اسلامی به آن معتقدند. این آموزه در تفکر شیعی از جایگاه ممتازی برخوردار است. مذهب شیعه با بهره‌گیری از تفکر انتظار و معرفی منجی مصلح عدالت‌گستر، آینده‌ای را ترسیم می‌کند که در آن به ارزش‌های اخلاقی، معنویت، کرامت، عدالت و فضیلت‌های انسانی از یک سو و ایجاد زندگی مرفه مادی در این دنیا از سوی دیگر بها می‌دهد.

در اسلام از موعود نجات بخش با عنوان «مهدی» یاد می‌شود و در این خصوص تفاوتی میان فرقه‌های شیعی یا سنی وجود ندارد.... مهدی، اصطلاحاً لقب فردی از اهل بیت

۱. هزاره دوگونه معنی می‌دهد، گاه به صورت لغوی دریافت می‌شود یعنی هزار سال و گاه، به ورت مجازی یعنی یک دوره‌ی زمانی بسیار طولانی که می‌بایست بگذرد تا منجی ظهور کند.

پیامبر ﷺ است که رسول اکرم ﷺ بشارت ظهورش را داده است. او، جهان را پس از آکنده شدن از ستم، از عدالت سرشار خواهد ساخت. مهدی به هدایت الهی مهتدی و به نصرت او منصور است (نصیری، ۱۳۸۸: ۴۰۹). این اعتقاد در تفکر شیعی به ورت بسیار مشهودی وجود دارد و تأثیرات زیادی در زندگی معتقدانش به جا می‌گذارد. این تأثیرات را می‌توان در تمام جنبه‌های زندگی معتقدان، از برگزاری مراسم ازدواج در ایام منتسب به منجی موعود (امام زمان ﷺ) مثل نیمه شعبان گرفته تا برپایی مراسم مختلف اجتماعی، سیاسی و عبادی در ایام یا اماکنی که به شکلی مرتبط با تولد یا حضور منجی موعود بوده است؛ مشاهده نمود. یعنی زندگی روزمره معتقدان، با این تفکر عجیب شده و بسیاری از لحظات آنان، براساس این باور شکل گرفته و زیسته می‌شود. مکان‌ها و زمان‌ها در این تفکر معنی گرفته و خصلت تعریف شده‌ای پیدا می‌کنند. یکی از اماکنی که در ایران با این اعتقاد مرتبط شده و تقدس پیدا کرده مسجد جمران است. این مسجد به اعتقاد برخی از شیعیان به فرمان مستقیم امام زمان ﷺ ساخته شده و به این لحاظ، محلی برای حضور و گردهم‌آیی معتقدان به آن، در زمان‌های مختلف از جمله سه‌شنبه شب‌ها که به قولی شبی است که دستور ساخت مسجد صادر شده یا روزهای جمعه به صورت هفتگی و ایام اعیاد شعبانیه، شده است. ما در این نوشتار ویژگی‌های منجی و دوران ظهور را به عنوان یک هدف فرعی از منظر زائران جمران مورد بررسی قرار دادیم. در ادامه قبل از شرح نتایج حاصل از پژوهش در این زمینه به پیشینه تحقیق می‌پردازیم.

ادبیات تحقیق؛ آثار و مطالعات

با توجه به گستردگی نفوذ مفاهیمی مانند موعودباوری، منجی‌گرایی، هزاره‌گرایی، مهدویت و مباحث مرتبط با آن، از قبیل آخرالزمان و...؛ آثار تولید شده در این حوزه چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ تنوع، بسیار زیاد است. این تگثر هم ناشی از نحوه روی‌کرد تولیدکنندگان آثار به موضوع و هم تنوع در زبان ارائه آن است. عمده‌ترین دلیل این گستردگی و نفوذ، نزدیکی مفاهیم این بحث با مفاهیم دینی و اعتقادی است، که این مفاهیم را به یک مفهوم عام بدل کرده است. نمود این تفکر در اقشار و افراد مختلف به صورت‌های گوناگونی مانند آثار هنری، فرهنگی، فکری، سیاسی، اجتماعی بروز نموده است. با توجه به تنوع و تگثر آثار موجود، در این مقاله، با عنایت به موضوع آن تنها بخشی از آثار مرتبط با اثبات، و دلایل وجود منجی

(حجت) یا امام زمان علیه السلام در تفکر شیعی، ویژگی‌های منجی، شرایط ظهور، ویژگی‌های دوره ظهور مطرح می‌شوند.

کتاب‌های فراوانی درباره معرفی امام زمان علیه السلام و ویژگی‌ها و اثبات وجود ایشان، وجود دارد که کتاب *ارشاد* شیخ مفید نمونه‌ای از آن‌ها است. این کتاب توسط واحد ترجمه و انتشارات سرور و با همکاری سیدحسن موسوی مجاب ترجمه شده است. در پیش‌گفتار این کتاب آورده شده است:

اکنون به یاری خدا و مدد او خواهیم نگاشت آن چه تو - که خدا یاور تو باد - درخواست نمودی که بنویسم از نام‌های ائمه هدی علیهم السلام، تاریخ زندگانی، زمان و مکان شهادتشان، و نام‌های فرزندان و برخی از اخباری که در شناخت بیش‌تر آنان سودمند است؛ تا این که با آنان بیشتر و بهتر آشنا شده و تفاوت میان ادعا و اعتقاد به آنان برای تو آشکار گردد که با بینش و بصیرت، خود میان شبهات و بینات جدایی افکنده و هم‌چون مومنان و منصفان بر آن چه که حقیقت است تکیه زنی، و من همان‌طور که درخواست کردی به اختصار اجابت خواهیم کرد آن چه را خواستی، و به خدا پناه می‌برم و از او به سوی راه هدایت یاری می‌جویم. (شیخ مفید، ۱۳۸۸: ۱۹)

در این کتاب شیخ مفید تاریخ ولادت، دلایل امامت، عمر و مدت امامت و زمان و علت وفات و جای قبر و تعداد فرزندان ائمه هدی علیهم السلام و گزیده‌ای از اخبار و روایات مرتبط با هر امام را آورده است. او موضوع جانشینی امام زمان علیه السلام را به‌عنوان یک موضوع با اهمیت مورد بررسی قرار داده و بر اساس مباحثی که مطرح نموده است، امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را به‌عنوان آخرین امام شیعی معرفی کرده است.

کتاب بعدی که در این جا به آن اشاره می‌کنیم درباره موعود اهل سنت با عنوان «*مهدی پژوهی در آثار اهل سنت*» نوشته علی دژاکام است که در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات موعود عصر علیه السلام منتشر شده است. نویسنده در این کتاب که در شش فصل با عناوین: معرفی کتاب‌های مستقل، کتاب‌های مشتمل، چکیده‌نگاری، حضرت مهدی علیه السلام در ادبیات اهل سنت، گزیده سخنان بزرگان اهل سنت و فهرست وارده تنظیم شده است، با روی‌کردی کتاب‌شناسانه می‌کوشد باور به مهدویت در میان عالمان بزرگ اهل سنت را به تصویر بکشد و در منظر ناظران قرار دهد (دژاکام، ۱۳۹۰: ۱۸).

یکی دیگر از کتاب‌هایی که درباره امامت امام مهدی علیه السلام نگاشته شده است، کتاب «*موعود آسمانی: پژوهشی در امامت حضرت امام مهدی از دیدگاه مسلمانان*» است که مرکز تحقیق اسلامی در

ذیل سلسله پژوهش‌های اعتقادی منتشر کرده است و ترجمه اثری از آیت الله سید علی حسینی میلانی است. در پیش گفتار، نویسنده اشاره می‌کند برای گفت‌وگو با پیروان دیگر مذاهب و دعوت آن‌ها به پذیرش این اعتقاد شیعیان دوازده امامی که امام مهدی علیه السلام به دنیا آمده و زنده است و در پس پرده غیبت به حیات مبارک خود ادامه می‌دهد، ناگزیر باید از دلیل‌های قابل قبول و روش‌های استوار استفاده نمود. او در صفحات بعدی پیش گفتار به بخشی از شبهاتی که از سوی مخالفان این اعتقاد شیعی مطرح شده خصوصاً شبهات ابن تیمیة اشاره می‌کند و می‌نویسد:

کتاب پیش رو، با بیان عقیده شیعه درباره حضرت امام مهدی علیه السلام به نقد و بررسی شبهه‌های طرح شده در این زمینه می‌پردازد و این پژوهش را در سه بخش سامان می‌دهد: بخش یکم، مهدویت و امام مهدی علیه السلام از دیدگاه مسلمانان. بخش دوم، روایت‌های معارض، بخش سوم، مسئله مهدویت و پرسش‌ها و شبهه‌ها (میلانی، ۱۳۹۰: ۲۵).

او در بخش اول به دنبال اثبات وجود امام زمان علیه السلام و لزوم وجود ایشان با استناد به روایات و احادیث مورد قبول اهل سنت و شیعیان است. در بخش دوم به پاسخ‌گویی روایاتی برمی‌آید که به عنوان روایات معارض نام برده است. منظور وی از روایات معارض روایاتی هستند که با روایات متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد، مخالف است. بعضی با طرح این روایات و ادعای معارضه، می‌خواهند حجیت روایات متواتر گذشته را زیر سؤال ببرند (همان: ۷۹). او در این بخش از کتاب، با نقد این روایات سعی می‌کند شک و تردیدی پیرامون مسئله مهدویت باقی نگذارد. هم‌چنین در بخش سوم به پاسخ به شبهات و پرسش‌هایی می‌پردازد که از طرف عده‌ای درباره مسئله مهدویت مطرح شده است.

اثر بعدی کتاب «تاریخ پس از ظهور» اثر سید محمد صدر است که درباره دوره ظهور نگارش شده‌اند. حسن سجادی پور مترجم کتاب در مورد آن می‌نویسد:

این کتاب سومین مجلد از مجموعه چهار جلدی موسوعه الامام المهدی می‌باشد... از ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به دسته‌بندی منظم روایات معتبر و مورد اتفاق و متواتر بین شیعه و سنی، بحث و بررسی درباره آن‌ها و افزودن تاویلات و تصحیحات جدید اشاره کرد. (صدر ۱۳۸۹، ۱۲)

صدر در بیان اهمیت موضوع بحثش چنین می‌نگارد:

اهمیت موضوع (تاریخ آینده جهان)، وام‌دار اهمیت بحث درباره امام مهدی علیه السلام می‌باشد.

زیرا این تاریخ یکی از شاخه‌های مباحث مهدویت است... روست که برای شناخت رفتارها و اقدامات این مصلح بزرگ در «روز موعود» و نیز روش‌ها و سیاست‌هایش در تدبیر و رهبری جهانی مشتاقانه قدم برداریم... از زاویه‌ای دیگر، اهمیت بحث در آن‌جا آشکار می‌شود که تلاش کنیم هر آن‌چه در مورد حوادث و رویدادهای روز ظهور و پس از آن گفته شده یا می‌شود از افسانه‌ها و خرافات پاک‌سازی شود. (صدر ۱۳۸۹، ۱۵-۱۶)

این کتاب در سه بخش با عناوین نشانه‌ها و مقدمات ظهور، حوادث مربوط به ظهور و برپایی دولت جهانی تا وفات امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و جهان پس از امام مهدی عجله الله تعالی فرجه تدوین شده است. نویسنده در این کتاب سعی دارد با استدلال تاریخی بحثش را ارائه دهد؛ هر چند معتقد است که به لحاظ کلامی نیز اندیشه اسلامی برای این موضوع پاسخ دارد. در نتیجه باید هر فردی محک و معیاری عقیدتی و ملاک و میزانی تاریخی داشته باشد تا بتواند به وسیله آن حق را از باطل تشخیص دهد. اسلام هر دو معیار عقیدتی و تاریخی را در اختیار ما قرار داده است اما آن‌چه که محل بحث ماست، همان معیار و میزان تاریخی است (صدر ۱۳۸۹، ۱۷). به روش مذکور، نویسنده با بررسی روایات موجود نمایی از اتفاقات و وقایع دوران ظهور و دولت جهانی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه را ترسیم نموده است.

در ادامه به ذکر یکی از پایان‌نامه‌های انجام شده در این زمینه می‌پردازیم. پایان‌نامه‌ای با عنوان «فرجام تاریخ از منظر مهدویت»، این پژوهش توسط وحید صفایی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد تهران مرکز در سال ۱۳۸۵، به راهنمایی دکتر سیدمصطفی ابطحی انجام شده است. او در ابتدا به بررسی ادبیات تحقیق در زمینه فرجام‌شناسی از دیدگاه صاحب‌نظران و ادیان مختلف پرداخته و سپس در خصوص جامعه موعود در دیدگاه شیعی، مباحثی را مطرح کرده است. در جامعه موعود پس از ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه اقداماتی برای حکومت جهانی ایشان انجام می‌شود. محقق این اثر معتقد است که انسان در عصر ظهور به کمال ذاتی خود می‌رسد که همان کمال خلقی به علاوه کمال عقلی و کمال اجتماعی است. ویژگی‌های مختلف این جامعه از ساختار و سازمان حکومت مهدوی تا ویژگی‌ها و سیمای دولت مهدوی بازنمایی می‌شود و به تعبیر نویسنده، دولت مهدوی تحلیل سیستمی شده است. او در فصل نتیجه‌گیری اشاره می‌کند:

در تحلیل سیستمی دولت مهدوی و بررسی و کارایی و کارآمدی آن، توجه به پیامدها و داده‌های آن (اثر و نتایج) در ابعاد گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. گفتنی است مهم‌ترین و بارزترین پی‌آمدها و برون‌دادهای نظام مهدوی در چند انگاره جلوه‌گر است:

۱. عدالت و امنیت (قسط، عدل و تعادل). ۲. عقلانیت و معنویت (کمال اخلاقی و خردورزی). ۳. توسعه (رفاه، عمران و آبادی). (صفایی ۱۳۸۵: ۱۹۴)

علاوه بر موارد فوق که بخش اندکی از آثار موجودند، دعاها و زیارت‌نامه‌هایی مانند دعای ندبه و یا زیارت آل یاسین، دعای عهد و... در منابع شیعی درباره امام زمان علیه السلام هستند که به انحاء مختلفی به بیان خصوصیات امام زمان علیه السلام پرداخته‌اند، و مفسرین و شارحان به شرح و تفسیر آن‌ها همت گماشته‌اند. «دعای ندبه مشتمل بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت امام مهدی علیه السلام است که از امام ششم شیعیان نقل شده است و خواندن آن در اعیاد فطر، قربان، غدیر و روزهای جمعه توصیه شده است». ^۱ در این دعا «ابتدا پس از حمد و ثنای الهی، اشاره اجمالی به رسالت انبیا و مقامات مختلف هر یک از آنان در راه اصلاح جامعه بشری و مبارزات بی‌وقفه ایشان در این راه کرده، آن‌گاه به مقام پیغمبر اسلام و دعوت او، و سپس به خلافت بلا فصل علی علیه السلام پرداخته است» (علوی طالقانی، ۱۳۸۸: ۱۵). ^۲ سپس به فرازهایی از دعا می‌رسیم که با عباراتی، خطاب به امام زمان علیه السلام می‌کند و او را می‌خواند، از جمله «أین المَعَدَّ لقطع دابر الظلمة»؛ کجا است آن کسی که برای برکندن ریشه ظالمان و ستم‌گران مهیا و آماده گردیده.... «أین المرتجی لازالة الجور و العدوان»؛ کجا است آن یگانه کسی که برای برانداختن اساس ظلم و عدوان مورد امید و نظر (خلایق) است.... «أین السبب المتصل بین الارض و السماء»؛ کجا است آن وسیله حق که بین زمین و آسمان پیوسته است و حقایق و پیغام وحی آسمانی را به زمین می‌رساند.... «أین الطالب بدم المقتول بکربلا»؛ کجا است آن که خون (جد بزرگوارش) شهید کربلا را انتقام کشد (همان: ۲۹۰، ۲۸۴، ۲۵۱، ۲۴۵)... و با ندبه و زاری و سرشک اشک او را می‌طلبد و با شوق و اشتیاق به قیام و برنامه انقلابی و اصلاحی او می‌پردازند و در آخر با ذکر چندی از نیازها و حوائج آن دعا را پایان می‌دهد (همان: ۱۵).

این آثار همگی به ویژگی‌هایی از امام زمان علیه السلام و دوران ظهور اشاره می‌کنند و به عنوان نمونه‌هایی از منابع مستند در این باره به شمار می‌آیند. اما این تعالیم در مواجهه کنش‌گران با آن‌ها و درونی کردن آن‌ها، دست‌خوش تغییراتی می‌شوند که ما در ادامه به تبیین آن از منظر تعدادی از زائران مسجد جمکران می‌پردازیم.

۱. از ویکی‌پدیا، دانش‌نامه آزاد.

۲. نسخه E-Book

بررسی جامعه آماری

جامعه این تحقیق، مراجعان مسجد مقدس جمکران در سه‌شنبه شب‌ها (شب‌های چهارشنبه) و روزهای جمعه در سال ۱۳۹۱ هستند. به منظور تعیین حجم نمونه از راهبرد (استراتژی) حداکثر گونه‌گونی استفاده شد. راهبرد حداکثر گونه‌گونی مستلزم این است که پیشاپیش، معیاری برای تفکیک محل‌ها یا مشارکت‌کنندگان تعیین کرد و سپس محل‌ها یا مشارکت‌کنندگانی را انتخاب کرد که کاملاً از نظر این معیار (ها) متفاوت باشند. غالباً این رویکرد بدین سبب اتخاذ می‌شود که وقتی پژوهش‌گر تفاوت‌ها را در آغاز مطالعه، حداکثر می‌سازد احتمال این که یافته‌هایش منعکس‌کننده تفاوت‌ها یا نگاه‌های متفاوت باشند (یکی از آرمان‌های پژوهش‌های کیفی) بیش‌تر می‌شود (کرسول، ۱۳۹۱: ۱۵).^۵ به علت کثرت مراجعان و تنوع قشری و طبقاتی، ملیتی، جنسیتی، پوششی و... ابتدا طبقه‌بندی کیفی‌ای براساس شاخص‌ها و عواملی مانند جنسیت، سن تقریبی، پوشش ظاهری، ملیت، و غیره تعریف شد. به منظور تعیین گونه‌گونی جامعه آماری با مشاهده میدانی، شاخص‌های کیفی تفکیک مراجعان به طور دقیق استخراج شد. سپس نمونه‌ها براساس تنوع گروه‌های کیفی که در جامعه آماری شناسایی شدند با راهبرد موردهای دم‌دستی انتخاب گردیدند. استراتژی موردهای دم‌دست حاکی از انتخاب محل‌ها یا افرادی است که پژوهش‌گر می‌تواند به راحتی به آن‌ها دست یافته و به آسانی داده‌ها را گردآوری کند (همان: ۱۵۵). تعداد کل نمونه‌ها ۳۰ نفر بودند. در این تحقیق روشی که برای گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت، مصاحبه روایی و استفاده از روایت زندگی مصاحبه‌شوندگان است، که یک روش کیفی است. روایت‌ها این امکان را به محقق می‌بخشند تا به شکل جامعی به جهان تجربیات، هرچند ساختار یافته مصاحبه‌شوندگان نزدیک شود... مصاحبه روایی، روش کارآمدی است و نسبت به سایر شکل‌های ارائه داده، اطلاعات غنی‌تری از روی داده‌ها و تجربیات به دست می‌دهد (فلیک ۱۳۸۷، ۱۹۲-۱۹۵).

همان‌گونه که اشاره کردیم تعداد کل مصاحبه‌شوندگان ۳۰ نفر و تعداد زنان و مردان مصاحبه‌شده برابر و هر کدام ۱۵ نفر بوده‌اند. میانگین سنی کلی افراد مصاحبه‌شده ۳۳ سال، میانگین سنی گروه زنان ۲۷ سال و مردان ۳۸ سال است. از نظر شهر محل سکونت مصاحبه‌شوندگان، بیش‌ترین پراکندگی جغرافیایی در حوزه استان‌های شرقی و مرکزی کشور مشاهده شد. یعنی بیش‌تر مصاحبه‌شوندگان از استان‌های سیستان بلوچستان، کرمان،

مرکزی، تهران، فارس، گلستان، اصفهان، قم و سمنان بوده‌اند. تعداد کم‌تری از مصاحبه‌شوندگان از استان‌های قزوین، البرز، زنجان، و کهکلوپه و بویراحمد بوده‌اند. به منظور دست‌یابی به «ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی» فرد مصاحبه‌شونده، سولاتی در مورد شغل و تحصیلات‌شان، میزان دارایی و درآمد و... از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد. با عنایت به این‌که این پژوهش به روش کیفی انجام شده است، سولات به‌گونه‌ای طرح شده‌اند که مصاحبه‌شونده فارغ از نیاز به اعلام کمی سطح درآمدش، بتواند در مورد سطح اقتصادی‌اش تا میزان بالایی، دقیق، اعلام نظر نماید. در عین حال در مواردی که احتمال این داده می‌شد که مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده در مورد وضعیت اقتصادی فرد، برداشت یکسانی نداشته باشند با سولات جزئی‌تر به مسئله پرداخته شد. طبقه اقتصادی مصاحبه‌شوندگان، برحسب نوع و میزان برخورداری از امکانات و تسهیلات رفاهی در منزل و امکان دسترسی به خدمات رفاهی بهداشتی و امکانات و تسهیلات آموزشی تفریحی در جامعه، تعریف گردید. براساس این ویژگی‌ها و با توجه به متن مصاحبه‌ها، و نوع ارتباط مصاحبه‌شوندگان با موضوع منجی‌باوری و اعتقاد به امام زمان عجله الله بفرجه، آن‌ها را به چند گروه دسته‌بندی کردیم.

شرح

اولین گروه افرادی هستند که می‌توان حضورشان در این مسجد را با حاجت خواستن، جهت رفع مشکلات زندگی روزمره‌شان پیوند زد. این افراد در زندگی‌شان معمولاً تجربیات لذت‌بخش یا دردناکی را تجربه کرده‌اند، این تجربیات با توسل به امام زمان عجله الله بفرجه و گرفتن حاجت همراه بوده است، و بیش‌تر مربوط به مسائل شخصی فرد است و در تقویت باور منجی‌گرایانه او مؤثر بوده است. چون این تجربیات غالباً با پیش‌زمینه‌های اعتقادی فرد شکل گرفته‌اند، لذا اغلب افراد بر اساس طرح‌واره‌های تفسیری - دینی، آن‌ها را تبیین می‌کنند. گروه دوم شامل مصاحبه‌شوندگانی می‌شود که حضور آن‌ها در مسجد جمکران، مبتنی بر اعتقادات دینی فرد بوده است و با نیت کسب اجر اخروی یا کسب رضایت امام زمان عجله الله بفرجه اتفاق می‌افتد. آن‌ها حضورشان در این مسجد را یک فعل اعتقادی می‌دانند که نتیجه این کنش، علاوه بر تأثیر در زندگی دنیوی آن‌ها، بیشتر در آخرت و زندگی اخروی او مؤثر دانسته می‌شود. گروه آخر شامل افرادی است که حضورشان در مسجد جمکران انتخابی نیست و به دلایل مختلفی مثل در مسیر مسافرت بودن این مسجد، یا مسائل شخصی دیگری بوده است که به مسجد آمده‌اند.

گروه اول

افرادی که براساس دسته‌بندی ما در گروه اول قرار گرفته‌اند، خواستن حوائج و رفع مشکلات در متن مصاحبه‌شان پررنگ بوده است. در واقع، این‌گونه می‌توان تحلیل کرد که حضورشان در این مسجد برای حاجت خواستن بوده است. یکی از عمده‌ترین دلایل حاجت‌مندی، عدم دسترسی یا نابرخورداری فرد از یک سری از مواهب است. نزدیک‌ترین مفهوم نظری که در توضیح این عامل به کار می‌آید، مفهوم محرومیت است. برای محرومیت از تعریف‌های استارک و گلاک استفاده می‌کنیم. آن‌ها نابرخورداری از یک سری معیارها را به عنوان محرومیت تعریف کرده‌اند که در پنج نوع قابل دسته‌بندی است: هر طریقی که فرد یا گروهی در مقایسه با افراد یا گروه‌های دیگر یا در مقایسه با مجموعه درونی شده‌ای از معیارها، نابرخودار باشد یا احساس حرمان کند؛... [محرومیت] اقتصادی و اجتماعی (منزلت، قدرت و پایگاه)؛ ارگانیک (معلولیت جسمانی یا ذهنی)؛ اخلاقی (اشاره به تضادهای ارزشی و ناخشنودی از آرمان‌های جامعه)؛ روانی (فقدان التزام به ارزش‌های موجود، مثل بی‌هنجاری) (تامسون، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۱۱). برای بیان تفاوت این محرومیت‌ها گلاک اشاره می‌کند:

محرومیت اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که شخص، وضعیت مالی دشواری دارد یا فقیر است. محرومیت اجتماعی دلالت بر این دارد که شخص به انواع کالاها و کیفیاتی که در جامعه به آن بسیار بها داده می‌شود، دسترسی کمی دارد. مرد بودن، سفید بودن، جوان بودن، به لحاظ دانشگاهی موفق بودن؛ قدرت و اعتبار می‌آورند. محرومین در میان زنان، غیرسفیدپوستان، سالخوردگان و کسانی که به لحاظ تحصیلات ناموفق‌اند، یافت می‌شوند.... محرومیت ارگانیک به این معنا است که برخی به خاطر بیماری یا ناتوانی‌های جسمانی، در وضعیت بدتری نسبت به دیگران قرار دارند. محرومیت اخلاقی، تجربه افراد از تضاد بین نظام ارزشی شخصی‌شان و نظام ارزشی جامعه آن‌ها است و کشف این که نظام ارزشی شخصی، توسط جامعه پذیرفته نیست؛ برای مثال، زمانی که فرد یا گروهی از مردم - خواه به طور مستقیم و یا از طریق واسطه - احساس می‌کند که در بنبوچه زوال اخلاقی تهدیدکننده قرار دارد. آخرین شکل محرومیت طبق فهرست گلاک، محرومیت روانی است که زمانی اتفاق می‌افتد که افراد، نظام تفسیر مناسبی برای جهت‌دهی به خود، در این جهان در اختیار ندارند (Φυρσετη ανδ Ρεπισταδ, 2006). برای این که به لحاظ روش‌شناسی دچار مصادره به مطلوب داده‌ها نشده باشیم، فقط کسانی را محروم تلقی کردیم که در مصاحبه‌هایشان یکی از

اشکال محرومیت، آشکارا و به تأکید بیان شده باشد؛ یعنی بیش‌تر به جای محرومیت واقعی^۱ به محرومیت احساس شده^۲ استناد کرده‌ایم. محرومیت احساس شده، احساس و درکی است که فرد از وضعیت‌اش دارد که گاه ممکن است در شرایط مشابه، آن وضعیت از نظر یک فرد، محرومیت و از دید فرد دیگر، محرومیت تلقی نشود. جمعاً تعداد ۱۷ نفر از زنان و مردان مصاحبه شده در این گروه قرار گرفتند که از این تعداد ۷ نفر مرد و ۱۰ نفر زن بوده‌اند.

بررسی ویژگی‌های منجی دوران ظهور از منظر افراد گروه اول

برای این که از منظر مصاحبه‌شوندگان، ویژگی‌های امام زمان عجله الله تعالی فرجه را دریابیم، علاوه بر سؤالاتی که در کل مصاحبه به صورت غیرمستقیم به این موضوع مرتبط می‌شد، سؤال «چه تصویری از امام زمان عجله الله تعالی فرجه دارید؟» و «دوران ظهور از نظر شما چگونه است؟» از آن‌ها پرسیده شد، که در این قسمت به پاسخ‌های افرادی که در گروه اول قرار گرفته‌اند می‌پردازیم. آن‌ها خصوصیتی را برای امام برشمردند که از چند جنبه قابل تأمل است. اغلب آن‌ها به ویژگی‌هایی از ایشان اشاره کردند که بیش‌تر در ارتباط‌های دوستانه مورد توجه‌اند؛ مانند مهربانی فراوان، احساس پشتیبانی و حمایت، دوست واقعی، خضوع، اجابت حاجت، شنونده خوب برای همه کس و همه حرف‌ها، باگذشت و توجه به همه آدم‌ها. این افراد به خصوصیتی اشاره کرده‌اند که معمولاً انسان‌ها در یک ارتباط دوستانه مورد توجه قرار می‌دهند؛ ویژگی‌هایی که در یک ارتباط دوستانه مخصوصاً اگر از سوی مقابل باشد خیلی اطمینان‌بخش و آرامش‌دهنده است. این نوع ارتباط به صورت بسیار مشهودی در بین زائران مصاحبه شده این گروه مشاهده می‌شود.

م: از امام زمان عجله الله تعالی فرجه چه ویژگی‌هایی توی ذهنت است؟ یعنی امام زمان عجله الله تعالی فرجه را چه طوری تصور می‌کنی؟

پ: یه بابای مهربون.

م: مثل بابات؟

پ: شاید مهربون‌تر از بابای خودم. که همیشه دوست دارم دست‌اش رو روی سرمون بکشه

(مصاحبه ششم).

1. actual deprivation

2. felt deprivation

۳. حرف "پ" به جای کلمه پاسخگو و حرف "م" به جای مصاحبه‌کننده استفاده شده است.

م: آره. به نظرت چه جوریه امام زمان علیه السلام؟

پ: امام زمان علیه السلام به نظر ما خیلی هم خوبه.

م: چه جوریه مثلاً؟

...

پ: او هم بشر است مثل ما زحمت کشیده به درجه رسیده. بشری است مثل خودمون.

(مصاحبه هفتم).

م: کلاً از امام زمان علیه السلام... چه تصویری ازش داری حتی قیافه ظاهری؟ که بیاد چیه توی

ذهنت؟ امام زمان علیه السلام چه ویژگی‌هایی داره؟

پ: قیافه که هیچ وقت تو ذهنم ترسیم نکردم که مثلاً قیافه‌اش این جوریه باشه. ولی فکر

می‌کنم خیلی باید مهربون باشه (مصاحبه هشتم).

م: از امام زمان علیه السلام چه تصویری داری، فکر می‌کنی چه جوریه باشه و چه خصوصیتی‌اش

خیلی ویژه است خیلی بارزه، یک آدمی که مثلاً با چه ویژگی‌هایی؟

پ: یک جور آدمی که من خیلی دوست دارم با همچین آدم‌هایی رابطه داشته باشم، یک

آدمی هست که خیلی عظمت داره و خیلی بزرگه، ولی با اون عظمتش حرف‌های کسایی که دور

و برش هستن رو گوش می‌ده، من یک همچین شخصیتی رو خیلی دوست دارم.

م: یعنی چی، یعنی مهربونه.

پ: خیلی مهربونه. (مصاحبه هفدهم).

ویژگی دیگری که بسیاری از افراد به آن اشاره کرده‌اند و آن را از اهداف ظهور ایشان نیز

دانسته‌اند، برپایی عدالت در جامعه است؛ به نوعی که همه افراد یکایک، از آن برخوردار

خواهند شد، یعنی عدالتی فراگیر که همه اعضای جامعه با هر سطح از موقعیت اجتماعی یا

اقتصادی و تحصیلی بتوانند در حد درخورشان بدون هیچ اجحافی از آن بهره‌مند شوند.

به عبارت دیگر آن‌ها اشاره می‌کردند که کاستی‌ها و نابرخورداری‌هایی که فعلاً به دلایل متفاوتی

بسیاری از افراد با آن مواجه‌اند با ظهور امام زمان علیه السلام و مدیریت و حسن رفتار و صداقتی که

خواهند داشت، رفع خواهد شد و همه به عدالت از مواهب برخوردار خواهند شد.

ویژگی‌های برشمرده بالا مبتنی بر زندگی روزمره افراد بوده است و غالباً بر حسب این که چه

نوع حرمانی در زندگی‌شان وجود داشته، ویژگی‌های دوره ظهور ایشان را به نوعی مرتبط با آن

محرومیت تبیین کرده‌اند. به صورت نمونه به تعدادی از این اظهارات اشاره می‌کنیم:

م: چه تصویری از زمانی که بیایند داری؟

پ: ان شاء الله وقتی بیاید دنیا پر از عدل و داد می شود. (مصاحبه اول).

پ: خوب همه جا پر از عدل داد می شه دیگه.

م: یعنی چی؟

پ: یعنی عدالت تو همه جای دنیا برقرار می شه. نه تنها ایران. در همه جای دنیا عدالت

برقرار می شه.

م: عدالت یعنی چی؟

پ: عدالت یعنی این که یک سهمی را ببرند. مثلاً اگر قرار باشه خونه... همه خونه باید

داشته باشند...

پ: مثلاً من نمی گویم که... اصلاً خودم را مثال می زنم. من حقوقم این قدره، واقعا این

حقوقم خیلی کمه. به نظرم امام زمان بیاید یک برنامه ای می چیند یک کاری انجام می دهد که

ماهایی که این قدر ضعیف هستیم یک مقدار بیایم بالا. یعنی از نظر مالی بیایم بالا (مصاحبه

چهارم).

پ: نه دیگه آقا را ببینیم اون موقع با خود آقا مستقیم درد دل می کنم.

م: فکر می کنی که اگر به شکل دائم ان شاء الله بیایند یعنی در واقع ظهور بکنند چه اتفاقی

می خواهد بیفتد؟

پ: آقا ان شاء الله ظهور کنه آقا می آیند برای عدالت. در جهان عدالت برقرار کنه.

م: عدالت یعنی چی؟

پ: حق به حق دار برسه دیگه. ظلم و ستم برن کنار دیگه. جامعه...

پ: دیگه اگه آقا بیاد... حق مون... شاید نشه بگیره ولی خوب حداقل بیاد از این وضع در

می آییم دیگه...

پ: یعنی ظلم برچیده بشه یعنی حق به حق دار می رسه...

پ: ولی فرهنگ ظلم برچیده می شه. فرهنگ امام زمان ان شاء الله بیاد دایر بشه درست

می شه. (مصاحبه پنجم).

م: بعد ان شاء الله ظهور کنند چه اتفاقی قراره بیفتد؟

پ: ان شاء الله اتفاق مطمئناً خیلی خوبی می افته.

م: چی مثلاً؟

پ: اتفاق خیلی خوبی هم می‌افتد اکثر آدم‌ها هم دوست ندارند این اتفاق بیفته. چون می‌گن امام زمان ظهور کنه آدم‌هایی که ظلم می‌کردند ریشه‌شون کنده می‌شه. اون‌هایی که به هر دلیلی گران‌فروشی، دزدی، تهمت، گناه، هر چی. امام زمان باهاشون مبارزه می‌کنه خیلی دوست ندارند امام زمان ظهور کنه. به خاطر همین. ولی ما که این چیزها تو کارمون نیست، خیلی دوست داریم امام زمان ظهور کنه (مصاحبه هشتم).

پ: بیاد سرو سامونی به زندانی‌ها بده و از دست چیزها چی می‌گن؟... از همین دو جووری و

...

پ: همه نجات پیدا کنند (مصاحبه دهم).

پ: حداقل، حداقلش اینه که همه جای دنیا مثل جمکران می‌شه برا آدم، این که آدم آرامش داره و هر چی هم که مشکل داشته باشه اون موقع امام زمان قشنگ می‌تونه با آدم حرف بزنه و چه جووری بگم، مثلاً یکی که آدم گاهی وقت‌ها بهش احتیاج داره و بخواد باهاش حرف بزنه و ایشون هم راه حل بدن، چه جووری بگم آرامش دیگه، کلاً واسه آدم همه جا هست.

...

پ: نه، مشکل داره آدم کلاً... آره، شاید ولی باز هم با تمام این‌ها آدم یک آرامش داره، این آرامشه نمی‌ذاره که آدم عصبانی بشه، یا ناامید بشه... آره حل می‌شه این طوری، مثلاً این آرامش رو داره که اگه حل نشه یکی هست که اگه بره پیش امام زمان جوابش رو بده،... (مصاحبه هفدهم).

خصوصیات مذکور توسط این افراد کم‌تر با خصوصیات آورده شده برای امام زمان در منابع مرتبط هماهنگ است. خصوصیات مانده: امام معصوم، انسان کامل، خون‌خواه امام حسین علیه السلام و غیره. اگر چه به عنوان انسان کامل، برای ایشان برخی از خصوصیات اشاره شده را این کتب ذکر کرده‌اند، اما نوع ارتباطی که افراد این گروه با این ویژگی‌ها برقرار می‌کنند، کم‌تر در آن کتب ذکر شده است.

علاوه بر ویژگی‌های بالا، تعدادی از افراد این گروه، ویژگی دیگری که برای ایشان اشاره نمودند نظارت و اشراف امام زمان علیه السلام بر پرونده رفتاری شیعیان‌شان است. آن‌ها اشاره کرده‌اند که آخر هر هفته پرونده‌های ما به دست ایشان می‌رسد و باید رفتاری داشته باشیم که مورد تایید امام زمان علیه السلام باشد یا این که هر ساله در شب قدر، مقدرات انسان‌ها توسط ایشان امضاء می‌شود:

پ: به خاطر این که می‌دونیم دیگه، به این اعتقاد داریم که روزانه پرونده ما به دست امام زمان می‌رسه، ولی خوب ما تو روزمره‌گی‌هامون این رو احساس نمی‌کنیم ولی وقتی این جا می‌آییم این رو واقعا احساس می‌کنیم.

...

پ: وقتی پاتو می‌ذاری تو مسجد از در ورودی می‌آی تو، اون حال و هوا رو، انگار یک چیزی بهت منتقل می‌شه و یک چیز بزرگی رو احساس می‌کنی و یاد همه گناهایی که تو هفته کردی به دست شون رسیده، یک جورایی نارحت می‌شی دیگه (مصاحبه یازدهم).

در یک مورد هم یکی از مصاحبه‌شوندگان این گروه امام زمان علیه السلام را قطب عالم امکان معرفی کرد و بودن و ثبات جهان را به وجود ایشان وابسته دانسته است. این ویژگی‌ها بیشتر از موارد قبلی بر زمینه‌های اعتقادی افراد مصاحبه شده، اشاره دارد و به کتاب‌ها و مستندات مذهبی شیعه نزدیک تر است.

در مورد وجود امام زمان علیه السلام و جایگاه ایشان نیز اغلب مصاحبه‌شوندگان این گروه، امام زمان علیه السلام را به عنوان واسطه زمینی بین انسان و خدا می‌دانند که این تصور، منطبق با فرآزی از دعای ندبه است: «أَيُّنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلَ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» مصاحبه‌شونده شماره ۲ می‌گوید:

پ: امام زمان این لحظه‌های حرف زدیم با خدا حضور داره. می‌دونی احساس می‌کنم امام زمان واسطه بین من و خداست. یعنی یک جوروی مهربونانه... می‌دونید من امام زمان را واسطه قرار می‌دهم چون می‌دونم امام زمان پا که. من خیلی ناقصم ولی ناامید نیستم. هر چند یک وقت شیطان می‌ره تو جلدم ناامید هم می‌شوم. ولی این را می‌دونم که یک زمانی ممکنه به خاطر من این را بهم نده. ولی به حرمت امام زمان به خاطر این که امام زمان را خیلی دوستش داره، به حرمت او به من جواب رد نمی‌ده (مصاحبه دوم).

یا نفر دیگری معتقد است که:

پ: ... رسیدن به خدا وسیله می‌خواهد دیگه. ائمه هم وسیله‌اند. امام زمان را وسیله قرار می‌دهیم (مصاحبه پنجم).

۱۰۱

هم چنین افراد این گروه در مورد دوران ظهور و حکومت ایشان اشاره کرده‌اند که امام زمان علیه السلام برای جنگیدن و خون‌ریزی نمی‌آیند و دوران ظهور همراه با صلح و آرامش است، و در مورد موضوع خون‌خواهی برای امام حسین علیه السلام که در دعاهای مختلفی از جمله دعای ندبه مذکور است، تعدادی شان به صورت کاملاً تلویحی به آن اشاره کرده‌اند. نمونه‌هایی از متن

مصاحبه‌های این گروه در این باره در ذیل آورده شده است.

پ: آقا می‌آید دشمنان را با شمشیر گردن می‌زنه؟ ... نه این چیزی که می‌گن نیست... نه این که بدون چی باشه... ولی آقا برای جنگ که نمی‌آیند. برای خون‌ریزی هم نمی‌آیند. شاید یک قسمتی هم باشد. می‌آید برای صلح و این‌ها. ولی یک قسمت‌اش هم هست دیگه... آره. دیگه. شاید نیاز باشه. ولی نه این که آقا برای جنگ بیاد نه. برای صلح و عدالت می‌آید. ولی خوب یک گوشه‌ای‌اش هم ممکنه چنین اتفاقاتی بیفته (مصاحبه پنجم).

یا مصاحبه‌شونده شماره نوزدهم که طلبه است در این مورد اشاره می‌کند:

پ: ... خیلی‌ها شاید فکرشون این باشه که امام زمان که اومد کل گناه‌کارها رو گردن می‌زنه. حتی اگر کسی یک گناه انجام داده باشه گردن می‌زنه. ولی این طوری نیست. رأفت امام زمان، کریم بودن ایشان و رحیم بودن شون، شاید اجازه نده که چنین اتفاقی بیفته، مطمئناً در ایام ظهور این طوری نیست که حکومت امام زمان همه مردم جهان شیعه شده باشن. ما حتی هنوز که هنوز اقلیت‌های مسیحی و یهودی داریم که هنوز تو دین قدیمی شون موندن و اسلام را نپذیرفتن. یعنی ظهور امام زمان مصداق این نیست که اختیار از بین بره و همه جبرگرا بشن، و همه مجبور بشن که تابع امام زمان بشن نه این طور نیست، ولی خوب حکومتی رو امام زمان به وجود می‌آره که در طول تاریخ بشر اون حکومت نبوده (مصاحبه نوزدهم).

یعنی مصاحبه‌شوندگان این گروه تصویری که از دوره ظهور ایشان و از خصوصیات ایشان دارند، برقراری حکومتی همراه با رأفت و آرامش و بدون خون‌ریزی است. در واقع، تصویر و تصور آنان از امام زمان علیه السلام، مندرج در زندگی شخصی آنان و نوع ارتباط خاص شان با مضامین و شخصیت‌های دینی شان است. به عبارت دیگر، مفاهیم و مضامین دینی با درگیری‌های دیگر زندگی روزمره اشخاص، پیوند می‌خورد و شخصی‌سازی می‌شود.

گروه دوم

این گروه شامل مصاحبه‌شوندگانی است که حضورشان در مسجد جمکران مبتنی بر اعتقادات دینی بوده است و با نیت کسب اجر اخروی یا کسب رضایت خدا و امام زمان علیه السلام اتفاق افتاده است. آن‌ها حضورشان را یک فعل اعتقادی دانسته‌اند که نتیجه این کنش، علاوه بر تأثیر در زندگی دنیوی آن‌ها، بیشتر در زندگی اخروی آن‌ها مؤثر است. تعداد افراد این گروه ۱۱ نفر شامل ۴ زن و ۷ مرد است. این‌ها به طور عمده حضور در مسجد را با تفسیری دینی تبیین کرده‌اند. وجه تمایز این گروه با گروه اول در این است که افراد این گروه کم‌تر به حاجت‌های

مربوط به زندگی روزمژه‌شان اشاره کرده‌اند. اغلب آن‌ها گفته‌اند که ذخیره ثواب این اعمال دینی و زیارت را برای دنیای آخرت خویش می‌خواهند.

بررسی ویژگی‌های منجی و دوران ظهور از منظر افراد گروه دوم

مصاحبه‌شوندگان گروه دوم در پاسخ به سؤالاتی در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات امام زمان علیه السلام، به انسان کامل بودن ایشان اشاره کرده‌اند، انسانی که به کمال رسیده است. اغلب این افراد با این که بهترین ویژگی‌ها را برای ایشان قائل هستند، اما معتقدند که امام زمان علیه السلام این ویژگی‌ها را به صورت اکتسابی بدست آورده است و به خاطر مقامی که به این لحاظ کسب کرده‌اند، در پیش‌گاه خدا آبرومند هستند. برخی اشاره کرده‌اند که او مانند سایر ائمه یا پیامبر بهترین خصوصیات را دارد و تعداد محدودی دقیقاً به معصومیت ایشان اشاره کرده‌اند. هم‌چنین احساس پشتوانه بودن و حمایت‌گری ایشان را نیز نفر دیگری اشاره کرده است. به نظر می‌رسد دیدگاه افراد این گروه نسبت به امام زمان علیه السلام بیشتر با دیدگاه‌های اعتقادی که از طریق رسانه‌ها یا کتب اعتقادی مطرح می‌شود، نزدیک‌تر است. هم‌چنین تعدادی از افراد این گروه در مورد موضوع خون‌خواهی امام حسین علیه السلام و جنگ با دشمنان به صورت فیزیکی اشاراتی داشته‌اند که از این جهت نیز نظرات افراد این گروه با دیدگاه‌های رایج اعتقادی و مکتوب شیعی، سازگارتر است. نمونه‌هایی از مصاحبه‌های گروه دوم در زیر آورده شده است.

پ: محال ممکن است که این جوری باشد. امام زمان... پیغمبر وقتی که آمد مدینه منوره را بنا کرد مدینه فاضله را بنا کرد. ما نداریم که پیغمبر قبل از نصیحت کسی تیغ گذاشته باشد. ما نداریم قبل از نصیحت کسی امیرالمومنین شمشیر برداشته باشد برای جنگ. ما نداریم قبل از توصیه امام حسن شمشیر گذاشته باشد برای جنگ. خوب امام زمان هم بیاد همین است. آنی که گفته می‌شود نگاه کن، انسان‌ها انسان‌هایی‌اند که منطقی‌اند. عقل، عقل انسان در وجودش یک برتری دارد نسبت به حیوان. خوب امام زمان وقتی بیاد. می‌گویند امام زمان با علم لدنی می‌آید امام زمان وقتی می‌آید با علم حضور می‌آید. یعنی وقتی جناب‌عالی می‌نشینید کنار امام زمان، امام زمان می‌داند که شما چه کاره هستید. ما داریم وقتی امیرالمومنین قضاوت می‌کرد قضاوت‌اش از روی اجتماع بود. قضاوتش از روی منشور اجتماعی بود. ولی وقتی امام زمان بیاید قضاوتش از روی منشور الهی است. یعنی چی؟ یعنی جناب‌عالی که نشسته‌اید کنار امام زمان می‌داند که شما صاحب حق‌اید یا نه؟ و حق را به حق‌دار می‌دهد و آن علمی‌را که خدا بهش داده از آن استفاده می‌کند. داشتند اهل بیت از این علم، اما حق استفاده‌اش را نداشتند.

امام زمان که می‌آید حق استفاده را دارد. انسان‌ها انسان‌های منطقی‌اند وقتی امام زمان داره باهاشون با منطق صحبت می‌کنه و از آن ورهم جنبه‌های دیگر را می‌دونه مطمئناً خیلی خیلی کم پیش می‌آید که کسی ازش تمرد بکنند. آن‌هم که یک بحث‌هایی می‌شود راجع به شمشیر ما داریم در خود قرآن که می‌گوید بین یهود و مسیح تا قیام قیامت جنگه. خوب امام زمان قبل از قیامت می‌آید یعنی هنوز جنگ‌هایی هست. هنوز یک سری مشکلاتی هست. هنوز کسانی هستند که به اسلام روی نیاورده‌اند. پس امام زمان اگر بخواهد تیغ بکشد شمشیر بکشد باید یهود و نصارا را از بین ببرد چون آن‌ها حرف امام زمان را گوش نکرده‌اند پس یک چیزهایی هست که وقتی امام زمان می‌آید یک مدینه فاضله‌ای تشکیل بدهد که همه مردم دریا به قول گفتنی گرگ با میش کنار هم سازگاری داشته باشند. آن‌هم به خاطر منطقی است که در وجود همه انسان‌ها هست...

می‌تونه امام زمان... می‌دونید... به قول گفتنی در احادیث ظهورش می‌گوید که مردم کل جهان انتظار می‌کشند که یک نفر بیاید منجی بشود وقتی انتظار می‌کشند یک نفر بیاید منجی بشود ما داریم وقتی به تاریخ هم مراجعه می‌کنیم زمان خلفا وقتی سه خلیفه... حذف شدند از این دنیا، مردم رجوع کردند به امیرالمومنین. یعنی انتظار می‌کشیدند برای این. پس تابع امیرالمومنین شدند. حالا آن سیاست و اتفاقاتی که در این ۵ سال چه شد و نشد کاری به این‌ها نداریم. ولی این هم هست وقتی انتظار بکشند که یک منجی بیاید مطمئناً تبعیت می‌کنند از منجی. وقتی که منجی ندا سرداد که جاء الحق و زهق الباطل در کنار کعبه داریم که مردم حرکت می‌کنند یک قدم که بردارند به کعبه می‌رسند. طبق احادیث هست. انتقام هم مطمئناً هست چون در دعای ندبه خوانده می‌شود که این طالب بدم المقتول در ندبه گفته می‌شود. احادیثی هم که داریم این انتقام گرفته می‌شود که دل شیعیان خنک شود. الان می‌بینید که کل جهان شیعه را متهم می‌کنند به عزادار. می‌گویند شیعیان دائم در ماتم‌اند. می‌آیند این انتقام را بگیرند که دل شیعیان خنک بشه. که از آن حالت ماتم‌زده‌گی خارج شوند کنند. (مصاحبه سوم).

این مصاحبه‌شونده در قسمتی از مصاحبه‌اش به عقلانی شدن جامعه دوران ظهور اشاره می‌کند اما به لحاظ اعتقادی تفسیرش این است که چون در دعاها وارد شده که خون خواهی امام حسین علیه السلام اتفاق می‌افتد، بنابراین معتقد است که در دوران ظهور آن انجام خواهد شد. م: ... و حالا تو جهانی، و حالا امام زمان ان شاء الله می‌خوان بیان قراره چه اتفاقی بیفته؟

پ: عدالت برقرار می‌شه.

م: چه جوری، یعنی در واقع شما می‌گید، ایشون تشریف می‌ارن، بگید چه اتفاقی می‌افته، ما یک چیزه کلی می‌گیم عدالت، اون عدالته چه جوری می‌خواد اتفاق بیفته، چی می‌خواد بشه؟

پ: دقیقاً مثل دیشب که سریال یوسف پیامبر و که نگاه می‌کردیم...

پ: که ثروتمندان و غنی‌ها رو اونائی که پولاشون رو مفت و مجانی به دست می‌آوردن، اونا رو کشید پایین و فقراء رو کشید بالا، همه رو یک‌سان کرد. (مصاحبه هیجدهم)
م: بعد در هر حال بعد از این انتظار به نتیجه برسه و ایشون تشریف بیارن چه اتفاقی می‌افته؟

پ: وا... زمانی که خود آقا تشریف بیارن آدم به قول معروف سر منشأ خودش و جایگاه خودش رو می‌شناسه. خودش رو بهتر می‌شناسه که اصلاً واسه چی اومده و...
...

پ: خب وقتی یک انسان کامل رو زمین باشه خیلی فرق می‌کنه تا وقتی که با واسطه یک کاری بکنیم. وقتی یک استاد درجه یک هست چرا از یک استاد درجه ۲ و ۳ استفاده کنیم. وقتی سر منشأ فیض و انسان کامل رو پیدا کردیم خوب می‌تونیم مسیر پیش‌رفت رو چند پله چند پله برویم وقتی که او این جاست.
م: یعنی شما فکر می‌کنید...

پ: یعنی اون موقع آن قدر آدم ظرفیتش بالا می‌ره و خودش رو می‌شناسه که همه می‌شن گل دیگه و کسی خار نمی‌بینه. (مصاحبه بیستم)

پ: ویژگی مثلاً اخلاقی، رفتاری که چیزهایی که راجع به حضرت رسول شنیدیم ائمه معصوم شنیدیم، ذهنیت مون اینه که ایشون هم همین‌جوره دیگه. حالا از نظر مهربونی، از نظر دقت تو رفتار. دقت به دیگران. توجه به اطرافیان. اینا رو نظرمون اینه که خب هرچی که از معصومین گفته شده خب ایشون در همون حد باید باشن قاعداً. (مصاحبه بیست و پنجم)

م: ان‌شاءالله ایشون تشریف بیارن، به نظرتون چه اتفاقی میفته؟

پ: حق مظلوم از ظالم گرفته می‌شه. سراسر جهان پر عدل و داد می‌شه، هیچ‌کسی به هیچ کس دیگه‌ای ظلم نمی‌کنه و انتقام خون امام حسین گرفته می‌شه، یعنی اون آرامشی که باید روی کره زمین برقرار بشه، می‌شه.

م: به نظرتون چه جوری، ...

پ: راجع به این که چه جوری حکومت کنن که می‌گن که مرکز خلافت ایشون کوفه هستش، ولی خوب امام زمان خودش به تنهایی که نیست و یار داره و همون ۳۱۳ تا که می‌گن، اون سردارهاش هستن و دوباره اون‌ها یک سری افراد دیگه می‌گیرن و بعد امام زمان که می‌آد خودش دوباره شروع می‌کنه به تبلیغ دین اسلام و یک سری‌ها دوباره راه‌نمایی می‌شن، وقتی امام زمان، الان یک سری دین‌ها هستن مثل دین مسیحیت، براین باورند که حضرت مسیح به بعد رو دیگه قبول ندارن و حضرت مسیح کشته شده و دیگه قبول ندارن، وقتی امام زمان ظهور می‌کنه، حضرت مسیح هم باهاش ظهور می‌کنه و یک سری دین‌ها مثل مسیحیت خودشون هدایت می‌شن، خب این خودش یک تبلیغی می‌شه و یک سری دین‌شون کامل‌تر می‌شه

م: یعنی به واسطه اومدن حضرت مسیح اون‌ها هم می‌آن به سمت امام زمان؟

پ: بله اون‌ها هم می‌آن، خب یک سری اون‌ها دین‌شون کامل می‌شه و یک سری‌ها وقتی واقعیت امام زمان رو می‌بینن و حقانیت رو می‌بینن و یک سری‌ها اون‌ها خودشون هدایت می‌شن، (مصاحبه بیست و هفتم)

مصاحبه‌شونده بیست و هفتم در صحبت‌هایش به بازگشت حضرت عیسی علیه السلام و هدایت افراد از جمله مسیحیان اشاره می‌کند. این تعابیر به منابع اعتقادی نزدیک‌ترند.

نتیجه‌گیری

در زمینه ویژگی منجی (امام زمان علیه السلام) از نگاه مصاحبه‌شوندگان می‌توان دو نوع روی کرد در بین گروه‌ها شناسایی کرد: گروه اول به ویژگی‌هایی برای امام زمان علیه السلام اشاره کرده‌اند که بیشتر در ارتباط‌های شخصی افراد با هم به‌کار گرفته می‌شوند؛ مانند فردی بسیار مهربان، پشتیبان و حامی، دوست واقعی، خاضع، اجابت‌کننده حاجت، شنونده خوب برای تمام صحبت‌های آدم‌ها، و باگذشت. این خصوصیات ویژگی‌هایی است که در یک ارتباط دوستانه مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد و فردی با این ویژگی‌ها از بهترین دوستان محسوب می‌شود. بنابراین، نوع ارتباط گروه اول با امام زمان علیه السلام یک نوع ارتباط شخصی است. افراد این گروه برای توصیف ایشان به جز تعداد معدودی، کم‌تر از تعابیر و صفاتی استفاده کرده‌اند که در کتب شیعی برای امام زمان علیه السلام ذکر شده است؛ گرچه بعضاً تعابیر دیگری مثل قطب عالم امکان و واسطه

زمینی بین انسان و خدا هم به کار برده‌اند.

این افراد در خصوص ویژگی دوران ظهور امام زمان علیه السلام هم معمولاً به برپایی عدالت و برخورداری همه افراد ذی حق، از حق‌شان اشاره کرده‌اند. اما غالباً برحسب این که چه نوع حرمانی در زندگی فرد وجود داشته است، ویژگی‌های امام زمان علیه السلام در دوره ظهور ایشان را به نوعی مرتبط با آن حرمان تبیین کرده‌اند و اقدامات امام زمان علیه السلام را در دوران پس از ظهور در جهت رفع آن گونه مشکلات بیان کرده‌اند. هم‌چنین درباره ویژگی‌های دوره ظهور و اقدامات امام زمان علیه السلام در این دوره نیز نظرات ارائه شده افراد این گروه مشابهت کم‌تری با مستندات شیعی دارد.

گروه دوم امام زمان علیه السلام را دارای ویژگی انسان کامل می‌دانند؛ انسانی که به کمال رسیده است. اغلب این افراد با این که بهترین ویژگی‌ها را برای ایشان قائل هستند، اما معتقدند که امام زمان علیه السلام این ویژگی‌ها را به صورت اکتسابی به دست آورده است و به خاطر مقامی که به این لحاظ کسب کرده‌اند، در پیش‌گاه خدا آبرومند هستند. برخی اشاره کرده‌اند که او مانند سایر ائمه یا پیامبر، بهترین خصوصیات را دارد و تنها تعداد معدودی دقیقاً به معصومیت ایشان اشاره کرده‌اند. هم‌چنین، احساس پشتوانه بودن و حمایت توسط ایشان را نیز فرد دیگری اشاره کرده است. به نظر می‌رسد دیدگاه افراد این گروه نسبت به امام زمان علیه السلام بیشتر با دیدگاه‌های اعتقادی که از طریق رسانه‌ها یا کتب اعتقادی مطرح می‌شود، نزدیک‌تر است. هم‌چنین، تعدادی از افراد این گروه در مورد موضوع انتقام و خون‌خواهی از خون امام حسین علیه السلام و جنگ با دشمنان به صورت فیزیکی، اشاراتی داشته‌اند که از این بُعد نیز نظرات افراد این گروه با دیدگاه‌های رایج اعتقادی سازگارتر است.

درباره دوران ظهور، عمده‌ترین موضوعی که افراد مصاحبه‌شونده در دو گروه اشاره کردند، برقراری عدالت و دست‌یابی افراد به حق‌شان است. اما تفسیر این افراد از موضوع عدالت مبتنی بر شرایط فردی هر مصاحبه‌شونده متفاوت است. هم‌چنین اگرچه برقراری عدالت به‌عنوان یک بعد مهم از اتفاق ظهور در منابع دینی مطرح می‌شود اما ابعاد مهم دیگری هم وجود دارد مثل برپایی دولت جهانی اسلام که کم‌تر مصاحبه‌شونده‌ای به طور مستقیم به آن اشاره کرده است. افراد گروه اول، حداقل دارای نوعی محرومیت بوده‌اند و آن‌ها چگونگی اجرای عدالت را بر اساس حرمان‌های خودشان تبیین کرده‌اند. اما گروه دوم کم‌تر از تعبیر شخصی استفاده کرده‌اند و برداشت‌هایشان به منابع مستند اعتقادی، نزدیک‌تر است.

در کل مبتنی بر اطلاعاتی که از متن مصاحبه‌ها به دست آمد و تعاملی که پژوهش‌گر با زائران در حین مصاحبه‌ها داشته است، به نظر می‌رسد قرائت عامه جامعه از امام زمان علیه السلام، مفاهیمی مثل انتظار، یا ویژگی دوران ظهور و غیره با آنچه در کتب مختلف دینی - اعتقادی و یا در رسانه‌های رسمی مطرح می‌شود، تفاوت دارد؛ یعنی تصور آنان از امام زمان علیه السلام، از گفتار شیعی جا افتاده درباره امام زمان علیه السلام فاصله می‌گیرد. این مفاهیم و مضامین دینی با درگیری‌های دیگر زندگی روزمره اشخاص پیوند می‌خورد و شخصی‌سازی می‌شود.

منابع

- تامسون، کنت (۱۳۸۷) *دین و ساختار اجتماعی* (مقالاتی در جامعه‌شناسی دین). ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی. تهران، نشر کویر، چاپ دوم.
- حسینی میلانی، سید علی (۱۳۹۰) *موعود آسمانی: پژوهشی در امامت حضرت امام مهدی از دیدگاه مسلمانان*، ترجمه هیئت تحریریه انتشارات الحقایق، چاپ اول. قم.
- دژاکام، علی (۱۳۹۰) *موعود اهل سنت «مهدی پژوهی در آثار اهل سنت»*، تهران، موعود عصر، چاپ اول.
- صدر، محمد (۱۳۸۹) *تاریخ پس از ظهور*، ترجمه حسن سجادی‌پور، تهران، موعود عصر، چاپ سوم.
- صفایی، وحید (۱۳۸۵) *فرجام تاریخ از نظر مهدویت: پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.
- علوی طالقانی، محیی‌الدین (۱۳۸۸) *شرح دعای ندبه*، تصحیح علی اکبر غفاری، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم. تهران.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی، چاپ دوم.
- کرسول، جان (۱۳۹۱)، *پویش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان پنج روی کرد* (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد. تهران، انتشارات صفار. ویرایش دوم. چاپ اول.
- محدثی، حسن (۱۳۹۰) *اندیشه هزاره‌ای در ایران بعد از اسلام؛ چشم‌اندازی نظری*. (مقاله منتشر نشده)
- مفید، محمدبن محمد (۱۳۸۸) *ترجمه ارشاد شیخ مفید*، ترجمه واحد انتشارات سرور، قم، انتشارات سرور، چاپ اول.

- نصیری، محمد و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸) *گونه‌شناسی اندیشه منجی در عرفان و تصوف اسلامی*، (گونه‌شناسی اندیشه منجی در ادیان). قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.

- Φυρσετη, Ινγκερ ανδ Ρεπσταδ, Παλ (2006) *Αν Ιντροδυχτιον το της Σοχιολογισ οφ Ρελιγιον: Χλασσιχαλ ανδ Χοντεμποραρισ Περσπεχτιπε. Ασηγη ατε*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۲

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی جدیدالتألیف دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به مفاهیم مهدوی براساس تکنیک آنتروپی شانون

رضا جعفری هرندی^۱
حسن نجفی^۲
ابوالفضل رحیمی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، ارزیابی کتاب‌های درسی جدیدالتألیف دوره ابتدایی از لحاظ میزان توجه به مفاهیم مهدوی است. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است و رویکرد پژوهش کاربردی می‌باشد. جامعه آماری کتاب‌های درسی دوره ابتدایی است که در سال ۱۳۹۵ چاپ شده و چهار عنوان هدیه‌های آسمانی، فارسی (بخوانیم)، آموزش قرآن و مطالعات اجتماعی با ۲۱ جلد به صورت نمونه‌گیری هدفمند در نمونه قرار گرفته‌اند. ابزار پژوهش چک لیست محقق ساخته بوده و با استفاده از شاخص‌های توصیفی و همچنین تکنیک آنتروپی شانون مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. عمده‌ترین نتایج پژوهش بیانگر آن است که ۰.۱ در مجموع ۳۴۶۶ مرتبه به مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت توجه شده است که میزان تراکم فراوانی آن در مؤلفه‌های القاب حضرت، خصوصیات حضرت،

-
۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) (trjafarih@yahoo.com).
 ۲. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی.
 ۳. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان پردیس باهنر اصفهان.

نشانه‌های ظهور، ادله غیبت، انتظارات حضرت از مردم، فواید و تأثیرات ظهور به ترتیب ۱۸۸، ۱۱۰۰، ۱۶۳، ۴۷۸، ۱۱۰۴، و ۴۳۳ مرتبه بوده است. ۲. در بین کتاب‌های مورد بررسی، هدیه‌های آسمانی با میزان بار اطلاعاتی ۰/۸۹۸ و ضریب اهمیت ۰/۲۵۹ بیش‌ترین توجه را به خود اختصاص داده، این در حالی است که کتاب آموزش قرآن با میزان بار اطلاعاتی ۰/۸۳۸ و ضریب اهمیت ۰/۲۴۲ کمترین توجه را نموده است.

واژگان کلیدی

محتوا، کتاب درسی، دوره ابتدایی، مفاهیم مهدوی، آنتروپی شانون.

مقدمه

رشد شخصیت و تحکیم هویت و نظام ارزشی ملی و دینی و اخلاقی و انسانی دانش‌آموزان ایرانی مهم‌ترین وظیفه تربیتی آموزش و پرورش است و تربیت شهروندی محلی و ملی و جهانی و مهارت‌های زندگی انسانی از طریق آموزش درست اندیشیدن، باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های درسی مدارس در نظر گرفته شود. آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد به هویت ملی و نظام ارزشی کودکان و نوجوانان و جوانان اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. غفلت از این وظیفه مهم، نه تنها باعث فقر هویتی و محدودنگری جهان بینی گروه‌های وسیعی از دانش‌آموزان خواهد شد بلکه زمینه جذب بی‌رویه گروه‌های وسیع دیگری از آنان به فرهنگ و سبک زندگی جهانی‌سازی بیگانه را نیز فراهم خواهد آورد (لطف آبادی، ۱۳۸۳).

در نظام آموزشی کشورهای مختلف به ویژه کشورهایی که نگاه خاصی به دین، فضایل و صفات اخلاقی دارند همیشه در تلاش و کوشش هستند که زمینه‌های لازم را در راستای تربیت دینی و کارآمد به فراگیران خود بیاموزند. یعنی این برداشت اساسی وجود دارد که از راه برنامه‌های آموزشی و درسی با هدف‌ها و خط‌مشی‌های نظام آموزشی در حوزه‌های معنوی و مذهبی، ارزش و دین قابل اجرا و میسر گردد. بنابراین می‌توان گفت: در جمهوری اسلامی ایران به علت دینی بودن آن، رسیدن به تربیت دینی و اسلامی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (سجادی، ۱۳۸۴).

یافته‌های پژوهش‌ها مشخص می‌کند که فراگیران در سال‌های دبستان می‌توانند آگاهی و شناخت در موضوعات سیاسی و جهانی در مبنای عدالت کسب کنند. از طرف دیگر؛ در

جامعه‌های گوناگون، نظام‌های آموزشی و تربیتی اهداف و آرمان‌های خاص خود را با توجه به هنجارها و عقیده‌های آن جامعه دارند. تعلیم و تربیت اسلامی سرانجامی چون: طهارت، تقوا، حیات طیبه، قرب الهی، عبادت و... متأثر از ارزش‌های جهان بینی اسلام دارد (باقری، ۱۳۸۲).

یکی از مسائل مهم و اساسی روز که همیشه مورد توجه بوده و مربوط به هیچ زمان و مکانی نیست مسئله مهدویت می‌باشد. چون که این مسئله با وجود و ذات انسان ارتباط دارد و با عمق وجود او عجین شده است. به طوری که در همه زمان‌ها حتی قبل از اسلام بشر در فکر منجی و نجات دهنده بوده است و حال هم بسیاری از مردم مظلوم به امید آینده درخشان و در انتظار منجی آخر الزمان هستند. این انتظار کی به پایان می‌رسد و چشم‌های منتظر را با نور خود می‌نوازد و آرامش را به جهان باز می‌گرداند؟ هنوز باید انتظار کشید (احسانی، ۱۳۹۰).

اندیشه مهدویت که ریشه در اصل اعتقادی "امامت" دارد از مهم‌ترین اصول اعتقادی و از پایه‌های اساسی مذهب شیعه است. این باور که در واقع اعتقاد به ظهور فردی از سلاله پیامبر ﷺ در آخر الزمان که نجات بخش و عدل‌گستر است، بین تمامی مذاهب اسلامی مشترک است. از سوی دیگر اندیشه مهدویت در ابعاد گسترده‌ای از موضوعات مهم فردی و اجتماعی اثر بخش بوده و به عنوان محوری مهم در مبانی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فرهنگی محسوب شده است (فقیهی، ۱۳۸۸).

دیدگاه تربیتی انتظار دلیل‌های متعدد و روشنی در برنامه‌های درسی و آموزشی به خصوص برنامه درسی تربیت دینی دارد. انتظار موجب تربیت، تحرک، امید و خودسازی فراگیران می‌شود. پس باید برنامه‌های آموزشی و تربیتی در حین انتقال دانش‌ها و نگرش‌ها و رفتار فراگیران موجب ایجاد آمادگی اجتماعی و فردی آنان در به ثمر رسیدن هدف‌های نظام آفرینش محسوب می‌شود، محتاج کسب آمادگی‌های پرورشی و تربیتی افراد آگاه، کوشا و دارای فضایل اخلاقی و معنوی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴).

آموزش‌های مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقش مهمی را در زمینه‌سازی برای ظهور نیز می‌تواند ایفا نماید. آموزه‌های مهدویت و انتظار نیز از ظرفیت‌ها و دلالت‌های فراوان تربیتی برای تاسیس فلسفه و نظام آموزش پرورش مهدوی برخوردار است. به همین دلیل، دولت زمینه‌ساز، باید به سیاست‌گذاری در امر تعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش و پرورش بر اساس آموزه‌های مهدویت و انتظار اهتمام ورزد (فقیهی، ۱۳۸۸). در این راستا، یکی

از عرصه‌های مناسب؛ ارایه مفاهیم مربوط به مهدویت و انتظار در کتاب‌های درسی^۱ است. نگاهی گذرا به اهداف تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران این حقیقت را آشکار می‌نماید که تربیت انسان آرمانی، بدون بهره‌گیری تام و تمام از مبانی نظری و عملی اسلام و تاسی به انسان‌های تربیت یافته در این مکتب و در راس آن‌ها، پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام میسر نمی‌باشد. حال این سؤال مطرح است که در فرآیند تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران، وجود مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام چگونه و چقدر، در مقام انسان نمونه جهان خلقت، برای الگوسازی به کودکان و نوجوانان معرفی شده است؟ با توجه به نقش و جایگاه کتاب‌های درسی در نظام آموزشی ایران به عنوان محصول برنامه درسی، کتاب‌های درسی جدید التألیف دوره ابتدایی از منظر فوق، مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا تصویر مناسبی در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی قرار داده شود و نواقص و کمبودهای احتمالی کتاب‌های درسی مشخص گردند و همچنین با آموزش این نوع از مفاهیم، زیست مهدوی را ممکن نمود و افراد و به‌ویژه نوجوانان و جوانان را در برابر بسیاری از انحرافات اخلاقی و رفتاری عصر غیبت واکسینه کرد.

بیان مسئله

محتوا^۲ یکی از عناصر هر برنامه درسی^۳ است. محتوای برنامه درسی شامل؛ دانش‌ها، مهارت‌ها و فرآیندها و ارزش‌ها است که دانش‌آموز در ضمن آموزش یا در فرآیند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (نوریان، ۱۳۸۹). هر محتوایی، برای ارایه به دیگران نیازمند ابزار و وسایلی است. یک کتاب، یک روزنامه، سخنان یک فرد، یک فیلم، یک تصویر، یک نقاشی و... وسایل و ابزاری هستند که اطلاعات و داده‌ها در آن‌ها نگهداری شده و منتقل می‌شوند. این ابزارها و وسایل؛ رسانه^۴ نامیده می‌شود (ای. پی. ای، ۲۰۰۸).

آل تباچ^۵ (۱۹۹۱) اعتقاد دارد؛ کتاب‌های درسی همه روزه توسط معلمان و دانش‌آموزان به کار می‌رود و گاهی اوقات به عنوان تمام برنامه درسی، مورد تاکید معلمان قرار می‌گیرد. یونسکو^۶ (۲۰۰۵) در تعریف کتاب درسی می‌نویسد:

کتاب درسی، وسیله اصلی یادگیری است که برای دستیابی به مجموعه خاصی از نتایج

1 textbook
2 Content
3 Curriculum
4 Medium
5 Altbach
6 unesco

آموزشی طراحی شده، و از متن، تصویر و یا متن و تصویر، تشکیل شده است و به طور سنتی، مجموعه چاپی مجلدی است که آسان سازی توالی فعالیت‌های یادگیری را هدایت و راهنمایی می‌کند.

کتاب درسی یا محتوای مطالب آموزشی در نظام‌های متمرکز که محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب شده و فعالیت‌ها و تجربه‌های تربیتی دانش‌آموزان توسط معلم و حول محور آن سازمان‌دهی می‌شود، نیاز به تحلیل و بررسی علمی دارد. نوعی از تحلیل‌ها که برای برنامه‌ریزان درسی، مؤلفین و تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی بسیار مفید و ضروری است، تحلیل محتوا^۱ است. این نوع تحلیل‌ها کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و کلیه اجزا مطرح شده در قالب دروس کتاب مورد بررسی عملی قرار گرفته و با اهداف برنامه درسی، مقایسه و ارزشیابی شوند (یارمحمدیان، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹). از آنجا که نظام آموزش و پرورش در ایران متمرکز بوده و کتاب و معلم محورهای آموزش و یادگیری هستند و نیز با توجه به آنکه در بسیاری از موارد کتاب درسی تنها وسیله آموزش است که در اختیار معلم قرار دارد، نقش کتاب به عنوان برنامه و تعیین کیفیت یادگیری بسیار مهم تلقی شده و جای تعمق و بررسی دارد و بازنگری، تجدیدنظر و اصلاح برنامه و محتوای کتاب‌ها در زمینه‌های رشد برنامه‌ریزی و به تبع آن رشد پیشرفت تحصیلی را فراهم می‌آورد (مختارنژادعربی، ۱۳۸۷، ص ۳).

در یک دهه اخیر به موازات لزوم پاسخ‌گویی به نیازهای نو و همچنین تدوین اسناد تحولی من جمله برنامه درسی ملی برنامه جدیدی برای کتاب‌های درسی ابتدایی تدوین شده است که در این برنامه جدید سعی شده به این موارد توجه شود. حال این مقاله سعی می‌نماید تا اهداف پنج‌گانه ذیل را بررسی نماید:

۱. تعیین میزان توجه محتوای کتاب‌های درسی "فارسی (بخوانیم)" به مفاهیم مهدوی؛
۲. تعیین میزان توجه محتوای کتاب‌های "آموزش قرآن" به مفاهیم مهدوی؛
۳. تعیین میزان توجه محتوای کتاب‌های "هدیه‌های آسمانی" به مفاهیم مهدوی؛
۴. تعیین میزان توجه محتوای کتاب‌های "مطالعات اجتماعی" به مفاهیم مهدوی؛
۵. تعیین میزان توجه محتوای مجموع "کتب چهارگانه" به مفاهیم مهدوی.

سوابق پژوهشی

در بررسی پیشینه پژوهش معلوم شد که در مورد موضوع مورد نظر پژوهش‌های زیادی انجام نشده است در عین حال به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران» حاکی از آن است که در بین کتاب‌های درسی متوسطه کتاب دین و زندگی با بیشترین توجه و کتاب ادبیات فارسی کمترین توجه به مسئله مهدویت داشته‌اند.

امینی، ماشاء‌اللهی نژاد و علیزاده زارعی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت» بیان کرده توجه به نمادها و مؤلفه‌های مهدویت و آموزش آن در کتاب‌ها بسیار کم می‌باشد و لازم است در کتاب‌ها و در نظام آموزش و پرورش کشور تغییرات و اصلاحات لازم صورت پذیرد.

نتایج پژوهش جعفری هرنندی (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت» حاکی از آن است که در مجموع ۶۰۷ مرتبه به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت توجه شده است. میزان آن در کتاب‌های بخوانیم (فارسی)، هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی به ترتیب ۲۶۳، ۲۵۲ و ۹۲ مرتبه بوده است. بیشترین توجه به محور؛ گفتار، رفتار، سیره، کلاس پنجم و کتاب هدیه‌های آسمانی پنجم شده و کمترین توجه به محور، ظهور و اتفاقات بعد از آن، کلاس اول ابتدایی و کتاب تعلیمات اجتماعی چهارم ابتدایی صورت گرفته است.

احسانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «زمینه‌سازی تربیتی مهدویت» مهم‌ترین یافته این پژوهش اثبات نیاز جامعه امروز به مهدویت بیان کرده است.

پژوهش فقیهی (۱۳۸۸) با عنوان «نقد و بررسی وضعیت آموزش مهدویت در کتب درسی بینش و معارف اسلامی نظام آموزش و پرورش کشور قبل از انقلاب» نتایج حاکی از آن است که در کتاب‌های درسی بعد از انقلاب توجه بیشتری نسبت به قبل از انقلاب صورت گرفته است و در ضمن با وجود اینکه از نظر کمی توجه به موضوع مهدویت بیشتر شده ولی برای نگرش کارآمد در دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری‌های ضروری لازم است.

مرزوقی (۱۳۸۷) در پژوهشی با موضوع «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزش مدارس» نتیجه گرفت هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی مشخصی در تدوین محتوا درباره گسترش تفکر

مهدویت وجود ندارد.

شفیعی سروستانی (۱۳۸۷) در پژوهشی اهداف نظام تربیتی اسلام را با نظام تربیتی مهدویت بررسی کرده و بعد از آن براساس قرآن و احادیث هدف‌های نظام تربیتی مهدویت را مشخص کرده است و صالحی (۱۳۸۶) در پژوهش دیگر به جایگاه مفهوم‌شناسی اصول تربیتی در نظام تربیتی مهدویت پرداخته است. گودرزی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی» تأثیر آموزه‌های مهدویت را بر تعلیم و تربیت نتیجه گرفته است.

شعبانی (۱۳۸۳) در تحقیق برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی ایران را با چند کشور جهان بررسی تطبیقی کرده است.

مهرمحمدی و صمدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره متوسطه» روش و الگویی برای آموزش دینی در دوره متوسطه معرفی کرده است.

موسی‌پور (۱۳۸۲) به بررسی تغییرات و تحولات برنامه درسی آموزش دینی در دوره ابتدایی پرداخته است و بیان کرده برنامه درسی آموزش دینی اصول سازماندهی بیشتری پیدا کرده و آموزش‌های دینی به پایه‌های پایین‌تر آمده است و ارزشیابی نقش لازم را ایفا نکرده است بنابراین برنامه‌های آموزش دینی روندی خوب داشته است ولی هنوز با وضع مطلوب فاصله وجود دارد و نیازمند برنامه ریزی‌های دقیق‌تری می‌باشد.

از دیدگاه کربن (۱۳۸۲) آموزه مهدویت در عالم تشیع ریشه در اعتقاد به ولایت فقیه و امامت دارد و دور ولایت دوری است که پس از دور نبوی در عالم تشیع آغاز گردیده است و همچنان تا پایان تاریخ ادامه می‌یابد. بنابراین اندیشه مهدویت عنصر اصلی فکر شیعه است که این مذهب را از مذاهب دیگر متمایز ساخته و باعث پویایی آن شده است.

از نظر آیزنر^۱ (۱۹۷۹) و ژیرو^۲ (۱۹۹۲) مراکز آموزشی باید به پرورش و رشد نگرش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌های اخلاقی بپردازد که نسل نو را قادر ساخته تا جامعه‌ای بهتر ایجاد کنند. مک دونالد^۳ (۲۰۰۲) خاطرنشان می‌کند که در سال‌های اخیر مقوله روحانیت و اخلاق در نظام‌های آموزشی به عنوان جنبه یا ویژگی اصلی انسان که دارای ارتباط معنوی با بهبود و

1 Eisner

2 Giroux

3 Macdonald

سلامت فردی وی می باشد، مورد توجه بسیار قرار گرفته است.

البنیانی^۱ (۲۰۰۵) به بررسی محتوای ارائه شده از مسلمانان و اعراب در ۱۸ کتاب درسی کشور آمریکا پرداخته است. بر این اساس ۵۰٪ کتاب‌های مورد بررسی به مسائل عادی اسلام اشاره داشته‌اند، ۲۷/۸٪ کتاب‌ها دیدگاهی کاملاً منفی نسبت به اسلام، و ۲۲/۲٪ نکات مثبتی از اسلام ارائه کرده‌اند. الخبیطی^۲ (۲۰۰۵) ۲۳ کتاب درسی فلسطین اشغالی را تحلیل کرده است؛ ۱۳٪ کتاب‌های مورد بررسی، به مسائل عادی اسلام اشاره داشته و ۴/۳٪ دارای نکات مثبتی از اسلام است و ۸۲/۶٪ کتاب‌ها دیدگاهی کاملاً منفی به اسلام داشته‌اند. العقیلی^۳ (۲۰۰۵) در پژوهش دیگری ۳۰ کتاب درسی کشور انگلیس را تحلیل کرده است. بر این اساس ۷۳٪ مباحث در مورد مسائل معمولی آیین اسلام و ۱۷٪ مطالب مثبتی درباره اسلام و ۱۰٪ دارای مباحث منفی هستند.

جرویس^۴ و توبیین^۵ در گزارش پژوهشی SAIC (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که تمام کتب درسی ایران تأکید به اسلام وجود دارد.

در پژوهشی که مؤسسه CMIP (۲۰۰۷) با موضوع «کتاب‌های درسی ایران، محتوا و زمینه» انجام داد. نتیجه آن حاکی از توجه مستقیم و غیر مستقیم کتاب‌های درسی ایران به ارائه تعالیم مذهب شیعه است (SATC).

روش پژوهش

با توجه به تحلیل کمی، عینی و نظام دار کتاب‌های درسی در زمینه توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت و همچنین ابزار مورد استفاده، روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا می باشد. تحلیل محتوا، پیام‌های آشکار هر متن را مورد بررسی قرار می‌دهد (سرمد ۱۳۹۴). واحد ثبت^۶ در این تحقیق مضمون است واحد ثبت به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود و روش شمارش نیز فراوانی است. مقوله بندی در این تحقیق با روش جعبه‌ای^۷ است. یعنی مقوله‌ها از قبل پژوهش مشخص می‌شوند به همین دلیل به آن روش از پیش تعیین شده نیز می‌گویند (نوریان، ۱۳۹۳).

1 Al- Banyan
2 Al- khabti
3 Al- Aqeeli
4 Groiss
5 Thoobian
6 recoding unit
7 procedure parboil

جامعه آماری، شامل همه کتاب‌های دوره ابتدایی چاپ سال ۱۳۹۵ بوده که جمعاً ۴۲ جلد کتاب درسی در پایه‌های مختلف است. نمونه پژوهش شامل کتاب‌های درسی «هدیه‌های آسمانی»، «مطالعات اجتماعی»، «آموزش قرآن» و «فارسی بخوانیم» است. این کتاب‌ها با توجه به موضوع پژوهش انتخاب شده و لذا نمونه‌گیری ما با روش هدفمند صورت گرفته است. موضوع این کتاب‌ها طوری است که انتظار می‌رود به موضوع پژوهش پرداخته باشند. ابزار گردآوری داده‌ها، چک لیست تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق ساخته بوده که به منظور ساخت آن، چک لیست‌های تحلیل محتوای امینی، ماشاءاللهی نژاد و علیزاده زارعی (۱۳۹۱)، جعفری هرنندی (۱۳۹۱)، جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۲) مبنای اصلی کار بوده که پس از اصلاحات لازم چک لیست جدید مبتنی بر ۶ محور و ۶۰ مؤلفه در جدول ۱ آورده شده است. قابل ذکر است به منظور اصلاحات در چک لیست‌های ذکر شده، متون مطرح در مورد مهدویت مانند جلد سیزدهم بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۱۳) و الکافی (کلینی، ۱۴۱۳) و چهره‌های درخشان چهارده معصوم (حسینی دشتی، ۱۳۸۴) مجدداً مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱ چهارچوب مفهومی محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت

مؤلفه‌های مفهومی	محورها
مهدی، قائم، ولی عصر، امام دوازدهم، منجی، خلیفه‌الله، حجت‌الله، حجت بن الحسن، گل نرگس، محمد، امام زمان، بقیة‌الله	القاب حضرت
هدایت، رهبری، حکومت اسلامی، عمر طولانی، نابودکننده شرک، مهربانی و عطف، پرهیزگاری، برقراری عدالت، امید شیعیان، راز و نیاز و عبادت	خصوصیات حضرت
خروج سفیانی، خروج یمانی، خروج دجال، قتل نفس زکیه، حیرت و سرگردانی مردم، مشکل شدن دینداری، تردید در وجود آن حضرت، فراگیر شدن ظلم	نشانه‌های ظهور
امتحان و آزمایش مردم، بیعت نکردن با ستمگران، حفظ جان حضرت، ظلم و ستم مردم به خودشان، امید به زندگی، ایجاد صبوری، تشنه عدالت	ادله غیبی
دعا برای فرج، رجوع به علما دینی، خواندن نماز اول وقت، منتظر فرج بودن، اخلاص در عمل، بردباری، کمک به مردم، توجه به قرآن، رعایت حجاب، توجه به فتنه‌ها، حفظ زبان، صدقه دادن، احترام به پدر و مادر، صلوات فرستادن	انتظارات حضرت از مردم
پرشدن عدل، رفاه مردم، حکومت جهانی آن حضرت، رجعت، ناراحتی ظالمان و مبارزه با آنها، برقراری امنیت، به هلاکت رساندن شیطان، وفادار، گرفتن انتقام خون امام حسین <small>علیه السلام</small>	فواید و تأثیرات ظهور

برای اطمینان کامل از روایی^۱ صوری و محتوایی، محورها و مؤلفه‌های مفهومی استخراجی در اختیار گروهی از صاحب‌نظران در عرصه برنامه درسی و مهدویت گذارده شده و از طیفی از

1 validity

یک تا پنج ارزش گذاری کنند. نتایج بررسی ارزش گذاری‌های آنان تایید محورها و مولفه های مفهومی دسته بندی شده در محورها با ارزش میانگین ۴/۴۵ بوده است. علاوه بر آن برای اطمینان روایی صوری و محتوایی ابزار، چک لیست تهیه شده دوباره توسط صاحب نظران و متخصصان مذکور قرار گرفت و بعد از اصلاحات آن در طیفی از یک تا پنج ارزش گذاری شد که ارزش میانگین ۴/۴ به دست آورد.

برای تأمین پایایی^۱ ابزار تکنیک اجرای مجدد استفاده شده است. به طوری که فرم نهایی به طور همزمان مجزا در اختیار تحلیل گر دیگری قرار داده شد که چند درس از کتاب‌ها بررسی و تحلیل کند. ضریب همبستگی داده‌های به دست آمده از تحلیل گر متخصص و اصلی مورد محاسبه قرار گرفته و نتیجه آن ۰/۸۵ بوده است.

با توجه به روش انجام پژوهش و نبود نمونه‌گیری تحلیل آماری در سطح توصیفی انجام شده و در آن از شاخص‌های درصد، فراوانی، رتبه بندی، پراکندگی، میانگین، جدول‌های توصیفی و گرایش مرکزی استفاده شده است. همچنین به منظور استفاده از تکنیک آنتروپی شانون (به هنجار کردن داده‌های جدول فراوانی، محاسبه بار اطلاعاتی مقوله‌ها و به دست آوردن ضریب اهمیت آن‌ها) داده‌ها، تجزیه تحلیل و توصیف شدند که در ادامه به توضیح مراحل سه‌گانه آنتروپی شانون پرداخته می‌شود:

مرحله اول: ماتریس فراوانی‌های جدول فراوانی باید به هنجار شوند که برای این کار از این رابطه استفاده می‌شود:

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i=1,2,3,\dots,m, j=1,2,\dots,n)$$

هنجار شده ماتریس فراوانی $P =$ فراوانی مقوله = F شماره پاسخگو $i =$ شماره مقوله $j =$ تعداد پاسخگو $m =$

مرحله دوم: بار اطلاعاتی هر مقوله را محاسبه کرده و در ستون‌های مربوطه قرار می‌دهیم و برای این منظور از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$E_j = -K \sum_{i=1}^m [P_{ij} L_n P_{ij}] \quad (j=1,2,n) \quad K = \frac{1}{L_n m}$$

هنجار شده ماتریس $P_{ij} = (1,2,\dots,n)$ لگاریتم نپری $L_n =$ شماره پاسخگو $i =$ شماره

مقوله = تعداد پاسخگو = m

مرحله سوم: با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله‌ها (i = 1, 2, ..., n) ضریب اهمیت هر یک از مقوله‌ها محاسبه شده و هر مقوله ای که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت (Wj) بیشتری برخوردار است. برای محاسبه ضریب اهمیت از رابطه زیر استفاده شده:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^m E_j}$$

درجه اهمیت W_j = بار اطلاعاتی هر مقوله = E_j = تعداد مقوله‌ها = n شماره مقوله = j
لازم به ذکر است در محاسبه E_j مقادیر P_{ij} که برابر صفر باشد به دلیل بروز خطا و جواب بی نهایت در محاسبات ریاضی با عدد بسیار کوچک ۰/۰۰۰۰۱ جایگزین شده است اما زشاخصی است که ضریب اهمیت هر مقوله را در یک پیام با توجه به شکل پاسخگوها مشخص می‌کند از طرفی با توجه به بردار w، مقوله‌های حاصل از پیام را نیز رتبه‌بندی می‌کنیم (آذر، ۱۳۸۰).

یافته‌های پژوهش

در قسمت یافته‌های پژوهش براساس سؤالات در پنج قسمت تشریح شده است:

الف) نتایج سؤال اول پژوهش: در محتوای کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم) چه میزان به مفاهیم مهدوی توجه شده است؟

بر اساس نتایج از بین مؤلفه‌های تحلیل شده، بیشترین توجه به مؤلفه راز و نیاز و عبادت با ۶/۱ درصد بوده است. این در حالی است که به تعداد زیادی از مؤلفه‌ها اصلاً توجه نشده است. در بین کتاب‌های فارسی بیشترین توجه به مفاهیم مهدوی را کتاب چهارم با ۲۴۱ مورد، و کمترین توجه را کتاب اول با ۱۵۴ مورد نموده‌اند.

از بین محورهای مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به محور خصوصیات آن حضرت با ۳۸۰ مورد و کمترین توجه به محور نشانه‌های ظهور با ۴۵ مورد بوده است.

جدول ۲. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به

مفاهیم مرتبط با مهدویت به تفکیک محور، مؤلفه و کلاس

محور	مؤلفه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
القاب حضرت	مهدی	۰	۴	۲	۰	۱	۱۷	۲۴	۲
	امام دوازدهم	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰/۱
	گل نرگس	۰	۰	۳	۴	۰	۰	۷	۰/۶
	محمد	۳	۴	۷	۵	۶	۱۵	۴۰	۳/۴
	امام زمان	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۲	۰/۲

محور	مولفه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
ویژگی‌های آن حضرت	هدایت	۶	۸	۵	۱۲	۶	۴	۴۱	۳/۵
	رهبری	۷	۹	۱۰	۸	۵	۸	۴۷	۴
	حکومت اسلامی	۹	۴	۱۳	۱۵	۱۰	۷	۵۸	۴/۹
	عمر طولانی	۱	۰	۲	۶	۲	۲	۱۳	۱/۱
	نابود کننده شرک	۳	۲	۴	۹	۴	۶	۲۸	۲/۴
	مهربانی و عطوفت	۵	۶	۷	۱۱	۶	۱۰	۴۵	۳/۸
	پرهیزگاری	۲	۳	۷	۵	۵	۸	۲۹	۲/۵
	برقراری عدالت	۴	۵	۸	۶	۶	۷	۳۶	۳/۱
	امید شیعیان	۱	۰	۳	۱	۱	۷	۱۲	۱
	راز و نیاز و عبادت	۱۵	۱۱	۱۰	۹	۹	۱۴	۷۱	۶/۱
	حیرت و سرگردانی مردم	۱	۰	۳	۰	۰	۱	۵	۰/۴
	مشکل شدن دینداری	۳	۱	۴	۲	۲	۷	۲۰	۱/۷
	فراگیر شدن ظلم	۴	۲	۱	۸	۱	۳	۲۰	۱/۷
ادله غیبت	امتحان و آزمایش مردم	۶	۸	۵	۹	۷	۴	۳۹	۳/۳
	بیعت نکردن با ستمگران	۷	۴	۳	۱۰	۳	۱	۲۸	۲/۴
	حفظ جان حضرت	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۲	۰/۲
	ظلم و ستم مردم به خودشان	۰	۲	۱	۰	۲	۱	۶	۰/۵
	امید به زندگی	۳	۴	۳	۲	۲	۸	۲۳	۲
	ایجاد صبوری	۲	۹	۵	۷	۴	۵	۳۲	۲/۷
	تشنه عدالت	۴	۷	۶	۵	۶	۴	۳۲	۲/۷
انتظارات حضرت از مردم	دعا برای فرج	۱	۰	۴	۳	۰	۰	۸	۰/۷
	رجوع به علما دینی	۵	۶	۲	۲	۴	۳	۲۲	۱/۹
	خواندن نماز اول وقت	۹	۸	۷	۴	۴	۵	۳۵	۳
	منتظر فرج بودن	۰	۰	۳	۲	۰	۰	۵	۰/۴
	اخلاص در عمل	۳	۹	۶	۸	۴	۷	۳۷	۳/۲
	بردباری	۲	۴	۵	۷	۵	۸	۳۱	۲/۶
	کمک به مردم	۶	۵	۸	۱۰	۳	۹	۴۱	۳/۵
	توجه به قرآن	۷	۴	۱۲	۶	۸	۴	۴۱	۳/۵
رعایت حجاب	۵	۹	۶	۷	۳	۵	۳۵	۳	

محور	مولفه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد	
	توجه به فتنه‌ها	۴	۲	۳	۵	۴	۲	۲۰	۱/۷	
	حفظ زبان	۳	۵	۲	۱	۲	۸	۲۱	۱/۸	
	صدقه دادن	۲	۱	۴	۳	۲	۱	۱۳	۱/۱	
	احترام به پدر و مادر	۸	۷	۶	۵	۴	۹	۳۹	۳/۳	
	صلوات فرستادن	۱	۱	۸	۴	۱	۶	۲۱	۱/۸	
فواید و تاثیرات ظهور	پرشدن عدل	۲	۶	۴	۵	۲	۳	۲۲	۱/۹	
	رفاه مردم	۲	۴	۵	۹	۶	۴	۳۰	۲/۶	
	حکومت جهانی آن حضرت	۰	۰	۲	۱	۰	۱	۴	۰/۳	
	رجعت	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰/۲	
	ناراحتی ظالمان و مبارزه با آنها	۰	۲	۱	۵	۰	۰	۸	۰/۷	
	برقراری امنیت	۴	۵	۳	۱۳	۹	۵	۳۹	۳/۳	
	به هلاکت رساندن شیطان	۲	۳	۲	۲	۳	۱	۱۳	۱/۱	
	وفادار	۱	۴	۵	۳	۵	۲	۲۰	۱/۷	
	گرفتن انتقام خون امام حسین <small>علیه السلام</small>	۰	۰	۱	۲	۲	۰	۵	۰/۴	
	مجموع فراوانی	۱۵۴	۱۷۸	۲۱۶	۲۴۱	۱۸۹	۱۹۵	۱۱۷۳	****	
	درصد	****	۱۳/۱	۱۵/۲	۱۸/۴	۲۰/۵	۱۶/۱	۱۶/۶	****	۱۰۰

جدول ۳. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب محورها

پایه‌های تحصیلی								محورهای مرتبط با مهدویت
درصد	جمع	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
۶/۳	۷۴	۳۲	۷	۹	۱۴	۸	۴	القاب آن حضرت
۳۲/۴	۳۸۰	۶۰	۶۸	۸۲	۶۹	۴۸	۵۳	خصوصیات آن حضرت
۳/۸	۴۵	۵	۱۱	۱۰	۸	۳	۸	نشانه‌های ظهور
۱۳/۸	۱۶۲	۱۸	۳۱	۳۳	۲۴	۳۴	۲۲	ادله غیبت
۳۱/۵	۳۶۹	۶۴	۴۵	۶۷	۷۶	۶۱	۵۶	انتظارات حضرت از مردم
۱۲/۲	۱۴۳	۱۶	۲۷	۴۰	۲۵	۲۴	۱۱	فواید و تاثیرات ظهور
۱۰۰	۱۱۷۳	۱۹۵	۱۸۹	۲۴۱	۲۱۶	۱۷۸	۱۵۴	مجموع

در جدول شماره ۴ داده‌های به‌نجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی آمده است.

جدول ۴. داده‌های بهنجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

ششم	پایه‌های تحصیلی					محورهای مرتبط با مهدویت
	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
۰/۱۶۴	۰/۰۳۷	۰/۰۳۷	۰/۰۶۵	۰/۰۴۵	۰/۰۲۶	القاب آن حضرت
۰/۳۰۸	۰/۳۶۰	۰/۳۴۰	۰/۳۱۹	۰/۲۷۰	۰/۳۴۴	خصوصیات آن حضرت
۰/۰۲۶	۰/۰۵۸	۰/۰۴۱	۰/۰۳۷	۰/۰۱۷	۰/۰۵۲	نشانه‌های ظهور
۰/۰۹۲	۰/۱۶۴	۰/۱۳۷	۰/۱۱۱	۰/۱۹۱	۰/۱۴۳	ادله غیبت
۰/۳۲۸	۰/۲۳۸	۰/۲۷۸	۰/۳۵۲	۰/۳۴۳	۰/۳۶۴	انتظارات حضرت از مردم
۰/۰۸۲	۰/۱۴۳	۰/۱۶۶	۰/۱۱۶	۰/۱۳۵	۰/۰۷۱	فواید و تاثیرات ظهور

پس از نرمال سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (EJ) هریک از ابعاد به دست می آید، که در جدول زیر آورده شده است.

در مرحله پایانی نیز ضریب اهمیت محورهای مرتبط با مهدویت با استفاده از فرمول مرحله سوم روش آنتروپی شانون محاسبه گردیده که آن هم در جدول زیر آمده و هر محوری که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد از درجه اهمیت (WJ) بیشتری برخوردار است. نتایج جدول شماره ۵ نشان می دهد که از بین کتاب‌های درسی فارسی پایه‌های ششگانه بیشترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب فارسی پایه پنجم (۰/۱۷۲) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی فارسی پایه اول (۰/۱۵۸) بوده است.

جدول ۵. مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی

ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	پایه‌های تحصیلی
۰/۸۶۲	۰/۸۷۷	۰/۸۶۴	۰/۸۵۱	۰/۸۴۶	۰/۸۰۹	بار اطلاعاتی (EJ)
۰/۱۶۹	۰/۱۷۲	۰/۱۶۹	۰/۱۶۷	۰/۱۶۶	۰/۱۵۸	ضریب اهمیت (WJ)

ب) نتایج سؤال دوم پژوهش: در محتوای کتاب‌های آموزش قرآن چه میزان به مفاهیم مهدوی توجه شده است؟

بر اساس نتایج از بین مؤلفه‌های تحلیل شده، بیشترین توجه به مؤلفه هدایت با ۷/۴ درصد بوده است. این در حالی است که به تعداد زیادی از مؤلفه‌ها اصلاً توجه نشده است. در بین کتاب‌های آموزش قرآن بیشترین توجه به مفاهیم مهدوی را کتاب اول با ۲۸۰ مورد، و کمترین توجه را کتاب ششم با ۱۱۶ مورد نموده‌اند.

از بین محورهای مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به محور انتظارات حضرت از مردم با ۳۷۴ مورد و کمترین توجه به محور القاب آن حضرت با ۳۳ مورد بوده است.

جدول ۶. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت به تفکیک محور، مؤلفه و کلاس

محور	مؤلفه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
لقاب حضرت	محمد	۱۲	۷	۳	۴	۲	۳	۳۱	۲/۹
	امام زمان	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰/۲
خصوصیات آن حضرت	هدایت	۲۲	۱۳	۱۰	۱۴	۱۱	۹	۷۹	۷/۴
	رهبری	۸	۵	۴	۶	۵	۳	۳۱	۲/۹
	حکومت اسلامی	۶	۳	۷	۳	۲	۴	۲۵	۲/۳
	عمر طولانی	۰	۰	۱	۵	۴	۱	۱۱	۱
	نابودکننده شرک	۷	۸	۱۱	۷	۹	۷	۴۹	۴/۶
	مهربانی و عطوفت	۱۰	۹	۵	۴	۶	۵	۳۹	۳/۷
	پرهیزگاری	۸	۴	۲	۳	۵	۳	۲۵	۲/۳
	برقراری عدالت	۳	۶	۳	۴	۳	۲	۲۱	۲
	راز و نیازو عبادت	۲۱	۱۴	۹	۸	۱۰	۷	۶۹	۶/۵
	حیرت و سرگردانی مردم	۰	۰	۵	۳	۱	۰	۹	۰/۸
نشانه‌های ظهور	مشکل شدن دینداری	۴	۳	۲	۴	۳	۲	۱۸	۱/۷
	فراگیر شدن ظلم	۷	۲	۵	۲	۹	۴	۲۸	۲/۶
	امتحان و آزمایش مردم	۹	۴	۸	۷	۷	۴	۳۹	۳/۷
ادله غیبت	بیعت نکردن با ستمگران	۸	۱۲	۹	۵	۶	۲	۴۲	۳/۹
	ظلم و ستم مردم به خودشان	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۴	۰/۴
	امید به زندگی	۳	۱	۲	۱	۲	۱	۱۰	۰/۹
	ایجاد صبوری	۷	۴	۵	۳	۴	۴	۲۶	۲/۴
	تشنه عدالت	۵	۳	۴	۳	۱	۴	۲۰	۱/۹
	دعا برای فرج	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰/۱
انتظارات حضرت از مردم	رجوع به علما دینی	۱۱	۴	۲	۳	۰	۲	۲۲	۲/۱
	خواندن نماز اول وقت	۱۵	۹	۲۴	۱۳	۵	۴	۷۰	۶/۶
	منتظر فرج بودن	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۱
	اخلاص در عمل	۹	۶	۷	۸	۶	۳	۳۹	۳/۷
	بردباری	۵	۴	۴	۳	۲	۲	۲۰	۱/۹
	کمک به مردم	۶	۲	۱	۵	۱	۵	۲۰	۱/۹

موضوع	مؤلفه‌ها	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
	توجه به قرآن	۲۳	۱۰	۸	۹	۷	۸	۶۵	۶/۱
	رعایت حجاب	۲	۱	۱	۴	۶	۵	۱۹	۱/۸
	توجه به فتنه‌ها	۴	۷	۳	۲	۲	۱	۱۹	۱/۸
	حفظ زبان	۱	۰	۲	۰	۱	۲	۶	۰/۶
	صدقه دادن	۵	۶	۴	۵	۴	۴	۲۸	۲/۶
	احترام به پدر و مادر	۸	۵	۷	۳	۷	۹	۳۹	۳/۷
	صلوات فرستادن	۹	۳	۴	۵	۲	۲	۲۵	۲/۳
فواید و تأثیرات ظهور	پرشدن عدل	۴	۲	۳	۲	۱	۳	۱۵	۱/۴
	رفاه مردم	۳	۱	۰	۱	۰	۰	۵	۰/۵
	رجعت	۰	۴	۱	۰	۲	۰	۷	۰/۷
	ناراحتی ظالمین و مبارزه با آنها	۴	۶	۱	۳	۵	۰	۱۹	۱/۸
	برقراری امنیت	۵	۳	۲	۴	۲	۰	۱۶	۱/۵
	به هلاکت رساندن شیطان	۲۰	۸	۴	۵	۳	۳	۴۳	۴
	وفادار	۴	۲	۱	۳	۱	۱	۱۱	۰/۱
مجموع فراوانی	****	۲۸۰	۱۸۲	۱۷۹	۱۶۴	۱۴۷	۱۱۶	۱۰۶۸	****
درصد	*****	۲۶/۲	۱۷	۱۶/۸	۱۵/۴	۱۳/۸	۱۰/۹	****	۱۰۰

جدول ۷. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره ابتدایی در توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب محورها

درصد	پایه‌های تحصیلی							محورهای مرتبط با مهدویت
	جمع	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
۳/۱	۳۳	۳	۲	۴	۳	۷	۱۴	لقاب آن حضرت
۳۲/۷	۳۴۹	۴۱	۵۵	۵۴	۵۲	۶۲	۸۵	خصوصیات آن حضرت
۵/۱	۵۵	۵	۱۳	۹	۱۲	۵	۱۱	نشانه‌های ظهور
۱۳/۲	۱۴۱	۱۴	۲۰	۱۹	۳۲	۲۴	۳۲	ادله غیبت
۳۵	۳۷۴	۴۷	۴۳	۶۰	۶۸	۵۸	۹۸	انتظارات حضرت از مردم
۱۰/۹	۱۱۶	۶	۱۴	۱۸	۱۲	۲۶	۴۰	فواید و تأثیرات ظهور
۱۰۰	۱۰۶۸	۱۱۶	۱۴۷	۱۶۴	۱۷۹	۱۸۲	۲۸۰	مجموع

در جدول شماره ۷ داده‌های به‌نچار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره ابتدایی آمده است.

جدول ۸. داده‌های بهنجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره ابتدایی

پایه‌های تحصیلی						محورهای مرتبط با مهدویت
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	
۰/۰۵۰	۰/۰۳۸	۰/۰۱۷	۰/۰۲۴	۰/۰۱۴	۰/۰۲۶	القاب آن حضرت
۰/۳۰۴	۰/۳۴۱	۰/۲۹۱	۰/۳۲۹	۰/۳۷۴	۰/۳۵۳	خصوصیات آن حضرت
۰/۰۳۹	۰/۰۲۷	۰/۰۶۷	۰/۰۵۵	۰/۰۸۸	۰/۰۴۳	نشانه‌های ظهور
۰/۱۱۴	۰/۱۳۲	۰/۱۷۹	۰/۱۱۶	۰/۱۳۶	۰/۱۲۱	ادله غیبت
۰/۳۵۰	۰/۳۱۹	۰/۳۸۰	۰/۳۶۶	۰/۲۹۳	۰/۴۰۵	انتظارات حضرت از مردم
۰/۱۴۳	۰/۱۴۳	۰/۰۶۷	۰/۱۱۰	۰/۰۹۵	۰/۰۵۲	فواید و تاثیرات ظهور

پس از نرمال‌سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (EJ)، ضریب اهمیت (WJ) محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره ابتدایی نیز محاسبه شد. نتایج جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که از بین کتاب‌های درسی قرآن پایه‌های شش‌گانه بیشترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی قرآن پایه اول (۰/۱۷۳) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی قرآن پایه ششم (۰/۱۵۵) بوده است.

جدول ۹. مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی آموزش قرآن دوره ابتدایی

پایه‌های تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
بار اطلاعاتی (EJ)	۰/۸۵۵	۰/۸۳۷	۰/۸۱۸	۰/۸۲۴	۰/۸۳۵	۰/۷۶۶
ضریب اهمیت (WJ)	۰/۱۷۳	۰/۱۷۰	۰/۱۶۶	۰/۱۶۷	۰/۱۶۹	۰/۱۵۵

ج) نتایج سؤال سوم پژوهش: در محتوای کتب هدیه‌های آسمانی چه میزان به مفاهیم مهدوی توجه شده است؟

بر اساس نتایج از بین مؤلفه‌های تحلیل شده، بیشترین توجه به مؤلفه راز و نیاز و عبادت با ۶/۲ درصد بوده است. این در حالی است که به تعداد زیادی از مؤلفه‌ها اصلاً توجه نشده است.

در بین کتاب‌های هدیه‌های آسمانی بیشترین توجه به مفاهیم مهدوی را کتاب پنجم با ۲۰۴ مورد، و کمترین توجه را کتاب اول با ۱۱۹ مورد نموده‌اند.

از بین محورهای مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به محور انتظارات حضرت از مردم با ۲۴۷ مورد و کمترین توجه به محور نشانه‌های ظهور با ۲۶ مورد بوده است.

جدول ۱۰. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت به تفکیک محور، مؤلفه و پایه تحصیلی

محور	مؤلفه‌ها	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
القاب حضرت	مهدی	۴	۰	۳	۱۰	۵	۲۲	۲/۹
	قائم	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰/۳
	ولی عصر	۰	۰	۰	۳	۱	۴	۰/۵
	امام دوازدهم	۰	۰	۱	۲	۲	۵	۰/۷
	منجی	۰	۰	۱	۱	۱	۳	۰/۴
	حجت بن الحسن	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰/۱
	گل نرگس	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۰/۳
	محمد	۵	۷	۲	۴	۲	۲۰	۲/۶
خصوصیات آن حضرت	امام زمان	۱	۰	۱	۸	۵	۱۵	۱/۶
	هدایت	۳	۲	۶	۴	۵	۲۰	۲/۶
	رهبری	۰	۱	۳	۲	۶	۱۲	۱/۶
	حکومت اسلامی	۰	۱	۲	۷	۴	۱۴	۱/۹
	عمر طولانی	۰	۰	۸	۳	۲	۱۳	۱/۷
	نابودکننده شرک	۰	۶	۲	۲	۴	۱۴	۱/۹
	مهربانی و عطوفت	۸	۷	۳	۵	۶	۲۹	۳/۸
	پرهیزگاری	۴	۳	۲	۴	۳	۱۶	۲/۱
نشانه‌های ظهور	برقراری عدالت	۲	۵	۴	۳	۷	۲۱	۲/۸
	امید شیعیان	۱	۰	۲	۵	۴	۱۲	۱/۶
	راز و نیاز و عبادت	۱۰	۱۴	۹	۶	۸	۴۷	۶/۲
	حیرت و سرگردانی مردم	۰	۰	۱	۱	۰	۲	۰/۳
	مشکل شدن دینداری	۱	۲	۳	۴	۲	۱۲	۱/۶
	تردید در وجود آن حضرت	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰/۱
	فراگیر شدن ظلم	۲	۰	۳	۲	۴	۱۱	۱/۵
	امتحان و آزمایش مردم	۳	۱	۴	۷	۵	۲۰	۲/۶
ادله غیبت	بیعت نکردن با ستمگران	۲	۷	۲	۹	۱	۲۱	۲/۸
	حفظ جان حضرت	۰	۰	۱	۲	۱	۴	۰/۵
	ظلم و ستم مردم به خودشان	۲	۰	۱	۲	۲	۷	۰/۹
	امید به زندگی	۳	۱	۲	۴	۵	۱۵	۲

محرور	مولفه‌ها	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
انتظارات حضرت از مردم	ایجاد صبوری	۴	۳	۴	۵	۶	۲۲	۲/۹
	تشنه عدالت	۶	۱	۵	۶	۷	۲۵	۳/۳
	دعا برای فرج	۲	۰	۸	۴	۴	۱۸	۲/۴
	رجوع به علما دینی	۱	۲	۳	۲	۱	۹	۱/۲
	خواندن نماز اول وقت	۱۲	۳	۶	۳	۵	۲۹	۳/۸
	منتظر فرج بودن	۳	۰	۵	۴	۲	۱۴	۱/۹
	اخلاص در عمل	۵	۸	۷	۶	۵	۳۱	۴/۱
	بردباری	۳	۴	۳	۵	۳	۱۸	۲/۴
	کمک به مردم	۲	۱	۲	۳	۴	۱۲	۱/۶
	توجه به قرآن	۶	۵	۴	۵	۳	۲۳	۳
	رعایت حجاب	۲	۲	۳	۸	۲	۱۷	۲/۲
	توجه به فتنه‌ها	۰	۷	۲	۴	۳	۱۶	۲/۱
	حفظ زبان	۲	۳	۱	۲	۴	۱۲	۱/۶
	صدقه دادن	۲	۴	۱	۳	۱	۱۱	۱/۵
	احترام به پدرو مادر	۴	۶	۲	۵	۴	۲۱	۲/۸
صلوات فرستادن	۳	۲	۴	۵	۲	۱۶	۲/۱	
فواید و تأثیرات ظهور	پرشدن عدل	۲	۱	۲	۴	۲	۱۱	۱/۵
	رفاه مردم	۱	۲	۲	۲	۱	۸	۱/۱
	حکومت جهانی آن حضرت	۲	۰	۲	۶	۱	۱۱	۱/۵
	رجعت	۱	۰	۳	۸	۳	۱۵	۲
	ناراحتی ظالمان و مبارزه با آنها	۰	۰	۲	۵	۴	۱۱	۱/۵
	برقراری امنیت	۲	۱	۲	۳	۴	۱۲	۱/۶
	به هلاکت رساندن شیطان	۱	۲	۲	۲	۵	۱۲	۱/۶
	وفادار	۲	۱	۱	۱	۲	۷	۰/۹
	گرفتن انتقام خون امام حسین <small>علیه السلام</small>	۰	۸	۰	۰	۲	۱۰	۱/۳
مجموع فراوانی	****	۱۱۹	۱۲۳	۱۴۵	۲۰۴	۱۶۵	۷۵۶	****
درصد	*****	۱۵/۷	۱۶/۳	۱۹/۲	۲۷	۲۱/۸	****	۱۰۰

جدول ۱۱. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی در توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب محورها

پایه‌های تحصیلی							محورهای مرتبط با مهدویت
درصد	جمع	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	
۹/۸	۷۴	۱۶	۳۱	۱۰	۷	۱۰	القاب آن حضرت
۲۶/۲	۱۹۸	۴۹	۴۱	۴۱	۳۹	۲۸	خصوصیات آن حضرت
۳/۴	۲۶	۶	۷	۸	۲	۳	نشانه‌های ظهور
۱۵/۱	۱۱۴	۲۷	۳۵	۱۹	۱۳	۲۰	ادله غیبت
۳۲/۷	۲۴۷	۴۳	۵۹	۵۱	۴۷	۴۷	انتظارات حضرت از مردم
۱۲/۸	۹۷	۲۴	۳۱	۱۶	۱۵	۱۱	فواید و تأثیرات ظهور
۱۰۰	۷۵۶	۱۶۵	۲۰۴	۱۴۵	۱۲۳	۱۱۹	مجموع

در جدول شماره ۱۲ داده‌های به‌نچار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی آمده است.

جدول ۱۲. داده‌های به‌نچار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی

پایه‌های تحصیلی					محورهای مرتبط با مهدویت
ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	
۰/۰۹۷	۰/۱۵۲	۰/۰۶۹	۰/۰۵۷	۰/۰۸۴	القاب آن حضرت
۰/۲۹۷	۰/۲۰۱	۰/۲۸۳	۰/۳۱۷	۰/۲۳۵	خصوصیات آن حضرت
۰/۰۳۶	۰/۰۳۴	۰/۰۵۵	۰/۰۱۶	۰/۰۲۵	نشانه‌های ظهور
۰/۱۶۴	۰/۱۷۲	۰/۱۳۱	۰/۱۰۶	۰/۱۶۸	ادله غیبت
۰/۲۶۱	۰/۲۸۹	۰/۳۵۲	۰/۳۸۲	۰/۳۹۵	انتظارات حضرت از مردم
۰/۱۴۵	۰/۱۵۲	۰/۱۱۰	۰/۱۲۲	۰/۰۹۲	فواید و تأثیرات ظهور

پس از نرمال‌سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (EJ)، ضریب اهمیت (WJ) محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی نیز محاسبه شد. نتایج جدول شماره ۱۳ نشان می‌دهد که از بین کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی پایه‌های تحصیلی دوم تا ششم بیشترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی پایه پنجم (۰/۲۱۲) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی پایه سوم (۰/۱۸۵) بوده است.

جدول ۱۳. مقدار بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی

پایه‌های تحصیلی	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
بار اطلاعاتی (EJ)	۰/۸۵۳	۰/۸۱۳	۰/۸۸۱	۰/۹۳۳	۰/۹۱۲
ضریب اهمیت (WJ)	۰/۱۹۴	۰/۱۸۵	۰/۲۰۱	۰/۲۱۲	۰/۲۰۸

د) نتایج سؤال چهارم پژوهش: در محتوای کتب مطالعات اجتماعی چه میزان به مفاهیم مهدوی توجه شده است؟

بر اساس نتایج از بین مؤلفه‌های تحلیل شده، بیشترین توجه به مؤلفه هدایت با ۱۰/۲ درصد بوده است. این در حالی است که به تعداد زیادی از مؤلفه‌ها اصلاً توجه نشده است. در بین کتاب‌های مطالعات اجتماعی بیشترین توجه به مفاهیم مهدوی را کتاب پنجم با ۱۴۹ مورد، و کمترین توجه را کتاب چهارم با ۹۰ مورد نموده‌اند. از بین محورهای مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به محور خصوصیات آن حضرت با ۱۷۳ مورد و کمترین توجه به محور القاب حضرت با ۷ مورد بوده است.

جدول ۱۴. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت به تفکیک محور، مؤلفه و پایه تحصیلی

محور	مؤلفه‌ها	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
خصوصیات آن حضرت	محمد	۰	۲	۳	۲	۷	۱/۵
	هدایت	۱۲	۷	۱۵	۱۴	۴۸	۱۰/۲
	رهبری	۵	۳	۶	۹	۲۳	۴/۹
	حکومت اسلامی	۳	۴	۵	۸	۲۰	۴/۳
	نابودکننده شرک	۰	۰	۲	۰	۲	۰/۴
	مهربانی و عطوفت	۹	۵	۷	۶	۲۷	۵/۸
	پرهیزگاری	۳	۲	۴	۳	۱۲	۲/۶
	برقراری عدالت	۴	۶	۷	۴	۲۱	۴/۵
	راز و نیازو عبادت	۳	۵	۸	۴	۲۰	۴/۳
نشانه‌های ظهور	حیرت و سرگردانی مردم	۴	۲	۱	۳	۱۰	۲/۱
	مشکل شدن دینداری	۵	۱	۸	۲	۱۶	۳/۴
	فراگیر شدن ظلم	۱	۱	۵	۴	۱۱	۲/۳
ادله غیبت	امتحان و آزمایش مردم	۲	۱	۴	۲	۹	۱/۹
	بیعت نکردن با ستمگران	۴	۰	۹	۳	۱۶	۳/۴
	امید به زندگی	۶	۵	۲	۳	۱۶	۳/۴
	ایجاد صبوری	۳	۴	۳	۱	۱۱	۲/۳
	تشنه عدالت	۱	۲	۴	۲	۹	۱/۹

محور	مولفه‌ها	سوم	چهارم	پنجم	ششم	فراوانی	درصد
انتظارات حضرت از مردم	رجوع به علما دینی	۰	۳	۲	۴	۹	۱/۹
	خواندن نماز اول وقت	۱	۲	۱	۰	۴	۰/۹
	اخلاص در عمل	۳	۴	۱	۲	۱۰	۲/۱
	بردباری	۵	۲	۲	۳	۱۲	۲/۶
	کمک به مردم	۷	۳	۱۳	۶	۲۹	۶/۲
	توجه به قرآن	۱	۲	۱	۱	۵	۱/۱
	رعایت حجاب	۳	۲	۲	۳	۱۰	۲/۱
	توجه به فتنه‌ها	۰	۱	۹	۵	۱۵	۳/۲
	حفظ زبان	۰	۲	۰	۰	۲	۰/۴
	صدقه دادن	۱	۱	۰	۰	۲	۰/۴
فواید و تأثیرات ظهور	احترام به پدر و مادر	۷	۳	۲	۴	۱۶	۳/۴
	پرشدن عدل	۰	۲	۳	۱	۶	۱/۳
	رفاه مردم	۵	۱	۶	۱۰	۲۲	۴/۷
	برقراری امنیت	۴	۶	۷	۱۶	۳۳	۷
	به هلاکت رساندن شیطان	۰	۱	۰	۰	۱	۰/۲
	وفادار	۲	۵	۳	۱	۱۱	۲/۳
	گرفتن انتقام خون امام حسین <small>علیه السلام</small>	۰	۰	۴	۰	۴	۰/۹
مجموع فراوانی	****	۱۰۴	۹۰	۱۴۹	۱۲۶	۴۶۹	****
درصد	*****	۲۲/۲	۱۹/۲	۳۱/۸	۲۶/۹	****	۱۰۰

جدول ۱۵. نتایج ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی
دوره ابتدایی در توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب محورها

درصد	پایه‌های تحصیلی					محورهای مرتبط با مهدویت
	جمع	ششم	پنجم	چهارم	سوم	
۱/۵	۷	۲	۳	۲	۰	لقاب آن حضرت
۳۶/۹	۱۷۳	۴۸	۵۴	۳۲	۳۹	خصوصیات آن حضرت
۷/۹	۳۷	۹	۱۴	۴	۱۰	نشانه‌های ظهور
۱۳	۶۱	۱۱	۲۲	۱۲	۱۶	ادله غیبی
۲۴/۳	۱۱۴	۲۸	۳۳	۲۵	۲۸	انتظارات حضرت از مردم
۱۶/۴	۷۷	۲۸	۲۳	۱۵	۱۱	فواید و تأثیرات ظهور
۱۰۰	۴۶۹	۱۲۶	۱۴۹	۹۰	۱۰۴	مجموع

در جدول شماره ۱۶ داده‌های بهنجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی آمده است.

جدول ۱۶. داده‌های بهنجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

پایه‌های تحصیلی				محورهای مرتبط با مهدویت
ششم	پنجم	چهارم	سوم	
۰/۰۱۶	۰/۰۲۰	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	القاب آن حضرت
۰/۳۸۱	۰/۳۶۲	۰/۳۵۶	۰/۳۷۵	خصوصیات آن حضرت
۰/۰۷۱	۰/۰۹۴	۰/۰۴۴	۰/۰۹۶	نشانه‌های ظهور
۰/۰۸۷	۰/۱۴۸	۰/۱۳۳	۰/۱۵۴	ادله غیبی
۰/۲۲۲	۰/۲۲۱	۰/۲۷۸	۰/۲۶۹	انتظارات حضرت از مردم
۰/۲۲۲	۰/۱۵۴	۰/۱۶۷	۰/۱۰۶	فواید و تاثیرات ظهور

پس از نرمال سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (EJ)، ضریب اهمیت (WJ) محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی نیز محاسبه شد. نتایج جدول شماره ۱۷ نشان می‌دهد که از بین کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی پایه‌های تحصیلی سوم تا ششم بیشترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی پایه پنجم (۰/۲۶۰) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب درسی پایه سوم (۰/۲۴۳) بوده است.

جدول ۱۷. مقدار بار اطلاعاتی محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

پایه‌های تحصیلی	سوم	چهارم	پنجم	ششم
بار اطلاعاتی (EJ)	۰/۸۲۴	۰/۸۴۵	۰/۸۷۸	۰/۸۳۹
ضریب اهمیت (WJ)	۰/۲۴۳	۰/۲۵۰	۰/۲۶۰	۰/۲۴۸

هـ) نتایج بررسی سؤال پنجم پژوهش: در محتوای مجموع کتب چهارگانه چه میزان به مفاهیم مهدوی توجه شده است؟

جدول ۱۸. نتایج میزان توجه کتاب‌های درسی مجموع کتب چهارگانه دوره ابتدایی به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب نوع درس

کتاب‌های درسی						محورهای مرتبط با مهدویت
درصد	جمع	مطالعات اجتماعی	هدیه‌های آسمانی	آموزش قرآن	فارسی بخوانیم	
۵/۴	۱۸۸	۷	۷۴	۳۳	۷۴	القاب آن حضرت
۳۱/۷	۱۱۰۰	۱۷۳	۱۹۸	۳۴۹	۳۸۰	خصوصیات آن حضرت
۴/۷	۱۶۳	۳۷	۲۶	۵۵	۴۵	نشانه‌های ظهور

کتاب‌های درسی						محورهای مرتبط با مهدویت
درصد	جمع	مطالعات اجتماعی	هدیه‌های آسمانی	آموزش قرآن	فارسی بخوانیم	
۱۳/۸	۴۷۸	۶۱	۱۱۴	۱۴۱	۱۶۲	ادله غیبت
۳۱/۹	۱۱۰۴	۱۱۴	۲۴۷	۳۷۴	۳۶۹	انتظارات حضرت از مردم
۱۲/۵	۴۳۳	۷۷	۹۷	۱۱۶	۱۴۳	فواید و تأثیرات ظهور
۱۰۰	۳۴۶۶	۴۶۹	۷۵۶	۱۰۶۸	۱۱۷۳	مجموع

در جدول شماره ۱۹ داده‌های بهنجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در مجموع کتب چهارگانه دوره ابتدایی آمده است.

جدول ۱۹. داده‌های بهنجار شده توجه به محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتب چهارگانه دوره ابتدایی

کتاب‌های درسی				محورهای مرتبط با مهدویت
مطالعات اجتماعی	هدیه‌های آسمانی	آموزش قرآن	فارسی بخوانیم	
۰/۰۱۵	۰/۰۹۸	۰/۰۳۱	۰/۰۶۳	القاب آن حضرت
۰/۳۶۹	۰/۲۶۲	۰/۳۲۷	۰/۳۲۴	خصوصیات آن حضرت
۰/۰۷۹	۰/۰۳۴	۰/۰۵۱	۰/۰۳۸	نشانه‌های ظهور
۰/۱۳۰	۰/۱۵۱	۰/۱۳۲	۰/۱۳۸	ادله غیبت
۰/۲۴۳	۰/۳۲۷	۰/۳۵۰	۰/۳۱۵	انتظارات حضرت از مردم
۰/۱۶۴	۰/۱۲۸	۰/۱۰۹	۰/۱۲۲	فواید و تأثیرات ظهور

پس از نرمال‌سازی داده‌ها با استفاده از فرمول مرحله دوم روش شانون مقدار بار اطلاعاتی (EJ)، ضریب اهمیت (WJ) محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتاب‌های درسی کتب چهارگانه دوره ابتدایی نیز محاسبه شد. نتایج جدول شماره ۲۰ نشان می‌دهد که از بین کتب چهارگانه دوره ابتدایی بیشترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب هدیه‌های آسمانی (۰/۲۵۹) و کمترین ضریب اهمیت مربوط به کتاب آموزش قرآن (۰/۲۴۲) بوده است.

جدول ۲۰. مقدار بار اطلاعاتی محورهای مرتبط با مهدویت در محتوای کتب چهارگانه دوره ابتدایی

مطالعات اجتماعی	هدیه‌های آسمانی	آموزش قرآن	فارسی بخوانیم	پایه‌های تحصیلی
۰/۸۵۸	۰/۸۹۸	۰/۸۳۸	۰/۸۷۰	بار اطلاعاتی (EJ)
۰/۲۴۸	۰/۲۵۹	۰/۲۴۲	۰/۲۵۱	ضریب اهمیت (WJ)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان توجه به مفاهیم مهدوی در کتاب‌های جدید التالیف فارسی (بخوانیم)، مطالعات اجتماعی، قرآن و هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی (۲۱ مورد) در

راستای پنج پرسش اصلی انجام شده و در آن در ۶ محور و ۶۰ مؤلفه مفهومی مرتبط با مفاهیم مهدوی در محتوای کتاب‌های درسی ذکر شده بررسی شده است؛ هر چند مقایسه این کتاب به دلیل هم رتبه نبودن باید احتیاط صورت بگیرد. نتایج حاصل از بررسی پرسش‌ها پژوهش نشان داد که:

الف) در مجموع ۳۴۶۶ مرتبه به مفاهیم مهدوی توجه شده که در این میان سهم کتاب‌های جدیدالتألیف فارسی ۱۱۷۳ فراوانی یا ۳۳/۸ درصد، مطالعات اجتماعی ۴۶۹ فراوانی یا ۱۳/۵ درصد، آموزش قرآن ۱۰۶۸ فراوانی یا ۳۰/۸ درصد و هدیه‌های آسمانی ۷۵۶ فراوانی یا ۲۱/۸ درصد می‌باشد.

ب) از شش محور مفاهیم مهدوی بیشترین توجه به انتظارات حضرت از مردم با ۱۱۰۴ مورد و کمترین توجه به نشانه‌های ظهور با ۱۶۳ مورد شده است.

پ) با بررسی نتایج پژوهش میزان باز اطلاعاتی و ضریب اهمیت توجه به نمادها و مؤلفه‌های مهدویت و آموزش آن در برخی از کتاب‌ها همانند مطالعات اجتماعی (۰/۸۵۸، ۰/۲۴۸) و آموزش قرآن (۰/۸۳۸، ۰/۲۴۲) بسیار کم می‌باشد و لازم است در این کتاب‌ها تغییرات و اصلاحات لازم صورت پذیرد. این یافته با نتایج پژوهش پژوهش‌آمینی و همکاران (۱۳۹۱) همخوان است.

ت) در پایان نتایج و بررسی می‌توان گفت که در کتاب‌های جدیدالتألیف نسبت به کتاب‌های قبل توجه بسیار کمی انجام شده که این امر با توجه به وظیفه اشاعه مهدویت و انتظار همخوانی ندارد و کتب درسی رسالت خود را نمی‌توانند انجام دهند. علت این نوع از نارسایی را می‌توان در دو بخش عملی و نظری جستجو کرد. این از آن جهت است که تربیت مهدوی، تار و پودی در هم تنیده از عمل و نظر است، برخی از نارسایی‌های آن، نتیجه کجروی در عرصه و روابط عملی و برخی حاصل کج‌اندیشی در مقام نظر است. با توجه به تعامل و در هم تنیدگی عمل و نظر، ضعف‌های موجود در کتاب‌های درسی شکل بسیط نظری یا عملی ندارد، بلکه به صورت بافت‌های پیچیده، آشکار می‌گردند که در آن‌ها اعمال و اندیشه‌ها، یکدیگر را تأیید و تقویت می‌کند. نارسائی موجود می‌تواند آثار و پیامدهای نامطلوبی را در فرایند تربیت مهدوی دانش‌آموزن ایجاد نماید.

پیشنهادهای عملی

۱. مؤلفان و کارشناسان دفتر تألیف کتاب‌های درسی می‌توانند با بررسی محورها و

مؤلفه‌های این پژوهش در هنگام تألیف تغییر و اصلاحات کتب درسی به بازنگری محتوای کتاب‌های درسی در محورها و مؤلفه‌هایی که به آن توجه نشده است اقدام نمایند.

۲. تمام دروسی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است به تعبیر صاحب‌نظران دروس بودند که باید به محور مهدویت در آن توجه می‌شد این در حالی است که در کتب آموزش قرآن توجه بسیار کمی شده است و این از نقاط ضعف کتب درسی جدیدالتألیف می‌باشد که باید اصلاحات در آن‌ها انجام شود.

۳. انتظار می‌رفت به مفاهیم مهدوی در کتب مورد بررسی توجه بیشتری صورت می‌گرفت. شایسته است که دست‌اندرکاران و مؤلفان در کتب درسی توجه بیشتری به این مفاهیم صورت دهند.

۴. همه کتب جدیدالتألیف عرصه بیشتری در این مبحث مهم اعتقادی دارند و نباید مورد غفلت قرار گیرد. باید در این راستا با استفاده از داستان‌ها، قصه‌ها، متن‌ها و تصاویر به‌طور فعال دانش‌آموزان را به مفاهیم مهدوی آشنا ساخت.

۵. پیشنهاد می‌شود معلمان و دبیران محترم را با برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت و غیرحضوری با محورها و مؤلفه‌های مهدویت آشنا ساخت تا بتوانند در کلاس درس دانش‌آموزان را آگاه به این امر بسازند.

۶. می‌شود از افراد مسلط به مسائل مهدوی در کلاس درس دعوت نمود تا با دانش‌آموزان صحبت کنند.

۷. دبیران و معلمان می‌توانند با اجرای نمایش‌هایی با کمک فراگیران در مورد این مفاهیم (مهدویت) آنها را به‌طور دیداری و عملی آشنا سازند.

منابع

- احسانی، محمد، «زمینه‌سازی تربیتی مهدویت»، فصلنامه معرفت، سال بیستم، ش ۱۶۰، ۱۳۹۰ ش.
- امینی، محمد، ماشاءاللهی نژاد، زهرا، علیزاده زارعی، مرضیه، «تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت»، فصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ششم، ش ۱۰، ۱۳۹۱ ش.
- باقری، خسرو، «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت»، در: برترین‌های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش.

- جعفری هرندی، رضا، «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال ششم، ش ۲۴، ۱۳۹۱ ش.
- جعفری هرندی، رضا، نجفی، حسن، «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران»، فصلنامه مشرق موعود، سال هفتم، ش ۲۸، ۱۳۹۲ ش.
- حسینی دشتی، سیدعبدالله، چهره‌های درخشان معصوم، قم، انتشارات موعود اسلام، ۱۳۸۴ ش.
- سجادی، سیدمهدی، «تبیین و ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی (قابلیت‌ها و کاستی‌ها)»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۱۱، ۱۳۸۴ ش.
- سرمد، زهره، بارزگان، عباس، سید خواه، عبدالرضا، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات آگه، ۱۳۹۴ ش.
- شعبانی، زهرا، بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان، تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳ ش.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل، «رویکردهای افراطی و تفریطی درحوضه مهدویت»، ماه‌نامه موعود، ش ۹۲، ۱۳۸۷ ش.
- صالحی، غلام‌رضا، «مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۶ ش.
- فقیهی، علی نقی، نقد و بررسی وضعیت آموزش مهدویت در کتب درسی بینش و معارف اسلامی نظام آموزش و پرورش کشور قبل و بعد از انقلاب اسلامی، قم، موسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی با همکاری موسسه انتظار نور، ۱۳۸۸ ش.
- کرین، هانری، شیعه، مذاکرات و مکاتبات با علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۸۲ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- گودرزی، مجتبی، «بررسی آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی»، فصلنامه مشرق موعود، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۶ ش.
- لطف‌آبادی (۱۳۸۳)، بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به

- جهانی شدن و تاثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان، فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره ۹، پاییز ۱۳۸۳.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- مختارنژادعربی، حسن، بررسی ارتباط عمودی محتوای کتب درسی شیمی (۱، ۲، ۳) و پیش دانشگاهی) رشته علوم تجربی و ریاضی فیزیک متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۸۷ ش.
- مرزوقی، رحمت الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دو فصل نامه تربیت اسلامی، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- موسی‌پور، نعمت الله، تحولات برنامه درسی دینی دوره ابتدایی، دانش، دوره ۱۰، ش ۳، ۱۳۸۲ ش.
- مهرمحمدی، محمود، صمدی، پروین، «بازنگری در الگوی آموزشی دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، فصل نامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۳، ۱۳۸۲ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۴ ش.
- نوریان، محمد، راهنمای عملی تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، تهران، انتشارات شورا، ۱۳۹۳ ش.
- _____، تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران، تهران: انتشارات گویش نو، ۱۳۸۹ ش.
- یارمحمدیان، محمد حسین، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۹۰ ش.
- Altabach, P. C. Textbook in American society: Politics, and Pedagogy. Albany, NY: state university of New York Press, 1991.
- American Psychological Association (APA) media online Etymology Dictionary. From Dictionary. Com. Website: <http://dictionary.reference.com>, 2008.
- Eisner, E, W, The educational imagination: on the desing and evaluation of school programs. - Macmillan co. INC, New york, 1979.
- Giroux, H, A, The emancipation of teaching, 6 th ed. Allyn and Bacon , Boston, 1992.
- Groiss, Arnin & Nethanel Toobian (Nahhid), The Attitude to The other and to peace in Iraninan School Book and Teachers Guudes Downlo Center for Monitornig the Impact of peace, Study Downloadable from: <http://www>.

- Edume.org. 2006.
- _ Macdonald, J, J, Spiritual Health in Older Men. Paper Presented, Interactive Seminar on Older Men and Community Building, 2002.
 - _ SATC, "Iranian Textbooks: Content and Context", Research Report, www.Fas.Org/irp/dni/ose/Iran text. 2007.
 - _ Unesco, A Comprehensive Strategy for Textbooks and learning Materials, UNESCO, Paris, 2005.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

کرامت انسانی زمینه ساز عدل جهانی

مرتضی آقامحمدی^۱

چکیده

عدل از مهم ترین و بنیادی ترین سجایای اخلاقی است که ابعادی درونی، بیرونی، فردی و اجتماعی دارد. آنچه نهادینه شدن عدل در درون انسان را میسر می نماید ویژگی «کرامت نفس» است. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی به تشریح و تبیین چگونگی و چرایی مبتنی بودن تحقق عدالت بر کرامت نفس می پردازد. ابتدا مفهوم عدالت تبیین شده و بعد رابطه عدالت و کرامت نفس بررسی خواهد شد. علاوه بر کرامت در بعد فردی، کرامت جمعی و حکومت کریمه و نسبت آن با تحقق عدل مطالعه می شود و بیان می گردد که بدون کرامت نفس، عدل به معنای حقیقی آن اجرا نخواهد شد. پس عدل و کرامت انسانی توأمان بوده و جامعه مهدوی مبتنی بر کرامت انسانی کارگزاران آن بوده و عطیه کرامت نفس را برای تشنگان آن به ارمغان می آورد. از این رو می بایست جامعه مهدوی که در مسیر برپایی حقیقی عدل و قسط حرکت می کند، بر شالوده کرامت انسانی بنیاد نهاده شود. همچنین بیان خواهد شد که طاغوت‌ها همواره برای به بردگی کشیدن دیگران سعی در تخریب کرامت انسانی آن‌ها می نمایند.

واژگان کلیدی

عدل، کرامت انسانی، حکومت مهدوی، دولت کریمه.

۱. دکترای مطالعات اسلامی از موسسه بین المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم، دکتری شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، عضو هیئت علمی و استادیار جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگر موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر (مرام) (mam50025@gmail.com).

مقدمه

آثار متعددی در مورد عدل و نیز کرامت انسانی به نگارش در آمده و آن دو را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند، اما نسبت عدالت و کرامت در حکومت مهدوی در آثار مستقل متعددی بررسی نگردیده است. با این حال، از جمله آثار موجود که در این زمینه نوشته شده، مقاله «جایگاه عدالت در دولت کرامت محور مهدوی از منظر مقام معظم رهبری» نوشته رحمت‌الله مرزوقی و مرضیه مروتی است. این پژوهش با رویکرد نظری و با روش سندکاوی به تبیین شاخص‌های دولت عدالت‌محور از منظر مقام معظم رهبری پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عدالت اقتصادی، عدالت در قانون‌گذاری، عدالت قضایی و حقوقی، عدالت اجرایی و سیاسی، و عدالت آموزشی و فرهنگی، از مهم‌ترین شاخص‌های عدالت از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌باشند. این مقاله با بررسی یک جامعه آماری خاص، بیشتر در صدد رسیدن به رهیافتی برای تحقق عدالت است و بحث، ارتباط چندانی با آموزه کرامت ندارد و به عبارت دیگر تلاش کرده تا مجرا و مصادیق مهم عدالت در یک جامعه مهدوی را ترسیم نماید و ارتباط چندانی با بررسی مسئله کرامت انسانی و رابطه آن با عدل در حکومت مهدوی ندارد. اثر دیگری که به این بحث مرتبط است، مقاله «کرامت انسانی در دولت مهدوی» نوشته دکتر بهرام اخوان کاظمی است. نویسنده به تبیین نقش خدامداری در کرامت، زوال کرامت‌ها از ملاحظه قبل از ظهور، کرامت‌محوری و کرامت‌خواهی در ادعیه امام مهدی علیه السلام، بیعت‌نامه مهدوی، و برخی الزامات حکومت مهدوی همچون؛ عدالت و نفی تبعیض، امنیت و صلح همه جانبه و پایدار، فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت‌ها، رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن‌آوری، تأمین رفاه، بالندگی اقتصادی و معیشتی، کمال قوت و سلامت جسمی و روانی، رعایت و محترم شمردن حریم‌های خصوصی و عمومی پرداخته است. وجه تمایز مقاله ما در موضوعات و محتوای متفاوتی است که در رابطه عدالت و کرامت ارائه شده و در میان لوازم کرامت، صرفاً بر تحقق عدالت متمرکز می‌باشد. این مقاله نسبت بین عدالت و کرامت نفس و تقدم کرامت نفس بر عدالت و نقش این دو در حکومت مهدوی را بررسی خواهد کرد.

عدالت تنها ارزشی است که دارای حسن ذاتی است. در اسلام عدل ارزشی در کنار دیگر ارزش‌ها نیست، بلکه عدالت اساس دیگر ارزش‌ها است. این سخن فقط در مورد عدل الهی نیست، بلکه عدل به‌طور کلی مراد است. از ویژگی‌های عدل این است که استثنا پذیر هم نیست. در علم اخلاق گفته می‌شود برخی ارزش‌ها همیشه خوب هستند ولی برخی ارزش‌ها

استثناء پذیر بوده و گاه تبصره می‌خورند. به عنوان نمونه، صداقت ارزشی است که حسن آن همیشگی نیست و گاه برای مطلبی مهم‌تر همچون اصلاح ذات البین، ترک صداقت جایز، بلکه ممدوح می‌گردد، اما هرجایی که عدل صدق کند، حکم به حسن و نکویی آن می‌شود و جایی نیست که عدل تحقق یابد، ولی خوب و نیکو نباشد. دیگر مکاتب عدالت را در تعاملات بین انسان‌ها و رفتارشان با یکدیگر تفسیر می‌کنند، اما اسلام در درجه اول عدالت را صفت نفسانی یک مؤمن می‌داند که در مرحله پسین در تعامل با دیگران و حتی غیرانسان‌ها تجلی می‌یابد.

«...وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ...» (طلاق: ۱۰)

در اینجا سخن از ظلم به خود به میان آمده است. بنابراین ستم‌گر، پیش از آن که به دیگران ظلم کند به خود ظلم کرده است. در نقطه مقابل، عدالت ورزیدن نسبت به دیگران نیز متأخر از عدالت داشتن نسبت به نفس خود است. نه تنها عدالت ابتدایی مورد تأکید است، بلکه قرآن دستور می‌دهد که مؤمنین در مقابل کسانی که به آنها ستم روا داشته‌اند نیز عدالت پیشه کنند. تأکید بر این سفارش‌های اخلاقی آن هم در محیط جهالت‌زده جزیره العرب که شعارش «انصر اخاک ظالما او مظلوما» بوده، در ذات خود یک معجزه است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده: ۸)

مسلمانان می‌بایست به این آیه و آموزه‌هایی نظیر آن مباحثات نمایند. پیروی از آیینی متعالی که حتی ستم ورزیدن، نسبت به کسی که در ستم کردن به آنها پیشی گرفته را نیز جایز نمی‌داند، بسی گران‌قیمت‌تر از اموری همچون فتوحات و اقتدار گذشته‌ای است که امروزه مورد تفاخر مسلمانان است. این همان مکارم اخلاقی است که پیام‌گرامی ﷺ برای تکامل آن مبعوث گردید:

انما بعثت لاتتم مكارم الاخلاق. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۶، ۲۱۰)

مفهوم‌شناسی

۱۴۳

مفهوم عدالت، همواره اساسی‌ترین مفهوم در فلسفه اخلاق، دین، سیاست، حقوق و اجتماع بوده است (اصغری، ۱۳۸۸: ۲۳). عدل در مقابل ظلم، در لغت به معنای حد وسط میان دو وضعیت یا حالت، در اندازه یا چگونگی است و آنچه موجب اعتدال در نفس انسانی شود عدالت می‌باشد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که عدل قرار دادن هر چیزی در موضع و محل آن

است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ج ۹، ۸۳). تعریف‌های متعددی از عدالت توسط اندیشمندان در طول تاریخ ارائه شده است. افلاطون گوید: عدالت آن است که هر کس آنچه را حق اوست به دست آورد (کاپلستون، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۳۹). ارسطو عدالت را همان اعتدال و میانه‌روی و رعایت حد وسط بین افراط و تفریط می‌داند. به عقیده او عدالت، مادر سایر فضیلت‌ها است و فضیلت هر چیزی در حد وسط است (راسل، ۱۳۶۵ش: ج ۱، ۳۳۴). البته در اندیشه سیاسی جدید غرب، عدالت مفهوم دیگری می‌یابد. هابز معتقد است که عدالت دقیقاً عبارت است از وفای به عهد و پیمان، در صورتی که دیگران هم به قول و قرار خود وفا کرده باشند (تاک، ۱۳۷۶ش: ۱۰۴). مارکس با نگاهی اقتصادی عدالت را در این می‌داند که جامعه از هر کس به قدر توانایی بخواهد و به اندازه نیازش بدهد (بیتر، ۱۳۶۰ش: ۹۷). استاد شهید مرتضی مطهری، اقوال فلاسفه اسلامی در مفهوم عدالت را در چند معنا جمع‌بندی می‌کند: رفع تبعیض، رعایت حقوق و رعایت استحقاق‌ها (مطهری، ۱۳۸۲ش: ۵۶ به بعد). رفع تبعیض، به رعایت مساوات در شرایط یکسان و به تعبیر دیگر تساوی در قانون است. به نظر، بهترین تعریفی که با روایات مذکور در باب ظهور سازگار باشد، همین مفهوم است که عدالت عبارت است از رعایت حقوق و استحقاق افراد و پرهیز از تبعیض و ظلم، که با فهم عرفی نیز هماهنگ است.

اجرای عدالت از اهداف اصلی حکومت مهدوی

در روایات بسیاری تحقق عدل جهانی از اهداف مهم و اصلی قیام امام مهدی علیه السلام ذکر شده است. ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند:

المُهْدِي مَنِي وَهُوَ أَجَلِي الْجِبَهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَنَالُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ
جَوْرًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ. (ابوداود، ج ۶: ۳۴۲)

در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مهدی علیه السلام را فرزند خود معرفی کرده که عدل جهان‌گستری خواهد آورد:

إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَخَجَجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْهُمْ أَخِي وَأَخْرَهُمْ وَلَدِي
قَيْلٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْوَكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَيْلٍ فَسَنَ وَلَدَكَ قَالَ الْمُتَّهَدِيُّ الَّذِي
يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا
إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمُتَّهَدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى.
ابن مَرِّيمَ فَيَصَلِّي خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ. (ابن بابويه،
۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۰)

اصبغ بن نباته گوید امام علی علیه السلام را در حالی دیدم که با تفکر چشم به زمین دوخته بود. از حضرت پرسیدم به چه می اندیشید؟ حضرت فرمود:

وَلِكَيْتِي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشْرَمِينَ وُلْدِي هُوَ الْمُهْدِي الَّذِي يَمَلَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.... (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۸)

امام باقر علیه السلام فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ص يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۶۳)

اهمیت عدل و قسط تا جایی است که قرآن، رسالت همه انبیاء را امری واحد در طلب تحقق همین مهم معرفی می کند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾

(حدید: ۲۵)

کلمه «قسط» از آن جهت که در بردارنده مفهوم «اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط» است با عدل به یک معنا است. با این حال «قسط» جنبه تطبیق مفهوم عدالت و اجراء آن در مصادیق را داراست. بنابراین قسط، عدلی است که ظهور یافته و محسوس گشته و از همین روست که ترازو کردن اشیاء را قسط می گویند، چون عدل و تعادل را به صورت آشکارا نمایش می دهد (أبو هلال حسن بن عبدالله، بی تا: ۴۲۸).

«لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» بیانگر این حقیقت است که هدف انبیای الهی، اجرای عدالت به هر شکل و قیمتی نیست، بلکه تکامل انسان و جامعه انسانی، زمانی صورت می گیرد که انسان ها خود، قسط و عدالت را بر پا نمایند، نه اینکه انبیاء الهی با معجزه و امور خارق العاده، مجری عدالت باشند. آنها معجزه می آوردند تا بشر به آنها ایمان بیاورد و تعالیم الهی آنها را بپذیرد و سپس عدالت پیشه نماید. آن زمان که عدل، به اختیار و آزادانه انتخاب گردد، در تکامل روح انسان مؤثر خواهد بود. پس اراده الهی بر این نبوده که انبیاء، انسان ها را به هر طریقی به راه راست آورند و با اجبار و اکراه عدل را در میان آنان اجرا نمایند، بلکه آنان مقدمات هدایت را فراهم می کردند تا بشر به اختیار خود، در طریق کمال که همان تحقق راستین عدالت است، گام بردارد.

براساس وعده های الهی، عمر جهان بدون برپایی عدل، پایان نمی پذیرد و امام مهدی علیه السلام و یارانش این آرمان را برای بشریت محقق خواهند کرد. همان طور که گذشت این کار با معجزه

صورت نخواهد گرفت وگرنه این حرکت زودتر به وقوع می‌پیوست و لازم نبود این همه زمان بگذرد و او در غیبت باشد و جهان بدون حضرتش در رنج بماند. پس اگر قرار است که تحقق این مهم در زمان آن حضرت باشد، باید ابتدا یاران او، این ویژگی‌ها را در درون خود نهادینه نمایند تا بتوانند حضرت را برای ایجاد چنین فضایی یاری نمایند. بنابراین سبک زندگی مهدوی مبتنی بر اصل مهم عدل است. حال سوال این است که چگونه می‌توان به این مهم دست یازید؟ اجرای عدل پایدار در درون انسان، بدون داشتن کرامت نفس میسر نیست.

رابطه عدل و کرامت نفس

در آثاری که به بحث عدل پرداخته‌اند، به جای تبیین راه‌های تحقق آن، بیشتر، عوامل انحراف و دوری از عدالت مورد بررسی قرار گرفته است. گویا فرض آن است که اقتضای فطرت سالم و غیرمنحرف این است که انسان بر اساس عدل، رفتار نماید و خروج از عدل، خروج از حالت فطری و اولیه و اصیل انسانی است. خودبینی و خودستایی، محبت بی‌جا و ترجیح روابط خانوادگی و خویشاوندی، دشمنی و عقده‌گشایی‌ها و انتقام‌جویی‌هایی که انسان تحت تأثیر آنها قضاوت می‌کند، رشوه و دنیاپرستی و مال‌اندوزی از طریق حرام، پیروی از هوای نفس و ترک تقوی از جمله عوامل انحراف انسان از عدالت ذکر شده‌اند. هدف در نگارش این مقاله، بررسی مقومات اثباتی عدالت در نهاد انسان است. به تعبیر دیگر به جای بحث از موانع و عوامل بازدارنده از تحقق عدالت، سخن در شناخت آن خصوصیت یا خصوصیات است که موجب پیدایش و تقویت عدالت در درون انسان و تجلی آن در اعمال و رفتار انسان می‌گردد. برای تحقق راستین عدل، انسان‌ها می‌بایست آن‌چنان تربیت شوند که عدل در درون آنها نهادینه شده باشد تا در زمان به قدرت رسیدن و حکومت نیز هم‌چنان به آن پایبند باشند. تاریخ، فراوان به یاد دارد قیام‌هایی را که در جستجوی عدل و قسط به وقوع پیوست، خون‌های زیادی ریخته و جان‌های بسیار فدا شد تا حکومتی برقرار گردد، اما پس از لختی، همانانی که تشنه عدل و دشمن ظلم بودند، منش خود را تغییر داده و راه ظلم در پیش گرفتند و زین پس فرقی با دیگر ظالمان نداشتند، بلکه بدتر از آنها بودند، چرا که اینان به نام عدل و عدالت و ظلم‌ستیزی قدرت را به دست گرفته بودند. با این حال دیری نپایید که شیدایی‌های سابق فراموش‌شان شد و خوی مستکبران را به خود گرفتند. این امر، ناشی از عدم نهادینه شدن عدل در درون قلب آنان است. اکثر انسان‌ها از نفس ظلم بیزار نیستند، بلکه از ظلمی که

در حق آنان روا شود، اکراه دارند و به همین دلیل وقتی کسی به آنان ظلم کند بر نمی تابند، اما زمانی که خود به دیگران ظلم کنند، این امر آزارشان نمی دهد. چه بسیار هستند کسانی که از ظلم رئیس یا کارفرما یا مافوق خود در محل کار نالان هستند، ولی همینان به زیردستان و یا به فرزندان و خانواده خود ظلم روا می دارند. اگر اینان از ظلم متنفر بودند خود نیز نباید دامن به آن آلوده می کردند. (آقامحمدی، ۱۳۹۵: ۱۴) علاوه بر عدل فردی، جامعه باید به عدل کلان پیش از حکومت، در حکومت و پس از حکومت برسد. عدل کلان، پیش از حکومت وظیفه افشار مختلف جامعه و از جمله زمامداران است و می بایست امانت حکومت در اختیار صاحبان اصلی آن قرار گیرد. عدل در حکومت وظیفه حاکمان است که پس از به دست گرفتن قدرت، در مدیریت جامعه و اجرای وظایف و مسئولیت های حکومتی بر اساس عدل، عمل نمایند. عدل پس از حکومت هم به این است که مردم از حکومت و دستوراتش اطاعت نمایند و در مقابل حاکم عادل سرکشی نداشته باشند. پس همگان باید در بعد فردی و اجتماعی به عدل تمکین نمایند. (اراکی، ۱۳۹۳: ۲۶۵)

آنچه می تواند عدل را در درون انسان نهادینه کند تا اینکه ظلم را در قلب خود ناپسند بشمارد، همان بزرگی ای است که انسان در قلب خود به آن رسیده باشد، بزرگواری ای که مانع از آلوده شدن به هر نوع پستی و لثامتی باشد. امام هادی علیه السلام فرمود:

مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنْ شَرَّهُ؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۳)

کسی که خود را بزرگ نبیند نمی تواند دیگران را نیز بزرگ شمارد.

البته ممکن است گاهی شخص دون - نهاد، برای کسب منافع، در ظاهر کسی را تکریم و تعظیم نماید، ولی این رفتار از صدق دل نباشد و زمانی که آن نیاز برطرف شود، همان شخص را تحقیر نماید. در برخی جوامع افراد به راحتی تن به اعمال زشت و منافی کرامت انسانی می زنند؛ مثلا در حضور دیگران برهنه می شوند، در حالی که کسی که دارای کرامت نفس داشته باشد، نمی تواند چنین رفتاری از خود نشان دهد. انسان کریم نمی تواند دروغی بر زبان جاری کند و یا به منش انسان های پست، غیبت دیگران را مرتکب شود و یا به دیگران توهین کند. ممکن است پنداشته شود که عوامل دیگری همچون تربیت ناصحیح، جامعه فاسد، حرص و طمع و امور متعدد دیگری نیز وجود دارند که انسان را به انحراف می کشند و این صرفا در مورد فقدان کرامت نفس نیست. در مقابل باید دانست که کرامت نفس یا فقدان آن را نمی توان در

ردیف دیگر عوامل انحراف و موانع پیشرفت قرار داد، چراکه این امر به لحاظ رتبی، مقدم بر دیگر عوامل است و در کنار آنها و هم عرض آن امور دیگر نیست. تأثیر حرص، طمع و دیگر رذایل در حالتی است که کرامت نفس انسان، مغلوبه باشد. انسان دارای کرامت نفس نمی‌تواند حریص باشد، چراکه دنیا در چشم او کوچک است و دیگر نمی‌تواند تب و تاب او را برانگیزد و او را به خود مجذوب نماید. صاحب نفس کریم تابع شهوت و هوای خود نیست و کرامت و بزرگواری او مانع تن دادن به پستی و حقارت می‌شود. انسان کریم در جامعه فاسد هم، رنگ نمی‌بازد و تابع جمع نمی‌گردد. نمونه بارز این وصف، حضرت یوسف علیه السلام است که در فضای شهوت‌آلود قصر بزرگ شده، اما کرامت نفس او مغلوب آن فضای ناپاک نیست، همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

الکریم بن الکریم بن الکریم ابن الکریم هو یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم.
(فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۵)

این انسان کریم است که در جواب خواسته نابجای آن زن، به یاد لطف‌ها و محبت‌های اربابش افتاده و به خود اجازه خیانت به او را نمی‌دهد و می‌گوید:

«إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ». (یوسف: ۲۳)

امام کاظم علیه السلام فرمود:

وَأَنَّ أَكْبَرَ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطْرًا. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹)

آن‌گاه که انسان خود را پربهاتر از همه آنچه در دنیا است بداند، حاضر نمی‌شود به کوچک‌ترین پستی تن دهد و یا ظلمی روا دارد. چنین روحی است که حاضر نمی‌شود همه دنیا را به بهای ستاندن پرکاهی از موری به دست آورد. آن که به قیمت خود واقف شد، درمی‌یابد که رسیدن به آرزوها از راه پستی و حقارت در واقع زیان و خسران است و هیچ چیز نمی‌تواند خسارتی که به نفس او وارد می‌شود را جبران نماید. همان‌طور که حضرت امیر علیه السلام فرمود:

وَأَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَفْتَكَ إِلَى رَغْبَةٍ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوَضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا ... (حرانی، ۱۴۰۴: ق: ۷۷)

کرامت نفس بسیار به عدالت نزدیک است. اگر کرامت انسان نقض گردد و با او همچون حیوانی برخورد شود، در این صورت با اینکه حیات دارد، اما یکی از برترین حقوق خود را از

دست داده است. پس مهم‌ترین عدل، این است که انسان به کرامت و شخصیت انسانی خود برسد، و این چیزی است که می‌بایست روزی بشر آن را در زندگی خود ببیند. از طرف دیگر بدون داشتن کرامت، نفس انسان نخواهد توانست عدل را در زندگی فردی و اجتماعی اجرا نماید. استاد شهید مرتضی مطهری این مطلب را به خوبی تبیین نموده است:

وقتی انسان را به باطن ذاتش سوق می‌دهند، وقتی انسان خودش را می‌بیند (شرافت و کرامت خویش را احساس می‌کند) این دیگر درس نمی‌خواهد، از همین جا الهام می‌گیرد. یعنی احساس می‌کند که پستی و دنائت با این جوهر عالی سازگار نیست؛ قلب ماهیت کردن (وارونه نشان دادن حقایق)، دروغ‌گویی و نفاق با آن سازگار نیست، فحشاء با آن سازگار نیست. این است که انسان با نوعی معرفت‌الذات، با توجه به نفس، الهامات اخلاقی را دریافت می‌کند... و این است معنی «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْهَا * فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوِيهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَقَهَا * وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيَهَا». (مطهری، بی‌تا: ج ۲۲، ۶۷۱)

حکومت کریمه، حکومت عدل گستر

عمده تکالیف فردی و مناسک، مثل نماز و حج روشن هستند و تکلیف انسان در قبال آنها معلوم است و همیشه باید انجام شوند. حلال و حرام هم به همین شکل روشن هستند و به طور عمده افراد متدین در تشخیص این امور و عمل به وظیفه مشکل‌چندانی ندارند و کافی است که مسائل و احکام این تکالیف را آموخته و هر کدام را با آداب و شرایط مربوطه به جای آورند، اما تشخیص و انجام تکالیف اجتماعی و آماده کردن جامعه برای تعالی و رشد، امری پیچیده و دشوار است. فرهنگ، امری سیال و پرمؤلفه است که عمدتاً قابل لمس نبوده و نمی‌توان به سادگی با محاسبات ریاضی آن را تغییر داده و مهندسی نمود. غالباً فرهنگ‌ها در طی قرن‌ها شکل گرفته و تغییراتشان هم به کندی و با شیبی ملایم رخ می‌دهد. البته برهه‌هایی وجود دارند که در برخی زمینه‌ها، تغییرات فرهنگی به سرعت اتفاق افتاده است، ولی به هر حال این‌ها کلیت ندارند و به آسانی قابل تکرار نیستند و معمولاً این تغییرات سریع، در جهت انحراف و ابتذال تحقق می‌یابد، نه کمال و رشد که منوط به شکوفایی فکری و اخلاقی و آگاهی و بصیرت است. حال تلاش برای نهادینه کردن فرهنگ مبتنی بر کرامت انسانی و تمایل اختیاری انسان‌ها به ارزش‌های والا، امری است که باید به مرور زمان شکل بگیرد و از آنجا که اجرای حقیقی قسط و عدل در گرو کرامت ذاتی مصلحان است، هر اقدامی در این راستا، ارتباط مستقیم با مسئله قیام امام مهدی علیه السلام خواهد داشت. به همین جهت کسی که برای این مهم

تلاش نماید حتی اگر پیش از ظهور حضرت از دنیا رود، به واقع در شمار یاران حضرت محسوب می‌شود و بر این اساس تعبیراتی که در روایات هست که چنین شخصی را همچون کسی می‌داند که در رکاب حضرت از دنیا رفته است، بر سبیل مجاز و استعاره نیست. همان‌طور که از امام صادق علیه السلام روایت شده:

... وَإِنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ قَائِمِنَا هَكَذَا فِي فَسْطَاطِهِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۲۲)

در دعای افتتاح آمده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ نُعْزِبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ بِهَا التِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۲۴)

حکومت عدل جهانی که عدل و قسط و کرامت را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد، مایه عزت و سربلندی اسلام و مسلمانان خواهد بود و کارگزاران آن نیز این خصلت را در خود دارند و همین میوه و محصول را هم به بشریت تقدیم می‌کنند. اگر دولت، خود کریمه نباشد نمی‌تواند به کسی کرامت دهد. کسی که خود کرامت ندارد نمی‌تواند با کرامت با دیگران رفتار نماید. در نتیجه می‌بایست جامعه منتظر، به دنبال سیستمی باشد که کرامت انسانی را به ارمغان بیاورد. وقتی این بزرگ موهبت الهی به انسان‌ها عطا شد و این بالاترین حق به آنها داده شد، آنها قدردان آن مکتبی خواهند بود که این گمشده بشریت در طول تاریخ را به آنها ارزانی داشته است و در نتیجه، اسلام در نظر همگان عزیز و گرانقدر می‌شود. چنین حکومتی در پی سلطه بر انسان‌ها نیست، بلکه هدفش خدمت است و این در حد شعار نیست. در چنین حکومتی افراد مجال نمی‌یابند تا برای رسیدن به قدرت، تظاهر به خیرخواهی نمایند و ادعای خدمت کنند و بعد برای خود کیسه بدوزند، بلکه ساختار به نوعی است که صالحان و افراد شایسته به مسئولیت می‌رسند. آنها که صرفاً ظاهری صالح ساخته ولی بی‌کفایت هستند، فرصت جولان نمی‌یابند. در این ساختار حکومتی، افراد کریم، به قدرت رسیده و با قوانین مبتنی بر کرامت، خدمت کریمانه می‌کنند و جامعه هم به کرامت می‌رسد و این کرامت را اقتصاد، فرهنگ و رسانه، سیاست و دیگر بخش‌های مختلف احساس می‌کنند و این بهره‌مندی، سبب قدردانی و رضایت اکثریت از اسلام رهایی‌بخش می‌گردد و در نتیجه اسلام و اهل آن عزیز می‌شوند:

تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ.

تحقق کرامت، جدای از اجرای قسط و عدل نیست و در چنین فضایی هرکس به اندازه صلاحیت خود، رشد می‌کند. افراد سخت‌کوش نادیده گرفته نمی‌شوند و انسان‌های چاپلوس به مقام و منصب نمی‌رسند. مدیر و رئیس و حاکمی که کرامت نفس دارد و در خود خلأ شخصیتی احساس نمی‌کند، تشنه تملق مزوران و بندگان قدرت نخواهد بود. وقتی معیار بها دادن و جایگاه هرکس، بر اساس توانایی‌های واقعی وی باشد، دیگر خوبان ناامید و حيله‌گران امیدوار نمی‌شوند، تملق و ریا و چاپلوسی عیار خود را از دست داده و دکان‌شان بی‌رونق می‌گردد. آنجا که کریمان حکم برانند نفاق رسوا می‌شود. لازم نیست منافق با شمشیرگردن زده شود، بلکه بازارش کساد می‌شود و متاعش بی‌رونق می‌گردد و دیگر برای اهل نفاق جایی نخواهد بود:

و تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ.

بر این اساس نیاز نیست که الزاما حضرت، منافقان را بکشد، بلکه کافی است که حقیقت آنها آشکار گردد تا رسوا و ذلیل شوند و نتوانند مردم را فریب دهند و جایگاهی به دست نیاورند. چاپلوسی، بلا و آفت جامعه و دولت است و این با حکومت مهدوی فاصله‌ای بسیار دارد. پس مشکل اولیه و بنیادین حکومت مهدوی با کافران نیست، بلکه با منافقان است، با گرگانی که لباس میش می‌پوشند و جای خوبان را اشغال می‌کنند و دیگر مجالی برای رشد صالحان باقی نمی‌گذارند. اینان به دلیل توخالی بودن خود و ادعاهایشان، هرگز اجازه نمی‌دهند انسان‌های پرتوان و کارآمد به مناصب و جایگاه لائق‌شان دست پیدا کنند، زیرا در این صورت توانمندی آنها، این طبل‌های توخالی را رسوا می‌کند. نفاق اینچنین است و با ظاهرسازی خود را محبوب کرده بر دیگران سلطه می‌یابد. از بین بردن این جریان با کشتن آنها میسر نمی‌شود بلکه باید حقیقت آنها به دیگران نشان داده شود تا دیگر جایی برای بازگشت آنها و دست اندازی بر سرنوشت مردم برایشان باقی نماند.

تا زمانی که تزویر و تملق و چاپلوسی در جامعه حاکم باشد و مناسبات آن را تحت تأثیر قرار دهد و بر این اساس با افراد برخورد شود، نباید آن جامعه را مهدوی دانست. سبک زندگی مهدوی مبتنی بر کرامت انسانی و سرایت این نگاه بر تعاملات فردی و اجتماعی افراد در جامعه است.

وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةَ فِي سَبِيلِكَ.

برای داشتن سبک زندگی مهدوی و فراهم آوردن بستر مناسب برای قیام حضرت، این کافی نیست که انسان خود با تقوا باشد، بلکه باید کرامت الهی در وجودش تجلی کرده و قلبش با این بزرگواری انس گرفته باشد و در مرحله بعد این کرامت و زیبایی در برخوردهای اجتماعی او، خود را نشان دهد و دیگران را هم به این ارزش‌ها رهنمون گردد. در این صورت دل‌ها مهربانی پذیرش عدل و قسط می‌شوند و در چنین دولتی کرامت دنیا و آخرت به بشریت عطا می‌شود:

تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

رسیدن به کرامت دنیا و آخرت کار آسانی نیست و تلاش زیادی لازم است تا مردم دنیا با دیدن یک مسلمان او را تحسین کنند. این با معجزه و قدرت ماورایی به دست نمی‌آید، بلکه نیازمند تلاش و تحمل مشقت‌ها است و مؤمنین باید آن ارزش‌ها را در خود و اطرافیان‌شان نهادینه نمایند تا به کرامت دنیا و آخرت برسند. بر این اساس منتظران باید در تعلیم و تربیت و روابط خانوادگی بهتر از دیگران باشند. باید قابل اعتمادترین، امانت‌دارترین و مهربان‌ترین باشند، وگرنه آن کرامت و عزت در دنیا کسب نخواهد شد. کسب چنین عزتی در زندگی فردی کار دشواری است، چه رسد به اینکه قرار باشد عزت جمعی به دست آید. عزت جمعی زمانی به دست می‌آید که به عنوان یک جامعه و گروه عمل شود. امام یک امت می‌خواهد نه افرادی که از هم متنفر و دور باشند. اگر مؤمنین نتوانستند در سطح جهانی موفقیت کسب کنند، دست کم می‌بایست تلاش کنند تا در شهر و منطقه خود این‌گونه باشند.

اهمیت توجه به کرامت نفس کودکان

جامعه‌ای که مشتاق داشتن فرزندان مهدوی است، می‌بایست از همان آغاز به تربیت آنها اهتمام داشته باشد. امور مهمی در این زمینه وجود دارند که این مقاله در صدد بیان همه آنها نیست، با این حال یکی از نکاتی که به این بحث مربوط است، توجه به تربیت کریمانه کودکان است. والدین باید توجه داشته باشند که از همان ابتدای ولادت، رفتاری احترام‌آمیز با کودک خود داشته باشند و کودک بی‌تجربه و پراشتباه را به خاطر خطاها و لغزش‌هایش سرزنش و تحقیر و ملامت نکنند. توهین و تحقیر و استفاده از الفاظ نامناسب در برخورد با کودک، کرامت و بزرگی نفس او را تخریب می‌کند و بی‌شک کودکی که بدون کرامت نفس بزرگ شود، همان‌طور که در حدیث امام هادی علیه السلام آمده بود، می‌تواند به هر پستی و حقارتی تن دهد. چنین انسانی نه نسبت به خود و نه دیگران احترام قائل نخواهد بود و نمی‌توان از چنین شخصی انتظار رعایت

عدل را داشت. خداوند متعال این حقیقت را در داستان حضرت یوسف علیه السلام تبیین کرده است؛ آنجا که عزیز مصر به همسر خود می‌گوید:

﴿أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا﴾. (یوسف: ۲۱)

او از همسرش می‌خواهد یوسف را گرامی دارد تا او را به فرزندگی انتخاب کنند و یا برای شان نفعی داشته باشد. یکی از جلوه‌های همین نفع رسانی درجایی است که چند سال بعد وقتی همسر عزیز، تقاضایی نامشروع از یوسف علیه السلام داشت، او در جواب گفت:

﴿إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ﴾. (یوسف: ۲۳)

من چگونه می‌توانم تسلیم چنین خواسته‌ای بشوم، در حالی که در خانه عزیز مصر زندگی می‌کنم و در کنار سفره او هستم و او مقام مرا گرامی داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش: ج ۹، ۳۶۸)

چه فرمول تربیتی زیبایی در آیه فوق مطرح شده است. می‌گوید به زیر دست خود احترام کنید آن وقت امید است روزی به شما سود رساند. پدر و مادری که امروز به کودک خود احترام نمی‌گذارند نمی‌توانند توقع داشته باشند که این فرزند فردا برایشان سودمند باشد و میوه احترام را از رفتار و اعمال او بچینند.

طاغوت‌ها و تخریب کرامت انسان

برعکس الگوی مهدوی، همواره یکی از شگردهای کسانی که می‌خواهند انسان‌ها را به استعمار خود گیرند و آنان را برده و مطیع خود نمایند، این است که آنان را از کرامت خود تهی نمایند.

﴿اسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾. (زخرف: ۵۴)

اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد، این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از فکر و اندیشه نگه دارند، و با انواع وسائل آنها را تحمیق کنند، آنها را در یک حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فرو برند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش: ج ۲۱، ۸۸)

آگاهی از شأن و جایگاه انسانی خود و بیدار شدن ملت‌ها و رشد فکری‌شان، مانع سلطه بر آنها خواهد بود. کسی که به ارزش خود واقف شود نمی‌تواند بنده و تسلیم نااهلان باشد. طاغوت‌های امروز، وسائل ارتباط جمعی و رسانه‌های گسترده‌ای در اختیار دارند و از طریق این

ابزار متنوع انسان‌ها را تحمیق می‌کنند و قیمت انسانی آنها را کتمان نموده و بر آنها حکمرانی می‌کنند. این «انسانِ خود-گم کرده» است که یک تیترا خبری در مورد حیوان خانگی یک بازیگر، برایش جذاب‌ترین خبر می‌شود و در ردیف پرمخاطب‌ترین‌ها قرار می‌گیرد. این انسانی است که کرامت الهی خود را فراموش کرده و به یاد ندارد که روزی مسجود ملائک بوده است. این چنین است که طاغوت‌ها گاه هزینه‌های سرسام‌آوری می‌کنند تا برای مردم‌شان سرگرمی‌های متنوع و جذاب ایجاد کنند، آن قدر زیاد که کسی مجال اندیشیدن به خود را پیدا نکند و در غفلت مدام بماند. این همان نفاق است که با برپایی حکومت کریمه رسوا خواهد شد.

نتیجه‌گیری

عدالت مهم‌ترین ویژگی اخلاقی است و انبیای الهی همه برای برپایی آن مبعوث شدند. عدل گسترده و حقیقی در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام محقق می‌شود. آنچه دل‌های انسان‌ها را برای قبول و اجرای عدل در درون خود و در اجتماع آماده می‌سازد، داشتن کرامت نفس است. کرامت انسانی، مقدمه ظهور حضرت است تا دل‌ها ظرفیت پذیرش عدل را داشته باشند. ثمره حکومت مهدوی، گسترانیدن عدالت و کرامت در جامعه بشری است تا همگان طعم انسان بودن را بچشند. از این روی کسانی که می‌خواهند از یاران امام مهدی علیه السلام باشند، می‌بایست کرامت انسانی را در خود زنده و آن را به دیگران نیز هدیه نمایند.

منابع

- آقامحمدی، مرتضی. (۱۳۹۵ ش). *سبک زندگی مهدوی*، قم: انتشارات رسول اعظم صلی الله علیه و آله
- ابن منظور، محمد. (۱۴۰۸). *لسان العرب*، تعلیقه علی شیرازی، بیروت: دار احیاء تراث العربی
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه، چاپ: دوم
- أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران العسکری، (بی‌تا)، *الفروق اللغویة*، قاهرة: دار العلم والثقافة للنشر والتوزیع
- ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی. (۲۰۰۹). *سنن ابی داود*، سوریه: دارالرسالة العالمية
- اراکی، محسن. (۱۳۹۳ ش). *فقه نظام سیاسی اسلام*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف
- اصغری، سیدمحمد. (۱۳۸۸ ش). *عدالت به مثابه قاعده*، تهران: انتشارات اطلاعات

- پیتر، اندره. (۱۳۶۰ش). *مارکس و مارکسیسم*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم
- حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: جامعه مدرسین
- راسل، برتراند. (۱۳۶۵ش). *تاریخ فلسفه غرب*، تهران: نشر پرواز
- رضی، الشریف. (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، ترجمه: صبحی صالح، قم: هجرت
- ریچارد تاک. (۱۳۷۶ش). «هانیز»، ترجمه حسین بشیریه، تهران: طرح نو
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر
- کاپلستون. (۱۳۷۵ش). *تاریخ فلسفه*، ترجمه جلال الدین اعلم، تهران: انتشارات سروش
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه
- کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- مطهری، مرتضی (بی تا). *مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری*، نرم افزار نور
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه

مجلة فصلية علمية

تعني بحوث ودراسات مهدوية

السنة الخامسة، العدد ١٩، شتاء ١٤٣٨ ق / ١٣٩٥ ش

هيئة التحرير:

الدكتور السيد رضى الموسوى الجيلاني مساعد وعضو الهيئة العلمية في جامعة الاديان والمذاهب الاسلامي في قم المقدسة	حجة الاسلام والمسلمين السيد مسعود بورسيدا آقائي استاذ الحوزة العلمية في قم المقدسة
حجة الاسلام والمسلمين الدكتور جواد جعفرى مساعد وعضو الهيئة العلمية في كلية البحوث والدراسات الحج في قم المقدسة	حجة الاسلام والمسلمين الدكتور نصرت الله آيتى عضو الهيئة العلمية في مركز المستقبل المشرق التخصصى (كلية البحوث والدراسات المهدوية) في قم المقدسة
حجة الاسلام والمسلمين الدكتور محمد صابر جعفرى عضو الهيئة العلمية في مركز المستقبل المشرق التخصصى (كلية البحوث والدراسات المهدوية) في قم المقدسة	حجة الاسلام والمسلمين محمد تقى هادى زاده استاذ الحوزة العلمية في قم المقدسة
حجة الاسلام والمسلمين الدكتور حسين الهى نجاد مساعد وعضو الهيئة العلمية في كلية العلوم والثقافة الاسلامية في قم المقدسة	حجة الاسلام والمسلمين الدكتور صادق سهرابى عضو الهيئة العلمية في مركز المستقبل المشرق التخصصى (كلية البحوث والدراسات المهدوية) في قم المقدسة
حجة الاسلام والمسلمين محمد تقى ربانى عضو الهيئة العلمية في كلية العلوم والثقافة الاسلامية في قم المقدسة	

تعريب خلاصة المقالات:

لجنة التعريب
تصنيف:
على قنبرى
مطبعة:
ناصر احمد بور
تغطية مصمم:
ابوالفضل بيكدلى نسب

المدير المسئول:

السيد مسعود بورسيدا آقائي
رئيس قسم التحرير:
نصرت الله آيتى
المدير الداخلى و سكرتير هيئة التحرير:
مجتبى خانى
مقوم النص:
م. خ

مكتب النشر: قم، شارع الشهداء (صفائية)، زقاق ٢٥، رقم الدار ٢٧

هاتف: ٣٧٨٣٣٣٤٨ - ٢٥ فاكس: ٣٧٧٣٨٢٤٠ - ٢٥

صندوق البريد: ٤٧١ - ٣٧١٨٥ الرمز البريدى: ٤٥٦٥١ - ٣٧١٣٧

مركز التوزيع و النشر: قم، شارع الشهداء (الصفائية)، زقاق ٢٥، رقم الدار ٢٧، هاتف: ٣٧٨٤٠٩٠٢

الكمية: ١٠٠٠ السعر: ٢٩٥٠٠٠ ريال

البريد الكترونى: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com - pajoheshhayemahdavi@gmail.com

موقع الانترنتى للمجلة: magiran.ir - noormags.ir

خلاصة المقالات

تعريب: لجنة التعريب

دراسة إدعاءات داعش الرهيبة (مع التركيز على دراسة مقارنة حديث «الدابق»)

محمد حسن زارع^١

كلمة «داعش» إختصار من عبارة «دولة الاسلام فى العراق و الشام» و تشير فى زماننا هذا إلى فرقة من المحاربين المتطرفين من اهل السنة. تلك مجموعة باعثة من التفكير السلفى مع التوجّه الخاص إلى الجهاد و تكفير سائر الفرق الاسلامية و التى تقود فتنة عظيمة فى العالم الاسلامى. الداعش لاستجلاب الحماية العامة، استهدف الفرق الرهيبة تدريجيا و عرض نفسه بعنوان واحد من الممهدين للمهدى المنتظر. يوجد علائم بروز هذا الادعاء بوضوح فى آثارهم و جرائدهم. يسعى الداعش فى تثبيت حقانيته و الزام الآخرين بالخضوع لديه بتطبيق حديث نبوى اشتهر بـ«حديث الدابق» على نفسه. هذا البحث، بصدد دراسة هذا الادعاء بطريق توصيفى –تحليلى. و النتيجة الاخيرة، بمساعدة مبانى فقه الحديث و التوجّه إلى خدع الفرق الانحرافية فى مقارنة النصوص الدينية على أنفسها، هى أنّ هذه المقارنة الادعائية من جانب الداعش، اضلال و باطلة من مختلف الجهات.

المصطلحات الأصلية فى البحث

دراسة مقارنة ، الروايات الرهيبة، المهدوية، المدعين الزائفين، داعش، الدابق

١. ماجستير فى المهدوية، الحوزة العلمية فى قم المقدسة، معهد المهدوية (m_h_zare@hotmail.com).

المنجى المجوسى: دراسة مفهوم سوشيانى فى كتاب «گاهان» المقدس

بدرام سروشپور^۱

هذه المقالة يبحر عن تعريف المنجى المجوسى و دراسة مفهوم سوشيانى فى كتاب «گاهان» المقدس. يلزم أن يعدّ أناشيد زرادشت من أقدم المكتوبات التى يذكر فيها المنجى العالمى القادم أو من يعبر عنه بسوشيانى. على ضوء تعاليم زرادشت فى «گاهان»، أهم خصيصة فى المسمين بسوشيانى هو أنهم بارتقاءهم المعنوى و نيلهم إلى الكمال الروحى و «امشاسبندان» السبعة، يصلون الى درجة يقدرّون على تحقيق أعلى الاهداف الدينية فى الارض و هى العدالة و الصداقة و الفكر الحسن و بقول شامل: جميع صفات أهورا مزدا و يقضون على جميع الشرور فى العالم.

المصطلحات الأصلية فى البحث

المنجى المجوسى ، سوشيانى، كتاب «گاهان» المقدس

دور الخوف فى غيبة الامام المهدي ﷺ

محمد مهدى حائرى بور^۲

غيبة الامام المهدي ﷺ، بعد إثبات ولادته و وجوده الشريف، من العقائد المؤكدة التى لا دليل على إنكارها لدى الامامية، خاصة أنها برأسها طرحت فى روايات كثيرة و علّلت بعلم مختلفة كخوف الامام على نفسه؛ مع ذلك قام المخالفون بالتشكيك حولها و حاولوا أن يسجلوا غيبة الامام بعنوان أمر يخالف العقل و سيرة الحجج الالهية و أن يعرضوا الخوف كعلة للغيبة بعنوان أمر لا مبرر له؛ مع أنّ هناك كثير من الشواهد الروائية حول الموضوع و فى التاريخ القرآنى للانبيا فيه ذكر الخوف على النفس و أيضاً يبرره الشواهد التاريخية فى عصر الامامين العسكريين و الدقة العقلية فى ظروف معيشة الامام الحجة. حاول هذه المقالة أن تجيب عن مختلف

۱. الكاهن الزردشتي من اعضاء مجتمع الكهنة الزردشتية فى طهران.

۲. عضو الهيئة العلمية فى مؤسسة المستقبل المضيء (كلية البحوث والدراسات المهدوية) قم (mm.haeri313@gmail.com).

الشبهات حول هذه المسألة .

المصطلحات الأصلية في البحث

الامام المهدي، الغيبة، خوف القتل، موسى عليه السلام، الحجة الالهية، علل الغيبة.

عناصر الحضارة الممهدة للظهور مع التركيز على المباني الدينية وافكار السيد القائد

جواد منزوي بزركي^١

سجاد حبيبان^٢

البحوث التي أنتشرت لحدّ الآن في بيان وظائف المنتظرين في عصر الغيبة الكبرى و ضرورياتها الثقافية، قد أكثرت من لحاظ الوظائف الفردية و الاخلاقية للمنتظر و أقلت من بيان خصائص الحضارة الممهدة للظهور في حين أنّ أحاديث اهل البيت في هذا المجال أكثر و أكثر.

السؤال المقترح في هذا المجال: هل التمهيد الفردي يكفي للظهور أم نحن بحاجة الى الحضارة الممهدة؟ و ما هي العناصر التي لا بدّ منها في الحضارة الممهدة كي يتمكن من تمهيد تحمّل حاكميّة الامام و قبول ولايته؟ و طريق الوصول الى المستوى الاعلى من هذه القدرة، التزام الحضارة الممهدة بمهامته الدينية، بهدف توفير مقدمات الظهور. هذه المقالة تحاول أن تعرض العناصر الممهدة بطريق تحليلي - تفسيري مع الاعتماد على الاحاديث و كلمات السيد القائد (حفظه الله تعالى). هذا البحث يتضمن اثني عشر عنصرا من كلمات السيد القائد حول الحضارة الممهدة و التي تجمعها العناوين الثلاثة (المعرفة، العاطفة، و السلوك) و أنّ التمهيد الفردي ليس بكاف للظهور بل لا بدّ من التمهيد الحضاري الذي اهمّ خصائصه عدم تعطيل رسالة الامام المهدي عليه السلام.

١. طالب شهادة الدكتوراه في دراسات الامن الوطني في الجامعة العليا للدفاع الوطني. الكاتب المسئول (j.monzavi@sndu.ac.ir).

٢. الماجستير في ادارة الموارد البشرية في جامعة شاهد.

المصطلحات الأصلية في البحث

التمهيد، الحضارة الممهدة للظهور، خصائص الحضارة الممهدة للظهور، كلمات السيد القائد.

خصائص المنقذ و عصر الظهور من وجهة نظر زوار جامع جمكران المقدس

سكينه خاتون تشنت زرین^١

توضّح خصائص «عصر الظهور» في المصادر المختلفة للأديان الإبراهيمية وأحياناً لسائر الأديان في العالم بطرق مختلفة و للطوائف الأخرى و بعض هذه الخصائص، شيوخا وبعض لديها الكثير من الخلافات. لكن غير هذا الاعتقاد في الأديان المختلفة في مواجهة العاملين به. في هذه المقالة نحاول أن نتعرض بالنتائج الحاصلة من دراسة بعنوان «عالم الحياة في جمكران، قصة بترب» و إقترنا في هذه المقالة باكثر الضيوف (لجامع جمكران) في عالم حياتهم و تجاربهم و تابعنا مراحل تشكيل هذا الاعتقاد في حياتهم عن طريق القيام بالمقابلة الروائية. تقيّم خصائص المنجى و عصر الظهور من وجهة نظر الضيوف ذيل الهدف الاساسي في هذه المقالة. وفقا لمحتوى المقابلات و تفاعل الباحث مع الزوار في حين المقابلة يبدو أنّ تصور عامّة الناس من خصائص الامام العصر عليه السلام و عصر الظهور يختلف مع ما يشار اليه في الكتب الدينية و الاعتقادييه المختلفه أو وسائل الاعلام الرسمية و ينفصل تصورهم بالنسبة إلى الامام من الخطاب الشيعي المستقر و بالتالي تتصل هذه المفاهيم و المضامين الدينية بمشاغل الناس اليومية و تختص بهم.

المصطلحات الأصلية في البحث

عصر الظهور، المنجى، المقابلة الروائية، زوار جامع جمكران المقدس.

تقييم المحتوى للكتب المدرسيه الجديدة التأليف في المدارس الابتدائية من

وجهة قدر الانتباه الى المفاهيم المهدوية على اساس تقنية «آنتروبي شانون»

الدكتور رضا جعفرى هرندي،^١ حسن نجفى،^٢ ابوالفضل رحيمى^٣

١. الماجستير في علم الاجتماع في جامعة آزاد في طهران (tashtzarrin@yahoo.com).

كان الهدف من هذه الدراسة تقييم الكتب المدرسية الجديدة في المدارس الابتدائية من وجهة قدر الانتباه الى المفاهيم المهدوية. كان منهجية البحث، الوصف و تحليل المحتوى و كان نهج البحث، التطبيق. كانت السكان الإحصائيون الكتب الدراسية في المدارس الابتدائية التي طبعت في عام ١٣٩٥ الشمسيه و تقع اربع عناوين في ٢١ المجلد على سبيل اخذ العينات المستهدفة في المثال و هي: «الهدايا السماوية» «لنقرأ باللغة الفارسية» «تعليم القرآن الكريم» و «الدراسات الاجتماعية». و كانت أداة البحث قائمة التشيكية المرسومة بيد الباحث التي تقع مورد الفحص و التحليل بالمؤشرات الوصفية و تقنية «آنتروبي شانون». اهم نتائج البحث تعبّر بأن: ١- كمية الاهتمام بالمكونات المفهومية المتعلقة بالمباحث المهدوية ٣٤٦٦ مرة و كمية كثافة الوفرة في المكونات المذكورة يعنى «القب الامام المهدي ﷺ» «مميزاته» «علائم الظهور» «ادلة الغيبة» «توقعات الامام من الناس» «فوائد الظهور و آثاره» كما تلى على التوالي: ١٨٨، ١١٠٠، ١٦٣، ٤٢٨، ١١٠٤، و ٤٣٣ مرة. ٢- و في الكتب الممسوحة يكون الكتاب «الهدايا السماوية» مخصوص بالاهتمام الاكثر بتحميل البيانات على قدر ٨٩٨/٠ و بالعامل المهم على قدر ٢٥٩/٠ و الكتاب «تعليم القرآن الكريم» مخصوص بالاهتمام الاقل بتحميل البيانات على قدر ٨٣٨/٠ و بالعامل المهم على قدر ٢٤٢/٠.

المصطلحات الأصلية في البحث

المحتوا، الكتاب المدرسي، المدارس الابتدائية، المفاهيم المهدوية، أنتروبي شانون.

الكرامة البشرية؛ ممهدة للعدالة العالمية

مرتضى آقامحمدى^٤

العدالة من أهم الخلق الحسنة لها عناصرها الداخلية و الخارجية، و الفردية و الاجتماعية.

١. أستاذ مشارك في مجموعة العلوم التربوية في جامعة قم (الكاتب المسؤل) (tjafarih@yahoo.com).

٢. طالب دكتوراه دراسات المناهج الدراسية في جامعة العلامة الطباطبائي.

٣. ماجستير في العلوم التربوية في جامعة فرهنكيان برديس باهنر في اصفهان.

٤. طالب حوزة في المرحلة الرابعة في المؤسسة الدولية للدراسات الإسلامية في الحوزة العلمية في قم؛ جامعي دكتوراه فرع دراسة الشيعة في جامعة الأديان و المذاهب الإسلامية؛ مدير قسم الدراسات الإسلامية (الفرع الإنجليزي) مؤسسة اللغة و معرفة المصطلحات، التابعة لجامعة المصطفى العالمية؛ باحث في مركز الدراسات الاستراتيجية للإسلام المعاصر [مرام] (الكاتب المسؤل) (mam50025@gmail.com).

العدالة من أهم الخلق الحسنة لها عناصرها الداخلية والخارجية، و الفردية و الاجتماعية. خصيصة «كرامة النفس» هي التي يسهل تعميق العدالة في ذات الانسان. هذه المقالة بطريق توصيفي - تحليلي يهتم ببيان علة و كيفية ابتناء الاعتدال على كرامة النفس. في البداية يشرح معنى العدالة و بعدها يدرس علاقة العدالة و كرامة النفس و يضاف إلى ذلك، دراسة الكرامة الجماعية و الدولة الكريمة و نسبتها الى العدالة و يبين أنه لا يتحقق العدالة الحقيقية بدون كرامة النفس. اذاً العدالة و الكرامة البشرية توأمان و المجتمع المهدوى مبتن على الكرامة البشرية لوسطاءها و التي تنتج كرامة النفس لطالبيها. فاللازم تأسيس المجتمع المهدوى العازم على اجراء العدالة، على الكرامة البشرية. أيضاً سيبين أن الطواغيت يسعون في تدمير الكرامة البشرية في الآخرين لأجل استعبادهم.

المصطلحات الأصلية في البحث

العدالة، الكرامة البشرية، الحكومة المهدية، الدولة الكريمة